

نقش پیامبر اکرم ﷺ: تأسیس تمدن اسلام

سیره پیامبر اعظم ﷺ

پیش از رسالت:
حفظ سیره توحیدی ابراهیمی

پس از رسالت:
تأسیس اسلام ناب

دوره مکه
(۱۳ سال)

دعوت سری (۳ سال)

دعوت علنی

هجرت

دوره مدینه
(۱۰ سال)

پی‌ریزی
نظام اسلامی

ایجاد فضای وحدت ایمانی

بنای مسجد

بنیان‌گذاری اقتصاد اسلامی

ایجاد منزلت اجتماعی برای زنان

تشکیل نیروی نظامی

برخورد با دشمنان

ابلاغ جهانی رسالت
به سران کشورها

برجسته کردن موقعیت اهل بیت ﷺ

تسلیم فدک به فاطمه ﷺ به‌عنوان
پشتوانه اقتصادی امامت

ابلاغ امامت در غدیر خم

برنامه‌ریزی برای
آینده رهبری امت





شناسه پیامبر اکرم ﷺ

- نام مبارک: محمد
- کنیه شریف: ابوالقاسم
- لقب مبارک: مصطفی
- پدر بزرگوار: عبدالله بن عبدالمطلب
- مادر گرامی: آمنه، بنت وهب
- تاریخ ولادت: ۱۷ ربیع الاول ۴۰ سال قبل از بعثت
- مکان ولادت: مکه معظمه
- سال آغاز نبوت: ۴۰ عام الفیل
- سن رسیدن به نبوت: ۴۰ سالگی
- مدت زمان نبوت: ۲۳ سال
- مدت زمان عمر پربرکت: ۶۳ سال
- فرزندان: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ابراهیم، زینب و...
- تاریخ رحلت: ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری
- علت رحلت: تأثیر سم
- مرقد مطهر: مدینه منوره



حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جامعه‌ای به رسالت مبعوث شدند که در مقایسه با دیگر امت‌ها از نظر نظام فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عقب‌مانده بود. حرکت ایشان فقط رویکرد تربیتی نداشت، بلکه تمدن توحیدی را در چنین فضایی تبلیغ و تأسیس کردند.

با نگاهی موشکافانه در سیر دعوت ایشان، درمی‌یابیم که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکه و پیش از هجرت به مدینه، ضمن معرفی تمدن توحیدی خود، به سامان دادن یکی از عناصر اساسی تمدن یعنی امت اقدام فرمودند و این تلاش در قالب جذب افراد و به تدریج گروه‌سازی نمودار شد. پس از هجرت ایشان به مدینه و شکل‌گیری جامعه اسلامی، حکومت توحیدی ظهور یافت و سپس نوبت به جهانی ساختن دعوت رسید. نامه‌های ایشان به سران کشورهای آن روز، گواهی است بر تلاش آن بزرگوار که با رحلت ایشان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اتفاق‌های بعدی، ادامه یافته و تکمیل رسالت نبوی به ائمه اطهار علیهم‌السلام واگذار شد.

در این مجال، برای آشنایی با نقش تمدن‌سازانه آن بزرگوار، زندگی سیاسی و فرهنگی ایشان را در دودوره بررسی و مطالعه می‌کنیم:

۱. دوره مکه

عصر جاهلیت به ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال پیش از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفته می‌شود. واژه جاهلیت از ریشه «جَهَلٌ» گرفته شده است. در این واژه، جهل در مقابل علم نیست، بلکه در مقابل عقل و منطوق است. این دوره به علت بینش غلط و دور از منطق عرب آن روزگار، پیروی از آداب و رسوم خرافی و داشتن صفاتی مانند کینه‌توزی، خودپسندی، فخرفروشی و



تعصب کورکورانه که سخت منفور اسلام است، دوره جاهلیت نامیده شده است.^۱

از خصوصیات عصر جاهلیت آن است که یک دولت متمرکز و اجتماع قانون‌گرا در عربستان آن دوره وجود نداشت. زنان در اجتماع و خانواده جایگاهی نداشتند. قومیت‌گرایی، جنگ‌های قبیله‌ای، خونخواهی، غارت و آدم‌کشی با رونق فراوان، برترین جایگزین روح تفکر، تعقل و منطق در فرهنگ آن روز بود. اوهام و خرافات بر افکار مردم سیطره داشت. پرستش و بینش اعراب در ضلالت و گمراهی فرو رفته و نمونه بارز آن بت‌پرستی بود.

در چنین شرایطی پیامبر اکرم ﷺ به رسالت مبعوث شدند. حوادث پس از بعثت تا هجرت را می‌توان به سه محور تقسیم کرد:

- دعوت سرّی (فردی)
- دعوت عمومی (خانوادگی)، گروه‌سازی (مانند تشویق به هجرت)، جریان‌سازی (مانند شعب‌ابی طالب)
- هجرت

۱،۱. دعوت سرّی

در سه سال اول، پیامبر ﷺ افرادی را که مستعد می‌یافتند، مخفیانه به اسلام دعوت می‌کردند. خانه ارقم، ستاد تبلیغاتی، محل تجمع مسلمانان و مکانی برای برگزاری نماز

۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، صص ۳۲ تا ۶۵.

بود.^۱

۲.۱. دعوت عمومی

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دعوت عمومی را با دعوت خویشاوندان در «یوم‌الانذار» آغاز کردند. در این روز، ایشان با اعلان نبوت خود و معرفی علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه به عنوان وصی و جانشین، آینده امامت و رهبری مسلمانان را ترسیم فرمودند.

پس از دعوت عمومی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مخالفت‌های قریش آغاز شد. آنها می‌کوشیدند با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سازش کنند و ایشان را به تطمیع وادارند.^۲ وقتی ایشان را در عزم

۱. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، صص ۲۴۶ و ۲۴۷. طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۸۳. کاتب واقدی، ابن سعد، طبقات کبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۲۰۲ و ۲۰۷؛ آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صص ۹۸-۹۹؛ مبارکفوری، صفی الرحمن، باده ناب، ترجمه: محمد بهاء‌الدین حسینی، ص ۱۱۷، ابن اثیر، کامل، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۷، ص ۶۳ معروف الحسنی، هاشم، سیره‌المصطفی، ترجمه: حمید ترقی جاه، ج ۱، ص ۱۴۲ و ۱۵۴؛ العاملی، جعفر مرتضی، سیرت جاودانه، ترجمه: محمد سپهری، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ج ۱، ص ۳۱۱؛ مجلسی، محمدباقر، حیاة‌القلوب، ج ۳، ص ۶۸۴؛ استرآبادی، احمد بن تاج‌الدین، آثار احمدی، زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص ۸۴؛ قمی، عباس منتهی‌الامال، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۲۶۴ تا ۲۸۹. ابن اسحاق، سیرت رسول الله: ترجمه: قاضی ابرقوه، ج ۱، ص ۲۳۷؛ کاتب واقدی، ابن سعد، طبقات کبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ العاملی، جعفر مرتضی، سیرت جاودانه، ج ۱. صص ۳۱۹-۳۲۱؛ سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ص ۲۶۲؛ سبحانی، جعفر، سید المرسلین، تعریب: جعفر الهادی، ج ۱، ص ۴۰۵.

خویش را سخ یافتند، فشارهای روانی (استهزای پیامبر ﷺ، ساحر، کذاب و مجنون خواندن ایشان) را برای متزلزل کردنشان در پیش گرفتند^۱؛ ولی حضرت محمد ﷺ کسی نبود که با این فشارها از سر پیمان درگذرد.

مشرکان نیز با آزار و شکنجه تازه مسلمانان، سعی داشتند آنها را از ادامه مسیر باز دارند، اما راه به جایی نبردند^۲ و آخرین حربه را به کار گرفتند و آن محاصره اقتصادی بنی هاشم بود.

پیامبر اکرم ﷺ در مقابل این اقدامها، مسلمانان را در دونوبت به هجرت به حبشه تشویق کردند.^۳ آنان در برابر محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب، به مدت سه سال

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۲۶۴ تا ۲۸۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۳۳؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۳۹۴.

۲. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۱۷. ابن اسحاق، سیرت رسول الله، ترجمه: قاضی ابرقوه، ج ۱، ص ۲۶۲؛ الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۳۴؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۲۱۳؛ ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۳۳؛ دیاربکری، حسین، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، ج ۱، ص ۲۹۴؛ مبارکفوری، صفی الرحمن، الریح المخبوم، بیروت: دارالهلال، ۱۴۲۷ق، ص ۸۹؛ معروف الحسنی، هاشم، سیره المصطفی، ص ۱۵۷؛ حلبی شافعی، ابوالفرج، السیره الحلبیه، ج ۱، صص ۴۲۰-۴۲۱.

۳. سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۱۹۹ تا ۲۰۰. طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم ﷺ، ترجمه: عزیز الله عطاردی، ص ۶۲؛ مجلسی، حیاة القلوب، ج ۳، ص ۷۸۲؛ استرآبادی، احمد بن تاج الدین، آثار احمدی، ص ۹۵.



مقاومت و ایستادگی از خود نشان دادند.^۱ تبلیغ در این دوره فقط در ایام حج انجام می‌گرفت.^۲

قدرت اشرافیت، وابستگی عقل و اندیشه مردم به صاحبان ثروت و منزلت و آشنایی قریش با شگردهای سیاسی، سبب شد تا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نتواند در مکه نفوذ توده‌ای یافته و عامه مردم را جذب کنند. بنابراین، ایشان برای تبلیغ، متوجه خارج مکه شدند و به طائف سفر کردند^۳ و یا با مردم مدینه در مراسم حج، دیدار و آنها را به دین مبین اسلام دعوت کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از پیمان «عقبه اول» که بیشتر جنبه اجتماعی داشت و به «بیعت النساء» شهرت یافت^۴، مصعب بن عمیر را برای تبلیغ به مدینه اعزام کردند.

ایشان پس از پیمان «عقبه دوم» که بیشتر جنبه سیاسی و حمایتی داشت و به «بیعت الحرب» مشهور شد، دوازده نفر را از میان بیعت‌کنندگان انتخاب فرمودند تا پس از

۱. سیره ابن هشام، ج ۱ ص ۳۵۰. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۹۹؛ مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ترجمه: محمد جواد نجفی، ص ۲۱۴؛
۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۲؛ مجلسی، محمدباقر، حیاة القلوب، ج ۳، ص ۷۹۶، یوسفی غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ج ۲، ص ۱۰۹.
۳. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۴۱۹، طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۳، ص ۸۸۶. یوسفی غروی، محمدهادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ج ۲، ص ۱۰۷.
۴. این پیمان در اصطلاح مورخان به «بیعت النساء» مشهور است، زیرا در جریان فتح مکه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با زنان به همین شرایط بیعت کردند. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فروغ ابدیت، ص ۳۹۳؛ آیتی، محمد الراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۶۵. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۳، ص ۸۹۶؛

بازگشت به یثرب و تا هجرت آن حضرت، امور را سرپرستی کنند. این اقدام پیامبر ﷺ از رفتار تشکیلاتی ایشان خبر می‌دهد، گویا ایشان به دنبال سازماندهی نیروهای موجود بودند.^۱

۳،۱. هجرت

با ماجرای لیلۃ‌المیت و خنثی شدن توطئه ترور پیامبر ﷺ ایشان به مدینه هجرت کردند. هجرت حضرت محمد ﷺ، بعدها مبدأ تاریخ مسلمانان شد.^۲

۲. دوره مدینه

اساسی‌ترین عملکردهای پیامبر ﷺ در مدینه را می‌توان به مراحل ششگانه ذیل تقسیم کرد:

۱. پی‌ریزی نظام اسلامی و ساختن الگو و نمونه از حاکمیت اسلام برای همه تاریخ. پیامبر ﷺ برای دست یافتن به این امر، مسجد را دارالحکومه اسلامی (محلّی برای عبادت، آموزش، مشورت، مدیریت و قضاوت) معرفی و با انعقاد پیمان‌نامه اجتماعی بین اوس و خزرج و پیمان اخوت میان مهاجر و انصار، فضای اختلافی جامعه را به فضای وحدت ایمانی تبدیل کردند. ایشان برای دفاع و حراست از اسلام در برابر دشمنان

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: سبحانی، جعفر. فروغ ابدیت، صص ۳۹۰ تا ۴۰۳. ابن سعد، طبقات کبری،

ترجمه: مهدوی دامغانی، ج ۳، ص ۱۰۳؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۹۰۷.

۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۵؛ سبحانی، جعفر، سید المرسلین، تعریب:

جعفر الهادی، قم: جامه مدرسین، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶۰۸.



نیروی نظامی تشکیل دادند. اقتصاد سالم اسلامی بنیان نهاده شد و زنان از پایگاه و حقوق اجتماعی برخوردار شدند.

۲. برخورد با دشمنان. دین اسلام در آن زمان از جانب سه گروه تهدید می‌شد:

یهودیان: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقابل کارشکنی و پیمان‌شکنی یهودیان برخورد قاطع داشتند و حتی آنان را از مدینه اخراج می‌کردند.

منافقان: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با این گروه هم در مقابل کارهای سازمان‌یافته، قاطعانه برخورد می‌کردند. (مانند تخریب مسجد ضرار)

مشرکان: مقاومت و جهاد در مقابل مشرکان در جنگ‌های بدر، احد و احزاب نمونه‌ای از برخورد ایشان با آنها بود.

۳. ابلاغ جهانی رسالت از طریق مکاتبه با سران کشورهای مختلف.^۱

۴. رفتار مهرآمیز با دشمنان سرسخت اسلام و عفو و گذشت آنان در فتح مکه.

۵. تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی با براندازی شرک و بت‌پرستی در کل جزیره عربستان با اعلان برائت.

۶. اعلام رهبری آینده امت در حجه الوداع.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فرصت‌های مختلف، موقعیت اهل‌بیت علیهم‌السلام را در نظر مردم برجسته

۱. دفتر فرهنگی فخرالائم علیهم‌السلام، شعاعی از نیر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صص ۱۷۴ و ۱۷۵. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت،



می کردند؛ به عنوان مثال، در ماجرای مباحله، اهل بیت علیهم السلام را به صحنه آوردند^۱ یا پس از نزول آیه تطهیر، تا چندماه در وقت نماز به در منزل علی و زهرا علیهم السلام می رفتند، آنان را اهل البیت خطاب و آیه تطهیر را تلاوت می کردند.^۲ ایشان در موقعیت‌های مختلف در حجة الوداع، غدیر خم، مسجد و حتی در بستر بیماری حدیث ثقلین را یادآور می شدند.^۳ فدک را به عنوان پشتوانه اقتصادی آینده حکومت اسلامی به حضرت زهرا علیها السلام تسلیم فرمودند و علی علیه السلام را در غدیر خم به عنوان جانشین و وصی بعد از خود معرفی فرمودند. همچنین، در آخرین برنامه‌های خود اسامه را که جوانی بیش نبود، به فرماندهی سپاه گماشتند و به همگان فهماندند که جوان هم می تواند رهبری گروه را برعهده گیرد و بزرگسالی را به عنوان شاخص رهبری رد کردند. اصلی که بعد از ایشان از سوی برخی از صحابه مطرح شد.

۳. شاخصه‌های سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

رویکرد فرهنگی و معنوی در مکه بر محوریت خودسازی، فردسازی، خانواده‌سازی، گروه‌سازی، جریان‌سازی و مقاومت و تبلیغ بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای هدایت فکری

۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲. سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه: محمدرضا عطایی، ص ۲۱؛ علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ترجمه: علی رضا کهنسال، ص ۲۲۶؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ترجمه: مهدوی دامغانی، ص ۲۷۲.

۲. شیخ حرعاملی، اثبات الهداه، ج ۲، ص ۲۷۹. فیروز آبادی، مرتضی، فضائل پنج تن در صحاح ششگانه اهل سنت، ترجمه: محمد باقر ساعدی، ج ۱، صص ۳۹۲-۳۹۳.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ج ۱، صص ۱۷۰ تا ۱۸۱. شریف قرشی، باقر، زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام، ترجمه: سید حسین محفوظی، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۳.



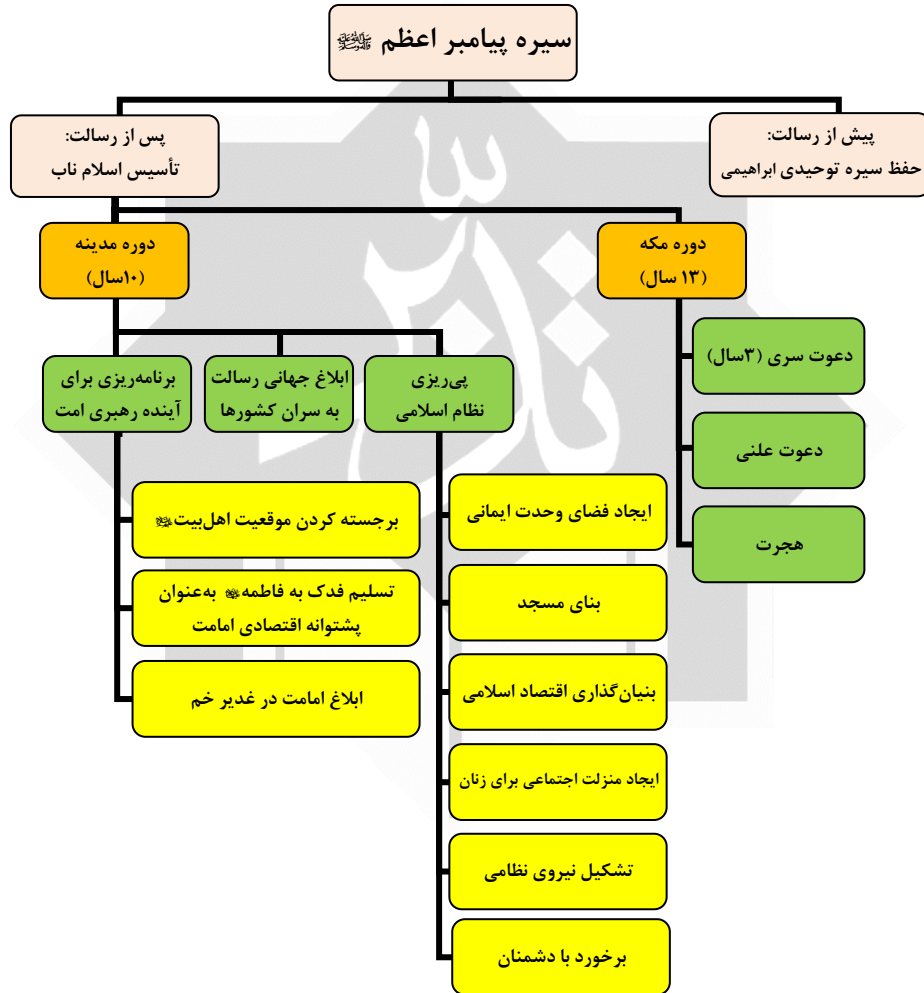
مردم و به ثمر نشاندن انقلاب اعتقادی خود اقدام‌های فراوانی را انجام دادند. شیوه تفکر و اندیشه و نوع نگرش مردم به مبدأ هستی و آفرینش را متحول کردند. در سایه فعالیت‌های ایشان، باورها، آرمان‌ها و ایده‌آل‌های جامعه جاهلی دگرگون شد و کم‌کم اوهام و خرافات حاکم بر افکار مردم رنگ باخت و توحید جایگزین شرک شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عقاید و اندیشه‌های صحیح بر محوریت توحید و عزت انسان را برای مردم تشریح می‌کردند؛ در نتیجه، زیربنای عقیدتی نابرابری و تمایزهای انسانی متروک شد. عملکرد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه علاوه بر رویکرد فرهنگی و معنوی، بر محوریت جامعه‌سازی و برقراری حکومت اسلامی بود.

در این مقطع، حکومت نبوی بر محوریت ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، کار و حرکت و پیشرفت دائمی تشکیل شد.^۱ ایشان جهانی کردن رسالت را دنبال می‌کردند و برای رهبری آینده امت، امام علی علیه‌السلام را به عنوان وصی و جانشین برنامه‌ریزی معرفی فرمودند.

۱. دفتر فرهنگی فخرالانتمه علیهم‌السلام، شعاعی از نیر اعظم، صص ۲۰۵ تا ۲۰۸.

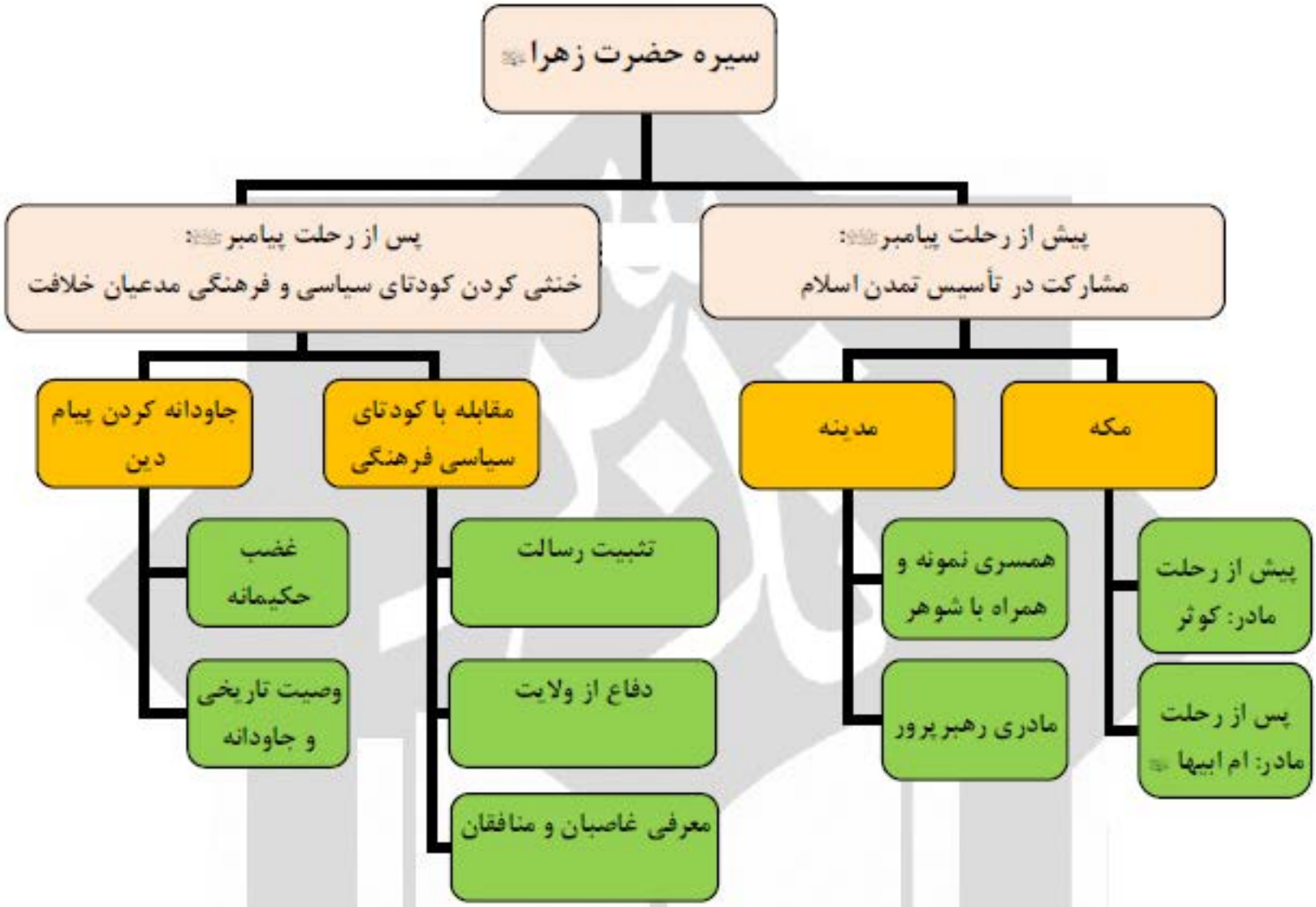


نقش پیامبر اکرم ﷺ: تأسیس تمدن اسلام





نقش حضرت زهرا: خنثی کردن کودتای سیاسی و فرهنگی مدعیان خلافت







شناسه حضرت زهرا

- نام مبارک: فاطمه
- کنیه شریف: ام ایها
- لقب مبارک: زهرا، حورا، انسیه، صدیقه کبری و...
- پدر بزرگوار: حضرت محمد
- مادر گرامی: حضرت خدیجه
- تاریخ ولادت: ۲۰ جمادی‌الثانی اوایل بعثت
- مکان ولادت: مکه مکرمه
- مدت عمر پر برکت: بیش از ۱۸ سال و ۷۵ روز
- فرزندان: امام حسن و امام حسین، حضرت زینب، ام کلثوم و جناب محسن
- علت شهادت: بیماری بر اثر صدمات وارد شده در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین
- محل دفن: مدینه
- خلفای زمان: ابوبکر

۱. پیش از رحلت پیامبر اکرم

۱،۱. دوره مکه

تولد فاطمه زهرا در محیط مکه، بهانه تازه‌ای به دست دشمنان اسلام داد تا آن را برای رنجاندن پیامبر اکرم دستاویز قرار دهند. در آن شرایط، نزول سوره مبارکه «کوثر» در شأن ایشان، جایگاه ویژه آن حضرت نزد خدا و رسولش را بر مردم، چه مسلمان و چه مشرک آشکار کرد. با وجود اوضاع نابسامان فرهنگی و اجتماعی حجاز



و مشکلاتی که مشرکان در راه نشر اسلام به وجود می‌آوردند، فاطمه زهرا^{علیها السلام} در دامان پدر و مادری که بهترین مردمان آن روزگار بودند، از عالی‌ترین تربیت برخوردار شدند. حضور در کنار والدین و لمس سختی‌ها و مشکلات رسالت از نزدیک، بذره‌های ایمان، اخلاق، صبر و جهاد را در وجود آن حضرت بارور ساخت. ایشان پس از رحلت مادر بزرگوار خود در سال دهم بعثت، به حدی در تحمل بار سنگین رسالت با پدر خود شریک بودند که پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} به آن حضرت «ام اییها» لقب دادند.^۱

۲.۱. دوره مدینه

فاطمه زهرا^{علیها السلام} در جریان هجرت، به تبعیت از پدر بزرگوار خود به مدینه رفتند و در آنجا نیز، همه وظایف خود را به‌عنوان یک فرزند صالح و یک مسلمان حقیقی، به نحو احسن ادامه دادند. پس از ازدواج با حضرت علی^{علیه السلام} در سال دوم هجرت، وظیفه یاری و همراهی با مردی که تمام زندگی خود را وقف تلاش در راه خدا و اطاعت از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} کرده بود، بر فعالیت‌های قبلی حضرت فاطمه^{علیها السلام} افزوده شد. فاطمه زهرا^{علیها السلام} علاوه بر دختر و همسری نمونه، مادری بی‌نظیر نیز بودند؛ زیرا فرزندان خود را به گونه‌ای در راستای اهداف پدر عظیم‌الشأن و همسر ارجمند خود تربیت کردند که هر چهار نفر،

۱. طبرسی. فضل بن حسن. تاج الموالید، ص ۷۹. المرعشی التستری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق، ج ۱۹، ص ۱۳؛ الطبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۱، ص ۴۹۹؛ دیار بکری، حسین، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۴؛ فیروز آبادی، سیدمرتضی، فضائل الخمسه من صحاح السنه، ج ۳، ص ۱۲۶؛ ابن مغزلی، علی بن محمد الجلابی، مناقب، ترجمه: سیدجواد مرعشی نجفی، ص ۲۶۴؛ انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، الموسوعه الکبری، ج ۱۸، ص ۳۵۱، ابن مغزلی، علی بن محمد الجلابی، مناقب اهل البیت^{علیهم السلام}، ص ۴۰۶.

به بزرگترین و برجسته‌ترین رهبران جامعه اسلامی تبدیل شدند و هر یک در زمان خود، حساس‌ترین نقش‌ها را بر عهده داشتند و کاروان عظیم تمدن اسلامی را در مسیر خود حرکت دادند.

۲. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

جریان نفاق که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آن بیمناک و نسبت به آن هشدار داده بودند، در اواخر عمر ایشان با تخلف از لشکر اسامه و ماندن در مدینه، هنگامی که ایشان در بستر بیماری بودند و اسائه ادب به محضر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ممانعت از نگارش وصیت ایشان بروز یافت. زمانی که حضرت علی علیه‌السلام به کار تجهیز و تدفین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشغول بودند، عمر بن خطاب رحلت ایشان را انکار کرد تا ابوبکر از سفر برگردد. سپس با حضور در اجتماع سقیفه بنی‌ساعده، در مورد امر خلافت و جانشینی، به نزاع پرداختند و با استدلال به اولویت قریش در امر جانشینی بر دیگران پیشی گرفتند. با بیعت شتاب‌زده عمر و چند نفر دیگر با ابوبکر و حرکت دست‌جمعی و شدت عمل آنها در بیعت گرفتن از برخی از مردم که در مسجدالنبی حاضر بودند، ابوبکر به‌عنوان خلیفه معرفی شد.

۱.۲. اعتراض به کودتای سقیفه، تثبیت رسالت و دفاع از ولایت

حضرت زهرا علیها‌السلام در این شرایط به حکم سقیفه، بدون تظاهرات و ایجاد سروصدا به حکم سقیفه اعتراض کردند. ایشان شبانه نزد مهاجر و انصار می‌رفتند و برای حمایت از علی علیه‌السلام از آنها یاری می‌خواستند. در گفتگو با آنها واقعه غدیر و دیگر سفارش‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حق علی علیه‌السلام و حدیث ثقلین را یادآوری می‌کردند و حتی حسنین علیهم‌السلام را با خود



می بردند و فرمایش های پیامبر ﷺ را در مورد آنها به صحابه یاد آور می شدند.^۱

۲.۲. معرفی غاصبان و منافقان

بیش تر مردم به دادخواهی حضرت زهرا ﷺ بی توجه بودند. در سایه سکوت و بی توجهی مردم، حکومت وقت فشارهای خود را آغاز کرد، از جمله: ده روز پس از رحلت رسول خدا ﷺ عمال حکومت، فدک را غصب و فشار اقتصادی را بر بنی هاشم اعمال کردند.^۲ این عمل آن ها علتی جز اعتراض آن حضرت به حکم سقیفه نداشت و خلفا می خواستند با این فشار، زهر چشمی از ایشان گرفته باشند.

حضرت زهرا ﷺ برای مطالبه حقوق خود، نامه ای اعتراض آمیز توسط علی ﷺ نوشتند و برای ابوبکر فرستادند.^۳ افزون بر آن، در مسجد بر مالکیت خود بر فدک شاهد آوردند^۱

۱. ابن قتیبه. الامامه و السياسه، ج ۱، صص ۲۹ و ۳۰؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۳؛ الامینی، عبدالحسین، الغدير. ترجمه: جمعی از نویسندگان، ج ۱۳، ص ۱۸۰.
 ۲. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۸. شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷؛ جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در ائمه ﷺ، ج ۱، ص ۶۷؛ الحسینی جلالی، محمد باقر، فدک و العوالی، ص ۵۴۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳. یعقوبی، احمدبن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۱؛ شیخ حرعاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۳۶۰؛ مقریزی، تقی الدین، امتاع الاسماء، ج ۵، ص ۳۷۸؛ امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۴؛ الامینی، عبدالحسین، الغدير، ترجمه: جمعی از نویسندگان، ج ۱۴، ص ۹۸؛ انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، الموسوعه الکبری، ج ۱۲، ص ۴۳۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۳.

(اگرچه برای عدم مالکیت آن حضرت، باید از سوی ابوبکر شاهد آورده می‌شد). حضرت زهرا علیها‌السلام با جمعی از زنان و از راه عمومی (نه از در منزل که به مسجد باز می‌شد) به مسجد رفتند. در این شرایط، رفتار ایشان یادآور حرکات و سکنات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود.^۱ مسجد مملو از جمعیت بود. حضرت زهرا علیها‌السلام خطبه فدکیه را با گریه آغاز کردند. عواطف مردم تحریک شد و آماده شنیدن سخنان دردانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند.^۲ حضرت زهرا علیها‌السلام با استدلال به آیات قرآنی، به مردم اثبات کردند که خلیفه اول و دوم با مبانی قرآنی آشنا نیستند و شعار آنها مبنی بر «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» و پیروی از سنت انبیا، ترفندی بیش نیست.^۳ ابوبکر که مردم را هیجان‌زده می‌دید، دست به عوام‌فریبی زد و آنها را در برابر حضرت زهرا علیها‌السلام قرار داد و خلافت خود را نتیجه خواست مردم دانست.

۱. شیخ حرعاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۳۶۰؛ طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۴؛ المرعشی التستری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۲۵، ص ۵۴۳؛ طبری، عمادالدین، اخبار و احادیث و حکایات در فضائل اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۵۶؛ رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا بهجة قلب المصطفی، ص ۴۲۶؛ دینوری، ابن قتیبه، امامت و سیاست، ترجمه: ناصر طباطبایی، صص ۳۰-۳۱؛ الامینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه: جمعی از نویسندگان، ج ۱۱، ص ۳۸۲ و ج ۸، ص ۳۳۵.
۲. طاهایی، فاطمه، سیری در خطبه فدکیه، ص ۲۰؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۳۴۵؛ احمدی بیرجندی، احمد، مناقب فاطمی در شعر فارسی، ص ۱۲.
۳. طاهایی، فاطمه، سیری در خطبه فدکیه، صص ۵-۹؛ امین عاملی، محسن، سیره معصومان علیهم‌السلام، ج ۲، صص ۶۶-۸۲؛ میرجهانی طباطبایی، حسن، جنة العاصمه، ص ۴۸۸؛ سیدبن طاووس، الطرائف، ترجمه: داوود الهامی، صص ۴۱۰-۴۲۳؛ طبر، محمدبن جریربن رستم، دلائل الامامه، ص ۱۱۱.
۴. طبرسی، احمدبن علی، احتجاج، ج ۱، ص ۹۸؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، صص ۲۱۴-۲۱۵. منذر حکیم، اعلام الهدایه، ج ۳، صص ۱۴۷-۱۴۸.

۳،۲. خنثی کردن طرح ترور شخصیت امام علی

ابوبکر برای به اثبات رساندن خلافتش باید از علی بیعت می گرفت. بنابراین به خانه حضرت زهرا حمله برد و علی را به بند کشید. حضرت زهرا از همسرشان نه به عنوان همسر، بلکه به عنوان ولی امر مسلمین حمایت کردند تا آنجا که مجروح شدند و فرزند خویش را از دست دادند.^۱

ایشان بلافاصله در مسجد حضور یافتند و مردم را تهدید کردند که اگر به علی جسارتی شود یا آسیبی رسد، آنها را نفرین خواهند کرد.^۲

افزون بر این، خلفا با منع نقل و کتابت حدیث به ترور شخصیتی امیرالمؤمنین اقدام کردند، زیرا با این حربه بسیاری از فضیلت‌های ایشان از نظرها پنهان می ماند. آنها می کوشیدند تا مردم فراموش کنند حضرت علی در غدیر خم، جانشین پیامبر اکرم عرفی شده اند. به عبارت دیگر سیاست خلفا آن بود که مردم کم کم حضرت علی را یک صحابی معمولی در کنار پیامبر بدانند و نه بیشتر.

۴،۲. جلوگیری از تثبیت قدرت خلافت

حضرت زهرا برای افشاگری هرچه بیشتر و پرده برداشتن از چهره خلفا، در محل

۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ترجمه: محمدجواد نجفی، ص ۲۶۲؛ میرجهانی طباطبایی، حسن، جنه العاصمه، ص ۴۵۸؛ العاملی، جعفر مرتضی، ماساة الزهراء، ج ۲، ص ۹۷؛ انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، الموسوعه الكبرى، ج ۹، ص ۲۰.

۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ج ۴۱، ص ۱۳۴ و ج ۲، ص ۱۹، مشایخ، فاطمه، قصص الانبياء، صص ۷۳۰-۷۳۱.

عبور و مرور مسافران و تازه‌واردان، مکانی را برای حضور و گریه‌های سیاسی خود اختصاص داده بودند که به «بیت الاحزان» مشهور شده بود. مردم از این وضعیت متأثر شدند؛ در نتیجه زنان مدینه به عیادت حضرت زهرا علیها‌السلام آمدند. ایشان خطبه‌گرایی ایراد کردند و در آن از حقایق پرده برداشتند^۱. از سوی دیگر، گروهی از انصار و مهاجرین نیز برای عذرخواهی به خانه حضرت زهرا علیها‌السلام آمدند، اما ایشان عذرخواهی آنها را نپذیرفتند. این امر تأثیر مردم را در پی داشت تا آنجا که خلیفه اول و دوم تصمیم گرفتند از حضرت زهرا علیها‌السلام عیادت کنند. هدف آنها جلب رضایت ایشان و آرامش افکار عمومی بود. حضرت زهرا علیها‌السلام در خانه را به روی مدعیان خلافت بستند و به آنها اجازه ورود و ملاقات ندادند و خشم و نارضایتی خود را از آنان اعلام کردند. خلفایی که در آغاز، خشونت بی‌سابقه را در پیش گرفته بودند تا خاندان نبوت را به سکوت و انفعال بکشانند، در مقابل سیاست‌های دقیق و عمل‌عالمانه ایشان مجبور شدند از آن موضع عقب‌نشینی کنند و به فکر عذرخواهی از حضرت زهرا علیها‌السلام بیفتند.

۵،۲. وصیت‌نامه سیاسی و تاریخی

مخالفت حضرت زهرا علیها‌السلام حتی پس از رحلتشان هم ادامه یافت. ایشان با وصیت‌نامه سیاسی خود مبتنی بر تجهیز و تدفین شبانه و مخفی کردن قبر خویش، برای این مخالفت

۱. ابن ابی طیفور، بلاغات النساء، ص ۳۲.



یک برنامه ریزی تاریخی و ماندگار کردند.^۱

احساسات مردم با این کار تحریک شد، تا جایی که خواستند نبش قبر کنند و بر جنازه ایشان نماز بخوانند. اما حضرت علی علیه السلام شمشیر به دست در قبرستان حاضر شدند و فرمودند هر کس سنگی را از روی قبری بردارد، زمین را به خون او رنگین خواهم کرد.^۲ بدین ترتیب، قبر آن مظلوم تاریخ مخفی ماند تا سندی گویا برای رسوا سازی مدعیان خلافت باشد.

۳. شاخصه‌های سیره حضرت زهرا علیها السلام

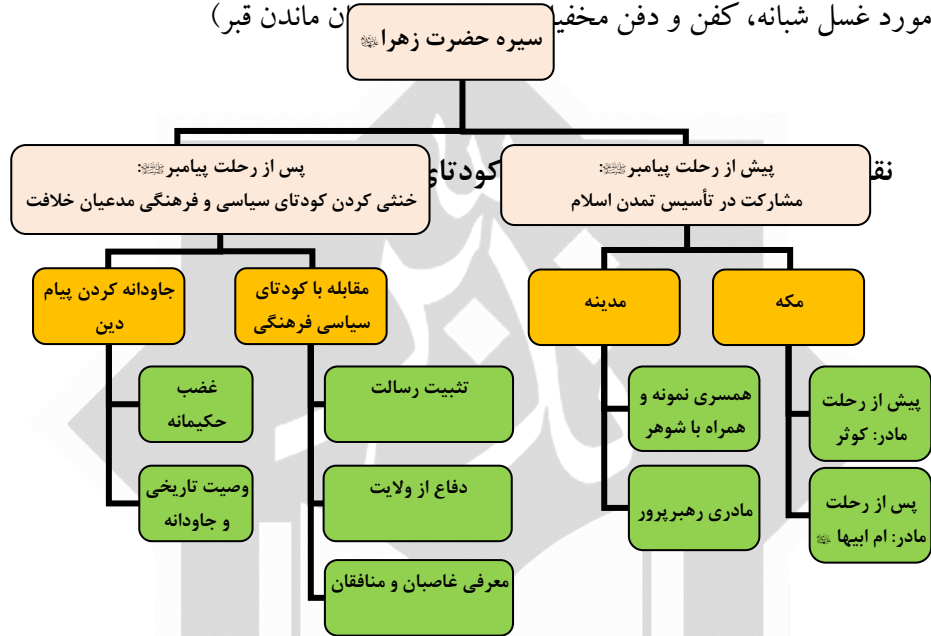
- عدم سکوت و شروع مبارزه در دفاع از امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام با شیوه‌های گوناگون مبارزاتی
- مبارزات ایشان را می‌توان به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۶۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، ج ۴، ص ۱۸۹۸؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، ص ۵۱۲؛ امین عاملی، محسن، سیره معصومان علیهم السلام، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ج ۲، ص ۱۰۶، قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۳، ص ۱۵۱۸.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۱، مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه: محمدروحانی علی آبادی، ص ۶۴۷ و ۶۷۴؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، ص ۲۵۹؛ مرتضی‌العاملی، جعفر مرتضی، رنجهای حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه: محمد سپهری، ص ۳۸۳؛ رحمانی همدانی، احمد، فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه: حسن افتخارزاده، ص ۶۹۷؛ قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۱، صص ۳۳۸-۳۳۹.

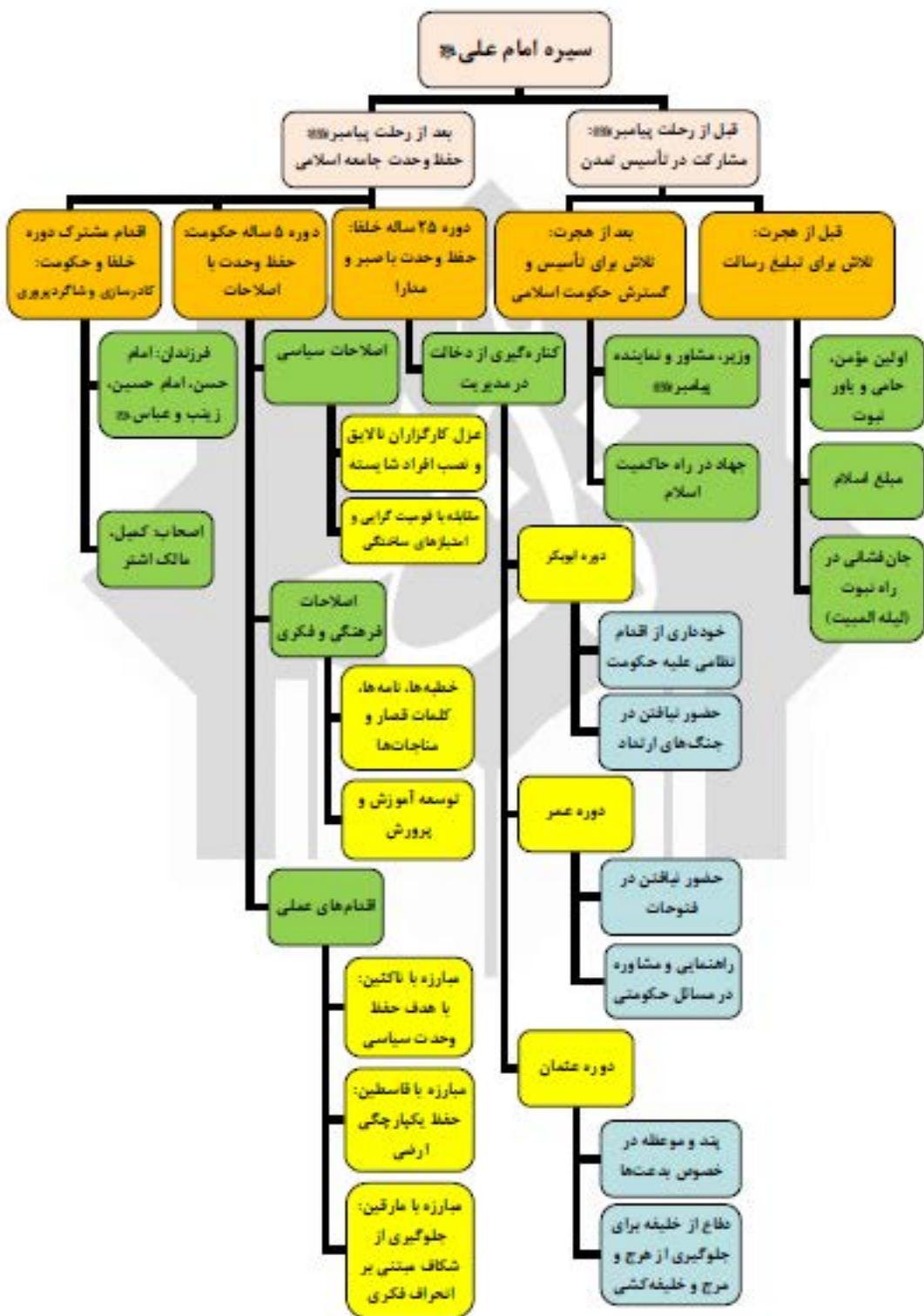
الف) مبارزه علمی و جهاد لسانی (خطبه‌ها و..).

ب) مبارزه عملی و مقاومت (گریه، اعلام نارضایتی از خلیفه و..).

- استمرار مبارزه تا آخرین لحظه حیات و جاودانه کردن آن با شیوه خاص (وصیت در مورد غسل شبانه، کفن و دفن مخفی سیره حضرت زهرا علیها السلام نماندن قبر)



نقش امام علی (ع): حفظ وحدت جامعه اسلامی







شناسه امام علی علیه‌السلام

- نام مبارک: علی
- کنیه شریف: ابالحسن
- لقب مبارک: امیرالمؤمنین
- پدر بزرگوار: ابوطالب
- مادر گرامی: فاطمه بنت اسد
- تاریخ ولادت: ۱۳ رجب سال سی‌ام الفیل (۱۰ سال قبل از بعثت)
- مکان ولادت: مکه معظمه درون کعبه
- تاریخ آغاز امامت: ۱۱ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۳۳ سالگی
- مدت زمان امامت: ۳۰ سال
- مدت زمان عمر پربرکت: ۶۳ سال
- فرزندان: امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام، حضرت زینب، ام کلثوم، جناب محسن، حضرت ابوالفضل علیه‌السلام و...
- تاریخ شهادت: ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری
- قاتل: ابن ملجم



• مرقد مطهر: نجف اشرف

• خلفای زمان: ابوبکر، عمر، عثمان

۱. پیش از رحلت پیامبر اکرم ﷺ

حضرت علی بن ابی طالبؑ از اولین سال‌های زندگی خود تحت تعلیم و تربیت پیامبر اکرم ﷺ قرار گرفتند.^۱ ایشان اولین کسی بودند که به رسالت پیامبر ﷺ ایمان آوردند و در تمام مراحل دعوت، یاور و مطیع پیامبر ﷺ بودند.^۲ آن حضرت، در دوره حضور در مکه از هیچ تلاش و فداکاری در راه نشر اسلام دریغ نکردند و در مدینه نیز، دوشادوش پیامبر اکرم ﷺ در تأسیس و اداره جامعه اسلامی می‌کوشیدند. صفات والای انسانی، اخلاص و همت علیؑ در همراهی و اطاعت از پیامبر ﷺ به حدی بود که پیامبر ﷺ ایشان را برادر خود می‌خواندند و همواره بر فضایل آن حضرت تأکید می‌کردند.^۳ حضرت علیؑ در دفاع از حکومت اسلامی، در بیشتر جنگ‌ها شرکت کردند^۴ و چندبار به‌عنوان نماینده پیامبر ﷺ به مناطق دیگر اعزام شدند.^۵ پیامبر ﷺ در طول رسالت خود، بارها ایشان را به‌عنوان وصی و جانشین خود معرفی کردند.

۱. طبری. محمد بن جریر. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۳. امین عاملی. سیره معصومان. ترجمه: علی حجتی کرمانی. ج ۳. ص ۲۳.

۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۵، بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۲۷۱؛ الامینی، عبدالحسین، الغدير، ترجمه: ج ۲۲، ص ۲۲۵.

۳. طبری. محمد بن جریر. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۴.

۴. به شهادت تاریخ، تبوک تنها غزوه‌ای بود که پیامبر ﷺ حضرت علیؑ را با خود به جنگ نبرد.

۵. قاضی ابرقوه. سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۱۰۷۹.





۲. پس از رحلت پیامبر اکرم

۱.۲. دوره خلفا

۱.۱.۲. کناره‌گیری از دخالت در حکومت

ابوبکر و عمر در سقیفه، امام علی را از عرصه حکومت کنار زدند و برای حذف شخصیت والای ایشان به‌عنوان یگانه‌جانشین رسول خدا مردم را از نقل احادیث پیامبر اکرم منع کردند. آنان می‌کوشیدند تا مردم خاطره دلاوری‌ها، سوابق و جایگاه علی را در حضور مؤسس تمدن توحیدی از یاد ببرند و چون فریاد اعتراض بنی‌هاشم از حنجره حضرت زهرا برخاست، کوشیدند تا با فشارها و تحریم اقتصادی آنها را به سکوت وادارند؛ اما راه اعتراض را بر حضرت علی نتوانستند مسدود کنند. ایشان تا شهادت حضرت زهرا با خلفا بیعت نکردند، اگرچه با هدف پیشگیری از تشتت و پراکندگی جامعه مسلمان، با حکومت آنها مخالفت صریحی نکردند.^۱ حضرت علی در هر فرصتی از خود و سوابقشان در اسلام سخن می‌راندند و با فعالیت اقتصادی، کار در نخلستان و... توانستند نیازهای مالی بنی‌هاشم را برآورند و از شدت فشار اقتصادی بر آنها بکاهند.^۲

۲.۱.۲. هدایت و مدیریت همه‌جانبه جامعه اسلامی

با ظهور پیامبران دروغین در آخرین روزهای حیات پیامبر اکرم خطر ارتداد و طغیان

۱. یعقوبی. احمد بن ابی یعقوب. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. ابن اثیر، الکامل، ج ۳، صص ۱۱۲۳ تا ۱۱۳۰، رحمانی همدانی، احمد، فاطمه زهرا شادمانی دل

پیامبر، ترجمه: سید حسن افتخار زاده، ص ۵۹۲.



اعراب را تهدید می‌کرد. از سوی دیگر، گسترش فتوحات در دوره خلفا، حکومت را از تربیت دینی مردم غافل کرده بود. بدعت‌ها و انحراف‌های دینی هم شکل گرفت، تا آنجا که عمر خلیفه دوم برای خود حق تشریح قایل شد.

در این مقطع حضرت علی علیه‌السلام کوشیدند شرایط به وجود آمده را به بهترین شکل مدیریت و اجتماع اسلام را در مسیر تمدن توحیدی هدایت کنند. بنابراین، در عین مامشات با خلفا، در جنگ‌های ارتداد و فتوحات شرکت نمی‌کردند.^۱ همچنین با برگزاری نشست‌های خصوصی تفسیر و حدیث برای صحابه، تبیین معارف دینی، پند و موعظه مردم و با عمل به سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و الگوی عملی شدن، هدایت باطنی جامعه و تربیت دینی مردم را محور فعالیت‌های آرمانی و مکتبی خود قرار دادند. ایشان با تذکر به خلفا در خصوص نقض احکام دینی، اصل امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه زنده و پویا نگاه داشتند.^۲ حضرت علی علیه‌السلام با در نظر گرفتن رسالت مکتبی خود، شاگردانی چون کمیل، مالک اشتر و... را تربیت و برای مکتب تشیع به‌عنوان ادامه‌دهنده خط رسالت، سازماندهی کردند.

با افزایش دامنه فتوحات اسلامی، ساکنان سرزمین‌های جدید به‌ویژه پیروان ادیان توحیدی و صاحب کتاب، برای دریافت معارف اسلامی رهسپار مدینه شدند. در این

۱. خلیفه اول در مقابله با کسانی که از پرداختن زکات خودداری می‌کردند، جنگ‌هایی به اتهام ارتداد به پا کرد.

۲. جعفری، حسین‌محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۷۸. امین عاملی، سیره معصومان علیهم‌السلام، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ج ۳، ص ۴۰۹.



شرایط، امام علیه السلام وظیفه خود می‌دانستند برای حفظ اسلام و آرایه معارف ناب آن به اهل کتاب، به پرسش‌های آنان پاسخ دهند. هنوز مدتی از خلافت عمر نگذشته بود که دستگاه خلافت با مشکلات قضایی مواجه شد و در دوره عثمان، کم‌کم افراد نالایق در مناصب دولتی جای گرفتند. اختلاف طبقاتی که با سیاست‌های غلط عمر آغاز شده بود، در دوره عثمان اوج گرفت. بی‌عدالتی نیز آن‌چنان امان مردم را بریده بود که به مدینه هجوم آوردند و کمر به قتل عثمان بستند. حضرت علی علیه السلام در طول این ایام در حل مسایل مختلف سیاسی و قضایی به کمک خلفا می‌شتافتند و در ماجرای قتل عثمان نیز با فرزندان خود به دفاع از خلیفه پرداختند و کوشیدند با وساطت بین عثمان و مردم، اوضاع را آرام کنند؛ اما برخورد بی‌خردانه دستگاه حکومت، مردم را شوراند و در نتیجه خلیفه به قتل رسید.^۱

۲،۲. دوره حکومت پنج‌ساله

۱،۲،۲. اصلاحات سیاسی

مردم، بی‌عدالتی و تبعیض گذشته را درک کرده بودند و تنها کسی را که شایسته خلافت یافتند، حضرت علی علیه السلام بود. حال آن که معاویه خود را حاکم اسلامی معرفی می‌کرد. پس از آشوب و قتل عثمان، همه برای بیعت به خانه امام علیه السلام هجوم بردند. ازدحام جمعیت چنان بود که عبا از شانه مبارک حضرت علی علیه السلام افتاد. ایشان با اعلام شرایط خود مبنی بر عمل به قرآن، سنت نبوی، برقراری عدالت و قانون بدون در نظر گرفتن انتقادات و منافع گروه‌های مختلف، مردم را در بیعت با خود آگاه کردند و به آنها

۱. دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السياسه، صص ۵۹ تا ۶۲.



فرصت دادند تا آزادانه با ایشان بیعت کنند.^۱ امام علیه‌السلام پس از به‌دست گرفتن زمام امور، به اقدام‌های اصلاحی همت گماشتند. کارگزاران ناشایست را عزل^۲ و افراد شایسته را به کار گماردند و بر کار آنها نظارت مستقیم داشتند.^۳ ایشان با اجرای عدالت و رفع تبعیض^۴، نظام طبقاتی دوره گذشته را چه در عرصه اجتماعی و چه در عرصه اقتصادی اصلاح کردند. به عبارت دیگر امام علیه‌السلام فرهنگ عمومی جامعه را بر مبنای حق‌گرایی، نه شخصیت‌گرایی تصحیح فرمودند. مبارزه با بدعت از طریق تبیین و اجرای صحیح دین مطابق با سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^۵ احیای اصول و فروع فراموش شده آن و نفی حجیت سیره خلفا از دیگر اقدام‌های اصلاحی ایشان بود.

۲.۲.۲. اصلاحات فکری و فرهنگی

حضرت علی علیه‌السلام برای توسعه آموزش و پرورش به همه فرمانداران خود دستور دادند برای پاسخگویی به سؤال‌های مردم، جلسات آموزشی و مناظره علمی^۶ با دانشمندان

-
۱. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، صص ۱۷۸ و ۱۷۹، اسکافی، جعفر بن محمد، المعیار والموازنه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، صص ۵۱-۵۲.
 ۲. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.
 ۳. النویری، نهاییه الارب فی فنون الادب، ج ۲۰، ص ۲۱، معروف الحسنی، هاشم، زندگانی دوازده امام علیهم‌السلام، ترجمه: محمد مقدس، ج ۱، صص ۳۳-۳۳۸.
 ۴. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳. امین عاملی، سیره معصومان علیهم‌السلام، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ج ۳، ص ۱۰۹.
 ۵. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.
 ۶. ابن ابی الحدید، نهج البلاغه، نامه ۷۷.



برگزار کنند. ایشان نقل و کتابت احادیث پیامبر ﷺ را گسترش دادند و مردم را از پدیده قصه‌خوانی نهی فرمودند و با این اقدامات، تربیت دینی مردم را از اساسی‌ترین برنامه‌های حکومت خود معرفی کردند. ایشان در دوره پنج‌ساله حکومت خویش کوشیدند تا پایه‌های نظام فکری و معرفتی مسلمانان را تبیین کنند و ارزش‌ها و اصول دینی را در دل و جان آنها بنشانند. آنچه در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج-البلاغه آمده است، از این مهم خبر می‌دهد. در این دوره با فعالیت‌های امام ﷺ اندیشه شیعی رشد و گسترش یافت و از نظر تاریخی تثبیت شد.

۳،۲،۲. دفع موانع اصلاحات

اقدام‌های اصلاحی امام علی ﷺ به مذاق برخی خوش نیامد و منافع خود را در خطر دیدند. بنابراین مخالفت‌ها، جنگ‌ها و فتنه‌های فرسایشی (جمل، صفین، نهروان) سد راه اصلاحات شد. توطئه‌های معاویه برای تضعیف حکومت اسلامی شرایط را دشوارتر می‌کرد.^۱ هر یک از این دسته‌های مخالف، حیات جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد.

ناکثین وحدت سیاسی جامعه را به خطر انداخته بودند. قاسطین به سرکردگی معاویه با در اختیار گرفتن شام و جدایی آن از بیکر جامعه اسلامی، در عمل جامعه را به دو جناح عراق و شام تبدیل و تجزیه سیاسی کشورهای اسلامی را دنبال می‌کردند. مارقین هم با افکار سخیف خود شکاف خطرناک فکری و دینی در جامعه به وجود آورده بودند.

امام ﷺ برای خنثی کردن توطئه‌ها و برداشتن موانع راه، با مخالفان (ناکثین، قاسطین،

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: خضری، احمدرضا و دیگران، تاریخ تشیع، ج ۱، صص ۱۱۷ تا ۱۲۵.



مارقین) پیکار و در تمام جنگ‌ها سیره نبوی را رعایت می‌کردند.^۱ البته ایشان می‌کوشیدند تا حد ممکن خوارج را راهنمایی و با آنان تا زمانی که امنیت جامعه را به خطر نیندازند، مدارا کنند.

امام علی علیه‌السلام در این مدت کوتاه توانستند الگویی از حکومت عدالت‌محور را ارائه دهند؛ حکومتی که در آن روز با مخالفت‌ها همراه شد، اما چندی نگذشت که همگان را به حسرت واداشت.

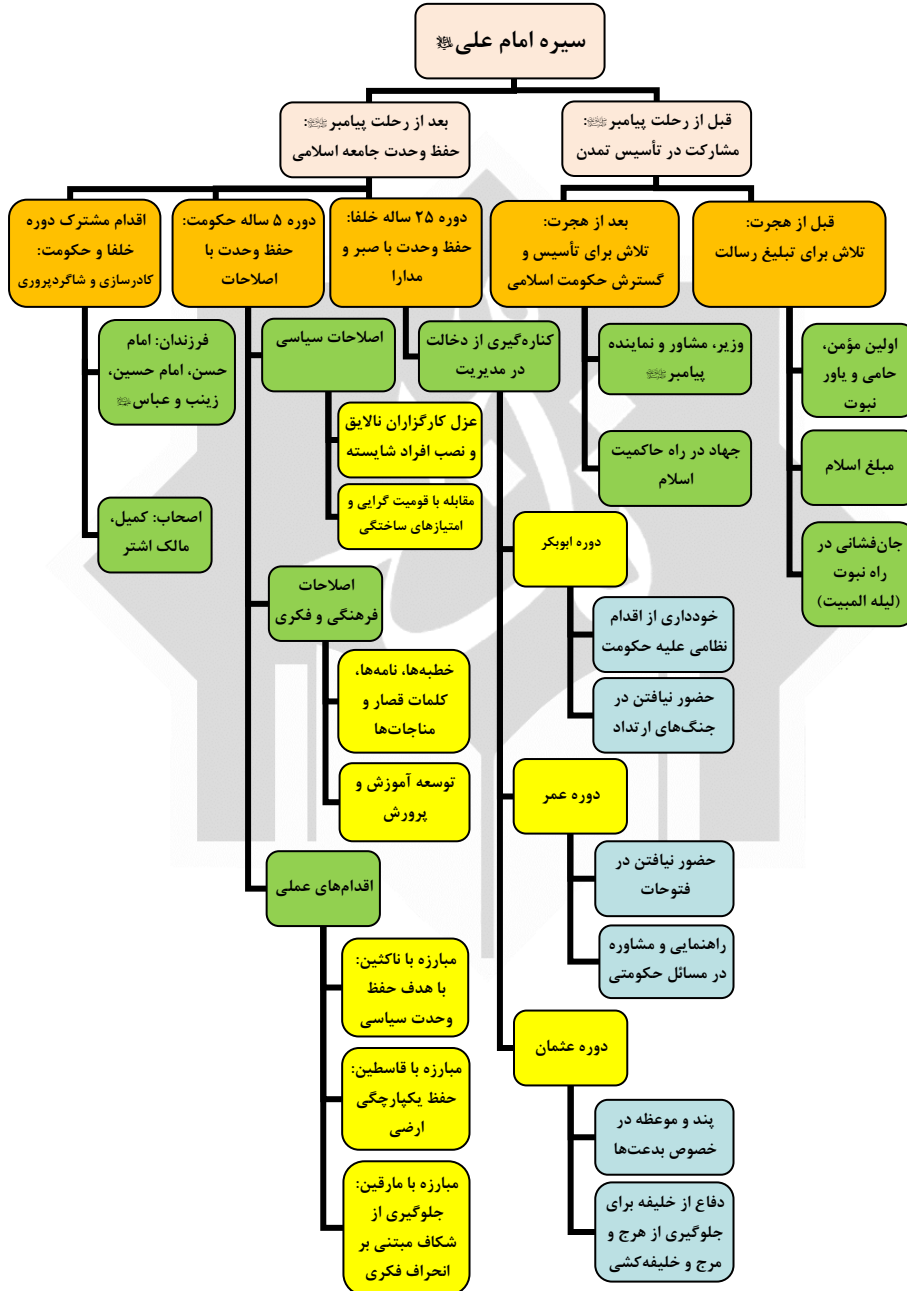
پس از شهادت امام علیه‌السلام و با آشکار شدن ماهیت حکومت امویان در دوره‌های بعد، مردم دانستند که حکومت علوی حکومتی کارآمد و تنها خط ادامه دهنده رسالت بوده است.

۳. شاخصه‌های سیره امام علی علیه‌السلام

- اقتدار، صبر و مدارای ایشان برای حفظ انسجام و وحدت مسلمانان و پیشگیری از تشتت و تفرقه
- احیای فرهنگ قرآنی و سنت نبوی
- تجلی حکومت دینی بر اساس اندیشه‌های ناب اسلامی
- بالندگی، رشد و تشخیص فکری و اجتماعی مسلمانان

۱. خضری، احمدرضا و دیگران، تاریخ تشیع، ج ۱، صص ۱۱۷ تا ۱۲۵.

نقش امام علی: حفظ وحدت جامعه اسلامی



نقش امام حسن علیه السلام: دفاع از اصل ولایت با صلح





فصل چهارم

سیره امام حسن (ع)



شناسه امام حسن مجتبی

- نام مبارک: حسن
- کنیه شریف: ابو محمد
- لقب مبارک: مجتبی، سبط، زکی
- پدر بزرگوار: امام علی بن ابی طالب
- مادر گرامی: حضرت فاطمه زهرا
- تاریخ ولادت: ۱۵ رمضان سال سوم هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: ۴۰ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۳۷ سالگی
- مدت امامت: ۱۰ سال
- مدت زمان عمر پربرکت: ۴۷ سال
- فرزندان: قاسم، عبدالله و...
- تاریخ شهادت: ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری
- قاتل: همسر ایشان به تحریک معاویه
- مرقد مطهر: قبرستان بقیع



● خلفای زمان: معاویه

امام حسن علیه السلام در کودکی، در دامان پر مهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرورش یافتند و از محبت عمیق ایشان برخوردار بودند. آن حضرت در کنار پدر و مادر خود در فعالیت‌هایی چون اطعام مساکین شرکت داشتند و با وجود کودکی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را «سید جوانان اهل بهشت» می‌خواندند. شرکت امام حسن علیه السلام در جریان آیات تطهیر، مباحله و سوره انسان، از حضور مؤثر در جریان‌های تاریخی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت می‌کند.^۱ پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله امام حسن علیه السلام در اعتراض‌های پدر و مادر به جریان سقیفه و نیز در اقدام‌های آنها برای بازپس‌گیری فدک شرکت داشتند. ایشان تلاش‌های پدر و مادر خود در مبارزه با انحراف‌های دوره ابوبکر را از نزدیک شاهد بودند. در دوره عثمان، امام حسن علیه السلام همچون پدر خود او را به سبب بی‌عدالتی و اقدام‌های نادرست نصیحت می‌کردند و در جریان شورش مردمی، به امر امام علی علیه السلام به حراست از خانه عثمان پرداختند.

در دوره حکومت امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام همواره همراه و قوت قلب پدر بودند و تحت ولایت امام علی علیه السلام به‌عنوان کارگزار عالی آن حضرت در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان شرکت کردند. در جریان توطئه‌های معاویه بر ضد حکومت امام علی علیه السلام و بی‌وفایی و نافرمانی مردم کوفه، امام حسن علیه السلام مطیع پدر خود و یار وفادار آن حضرت بودند.

۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۱۳؛ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب،

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲



۱. دوره پیش از صلح

۱.۱. دفاع از حریم ولایت

حضرت علی علیه‌السلام در شرایطی به شهادت رسیدند که جامعه هنوز در حقانیت ایشان به یقین نرسیده بود. در واقع، نمی‌دانستند که حضرت علی علیه‌السلام به‌خاطر آرمان‌های مکتبی به میدان آمده است نه به‌خاطر تعصبات قبیله‌ای. مردم آن روز بر این باور نادرست بودند که درگیری حضرت علی علیه‌السلام و معاویه چیزی نیست جز همان کشمکش‌های اجداد آنها در جاهلیت. فضای جامعه بر اثر تبلیغات مخرب معاویه چنان تاریک بود که هر لحظه امکان بی‌حرمتی و تعرض به پیکر مبارک امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام وجود داشت. بنابراین، امام حسن علیه‌السلام مخفیانه پدرشان را به خاک سپردند و قبر ایشان را از چشم مردم پنهان داشتند تا از توطئه‌های خوارج و دیگران در امان بماند.

مردم پس از ایراد خطبه توسط امام حسن علیه‌السلام با ایشان بیعت کردند.^۱ در نقاط دیگر مملکت اسلامی به جز شام، تمام استانداران برای آن حضرت از مردم بیعت گرفتند. امام علیه‌السلام برای مقابله با معاویه، از همان آغاز امامت، تصمیمی راسخ و قاطع گرفته بودند. بنابراین، به معاویه نامه نوشتند و دوتن از یاران خود را برای دعوت او به بیعت، روانه کردند.

۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۶۹-۶۸؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح. ص ۷۵۴؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ترجمه: عزیز الله عطاردی، ص ۳۰۱، اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، صص ۶۹-۶۸.



معاویه با امام علیه السلام بیعت نکرد و توطئه او علیه خلافت امام حسن علیه السلام با تصرف شهرهایی از مملکت اسلامی اوج گرفت.^۱ افزون بر این، امویان بر ضد امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزندان ایشان تبلیغات دامنه‌داری را آغاز کرده بودند و آنان را در ردیف عاملان قتل عثمان معرفی می‌کردند و معاویه را ولی دم او بر می‌شمردند. این حوادث در شرایطی صورت گرفت که مردم از جنگ خسته و به عافیت‌طلبی متمایل شده بودند.

۲.۱. اعلام جهاد با معاویه

امام حسن علیه السلام برخورد قاطع و محکمی علیه معاویه اتخاذ و جاسوسان او را اعدام کردند.^۲ ایشان برای اتمام حجت به معاویه نامه نوشتند.^۳ امام علیه السلام با تسلیم نشدن معاویه، آفاق اسلامی را به جهاد فرا خواندند و سپاه خود را تجهیز کردند.^۴

معاویه هم راه تزویر، توطئه و حيله را در پیش گرفت و حتی دست به تطمیع و تهدید یاران امام حسن علیه السلام زد. این حيله‌گری‌ها و حضور دسته‌های مختلف در سپاه امام

۱. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۷۰؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹؛ قمی، عباس، منتهی‌الامال، ص ۲۹۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۳۱.

۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، صص ۷۱-۷۰؛ قمی، عباس، منتهی‌الامال ص ۲۹۳؛ امین‌عاملی، سیدمحسن، سیره معصومان علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۹.

۴. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۲۸۶. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۷۸. امین‌عاملی، محسن، اعیان الشیعه، حقه و اخرجه: حسن الامین، ج ۴، ص ۱۹. ویلفرد مادلونگ، جانشینی محمد علیه السلام، ص ۴۳۶؛ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۱۳۹؛ معروف الحسنی، هاشم، زندگانی دوازده امام علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۵۶.



علیهم‌السلام مانند: شیعیان راستین، خوارج، افراد سودجو خواهان غنائم، افرادی که از روی تعصب قبیله‌گی به جنگ آمده بودند و عوامی که نمی‌دانستند چه می‌کنند، به از بین رفتن یکپارچگی سپاه امام علیهم‌السلام کمک می‌کرد.

انتشار شایعات بی‌اساس، به‌خصوص شایعه صلح امام علیهم‌السلام قبل از تحقق آن سبب شد تا سپاهیان ایشان مضطرب شوند؛ تا آنجا که گروهی از خوارج به خیمه امام حسن علیهم‌السلام حمله بردند و خیمه‌گاه امام علیهم‌السلام را غارت کردند.^۱ تطمیع و تهدید برخی نیروهای ارشد نظامی و لشکریان امام علیهم‌السلام، همچون: تطمیع عبیدالله بن عباس با یک میلیون درهم^۲ توسط معاویه، زخمی شدن امام علیهم‌السلام توسط یکی از خوارج^۳ و در نهایت پیشنهاد صلح از طرف معاویه به امام حسن علیهم‌السلام و درهم شکستن انسجام سپاه امام علیهم‌السلام، آن حضرت را به پذیرش صلح وادار کرد.^۴

-
۱. ابن اعمش کوفی، الفتوح، ج ۴، صص ۲۸۶ تا ۲۸۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۱؛ جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۱۷۲؛ شریف قرشی، باقر، زندگانی حسن بن علی علیهم‌السلام، ترجمه: فخرالدین حجازی، ج ۲، ص ۱۲۷.
 ۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، صص ۸۴-۸۳؛ قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۵۱؛ کرکی حائری، سیدمحمد، تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۲، ص ۴۵؛ عطاردی، عزیزالله، مسند الامام المجتبی ابی محمد الحسن بن علی علیهم‌السلام، ص ۳۴۰.
 ۳. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۲.
 ۴. سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۱۸۰. جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۱۸۵. مولوی‌نیا، محمدجواد، تاریخ چهارده معصوم علیهم‌السلام، ص ۱۴.



۳،۱. پذیرش صلح

امام حسن علیه السلام به علت عدم حمایت و همراهی نکردن مردم که سبب از دست دادن توان و قدرت نظامی برای رویارویی با معاویه شد و حفظ تشیع و جان شیعیان، صلح را پذیرفتند. برقراری جنگ در آن شرایط، نتایج سیاسی روشنی نداشت و چه بسا بی حاصل بود. امام علیه السلام شرایطی را در صلح گنجانده که منافع شیعیان را تأمین می کرد، مانند:

- عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^۱
- مخالفت با موروثی شدن حکومت (معاویه حق ندارد برای خود جانشین تعیین کند)^۲
- امنیت شیعیان^۳
- عدم توطئه از طرف معاویه علیه امام حسن و امام حسین علیهما السلام^۴

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲؛ آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن علیه السلام، ترجمه: آیت الله خامنه ای، ۲۹۰؛ قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۱، ص ۵۴۵؛ ویلفرد مادلونگ، جانشینی محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۴۴۲؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم السلام، ج ۵، ص ۴۰.

۲. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۷۶۴؛ ویلفرد مادلونگ، جانشینی محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۴۴۲؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم السلام، ج ۵، ص ۴۰؛ جعفریان، رسول، حیات فکری؛ سیاسی و فرهنگی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۱۶۰؛ الامینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۲۱، ص ۱۰.

۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۷۶۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳؛ جعفریان، رسول، حیات فکری؛ سیاسی و فرهنگی امامان شیعه علیهم السلام، ص ۱۶۰؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم السلام، ج ۵، ص ۴۰؛ الامینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۲۱، ص ۱۰-۱۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲؛ آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن علیه السلام، ص ۳۵۷.



• ممنوعیت سبّ حضرت علی علیه‌السلام^۲

۲. دوره پس از صلح

۱.۲. دفاع از حریم ولایت

معاویه پس از صلح، از مردم کوفه بیعت گرفت و از همان آغاز مفاد صلح را زیر پا نهاد^۳ و سبّ علی علیه‌السلام را به‌طور علنی آغاز کرد.^۴ او با هدف ساقط کردن حکومت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و فرزندان وی از مشروعیت به مبارزه برخاست و به خلفای سه‌گانه قداست بخشید و با سبّ حضرت علی علیه‌السلام به دنبال محو کردن قداست ایشان بود. او برای رسیدن به اهداف شوم خود سیاست جعل حدیث را پیشه کرد. امام حسن علیه‌السلام در مسجد

۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۷۶۵. ابن صباغ، علی بن محمد، الفصول المهمه، صص ۱۵۴-۱۵۵؛ الامینی. عبدالحسین، الغدير، ج ۲۱، ص ۱۱.

۲. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، صص ۲۷۱۴-۲۷۱۵. ابن مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم، ج ۱، ص ۵۷۲-۵۷۳؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم‌السلام، ج ۵، ص ۴۰؛ آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن علیه‌السلام، ص ۳۵۶.

۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالیین، ص ۴۶. خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۱۳۸؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم‌السلام، ج ۵، ص ۴۰-۴۱؛ شریف قرشی باقر، زندگانی حسن بن علی علیه‌السلام، ترجمه: فخرالدین حجازی، ج ۲، ص ۴۰۹؛ حسینی جلالی، محمدرضا، سیره و سیمای امام حسین علیه‌السلام، ص ۱۲۵.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۶. خضری، احمدرضا. تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۱۳۸؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم‌السلام، ج ۵، ص ۴۰-۴۱؛ شریف قرشی، باقر، زندگانی حسن بن علی علیه‌السلام، ترجمه: فخرالدین حجازی، ج ۲، ص ۴۰۹؛ حسینی جلالی، محمدرضا، سیره و سیمای امام حسین علیه‌السلام، ص ۱۲۵.



کوفه در دفاع از مشروعیت حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم استناد کردند و حق بودن خود را برای حکومت تصریح فرمودند. در آن خطبه دلایل صلح و واگذاری خلافت به معاویه را نیز اعلام کردند.^۱ امام علیه السلام با حلم و بردباری بی نظیر و برخورد کریمانه در برابر

مخالفان صلح، به تبیین علت و هدف‌های صلح پرداختند. ایشان پس از مدتی عراق را ترک و عازم مدینه شدند.^۲

۲،۲. مرجعیت علمی و اجتماعی مردم

با استقرار معاویه، بدعت در دین رواج یافت. او برای سرکوبی مخالفان، قوانینی محدودکننده را علیه شیعیان اعمال کرد. ممنوعیت پذیرش شهادت شیعیان، حذف نام شیعیان از دیوان بیت المال، سرکوب و ویران کردن خانه شیعیان، تحریم اقتصادی شیعیان، کشتن شخصیت‌های شیعی (حجر بن عدی و...)^۳. از جمله این محدودیت‌ها بود.

امام حسن علیه السلام در چنین شرایطی، با فعالیت علمی و فرهنگی در مدینه و ارتباط فعال با

۱. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۹۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۳۵؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۴؛ قمی، عباس، منتهی الامال، ص ۲۹۸؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، ص ۴۳۶؛ معروف الحسینی، هاشم، زندگانی دوازده امام علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۷۹.

۲. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۷۲. ابن مسکویه رازی، ابوعلی، تجارب الامم، ص ۵۴۴؛ امین عاملی، سیدمحسن، سیره معصومان علیهم السلام، ج ۵، ص ۳۹؛ ابن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه: عباس خلیلی و ابو القاسم حالت، ج ۱۰، ص ۲۴۶.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، صص ۵۶ تا ۶۳.



مردم، از محبوبیت و مرجعیت اجتماعی برخوردار شده بودند. افزون بر این، تربیت عالمان و راویان نتیجه دیگری بود که در سایه فعالیت علمی امام علیه‌السلام حاصل شد.





۳،۲. مرجعیت سیاسی مردم

محبوبیت امام حسن علیه السلام برای دستگاه خلافت سخت بود، از این رو، با تشکیل جلسات مناظره و مناظره می‌کوشید تا امام علیه السلام را تحقیر و جایگاه ولایت را مخدوش کند.

امام حسن علیه السلام هم با شرکت در این جلسات از مفساد و اسرار درونی آنها پرده برداشته و آنها را رسوا می‌کردند. سفر امام حسن علیه السلام به شام و شرکت در مناظرات ترتیب داده شده از سوی معاویه مشهور است.^۱

امام علیه السلام در مدینه با آشکار کردن ماهیت اصلی حکومت معاویه، بیدار کردن افکار عمومی و وجدان خفته جامعه، برای قیام عاشورا زمینه‌سازی می‌کردند. به جرأت می‌توان ادعا کرد که صلح ایشان و اقدامهای پس از آن، زمینه را برای قیام عاشورا آماده کرد.

به عبارت دیگر، صلح ایشان در جای خود قیامی دیگر بود.^۲ تکریم امام حسین علیه السلام و معرفی ایشان به عنوان امام پس از خود از دیگر سیاست‌های امام حسن علیه السلام به‌شمار می‌رفت تا جامعه را در مسیر اصلی خویش رهنمون سازند. امام علیه السلام برای بقای نظام ارزشی اصیل اسلام و حافظان آن نظام (شیعیان) کوشیدند با انفاق‌های کریمانه و رهنمودهای هدایتی

۱. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۳، ص ۵۱. شریف قرشی، باقر، زندگانی امام حسن بن علی علیه السلام، ص

۳۶۷-۳۶۸

۲. محمدرضا حکیمی بر این باور است که آل محمد علیهم السلام دو عاشورا داشتند: عاشورای صبر و سکوت و عاشورای حرکت و قیام. وی عاشورای قعود را زمینه‌ساز عاشورای قیام حسینی می‌داند؛ عاشورای قعود زمینه‌ساز عاشورای قیام. بینات، (ویژه‌نامه قرآن و امام حسن مجتبی علیه السلام)، سال یازدهم، شماره ۴،

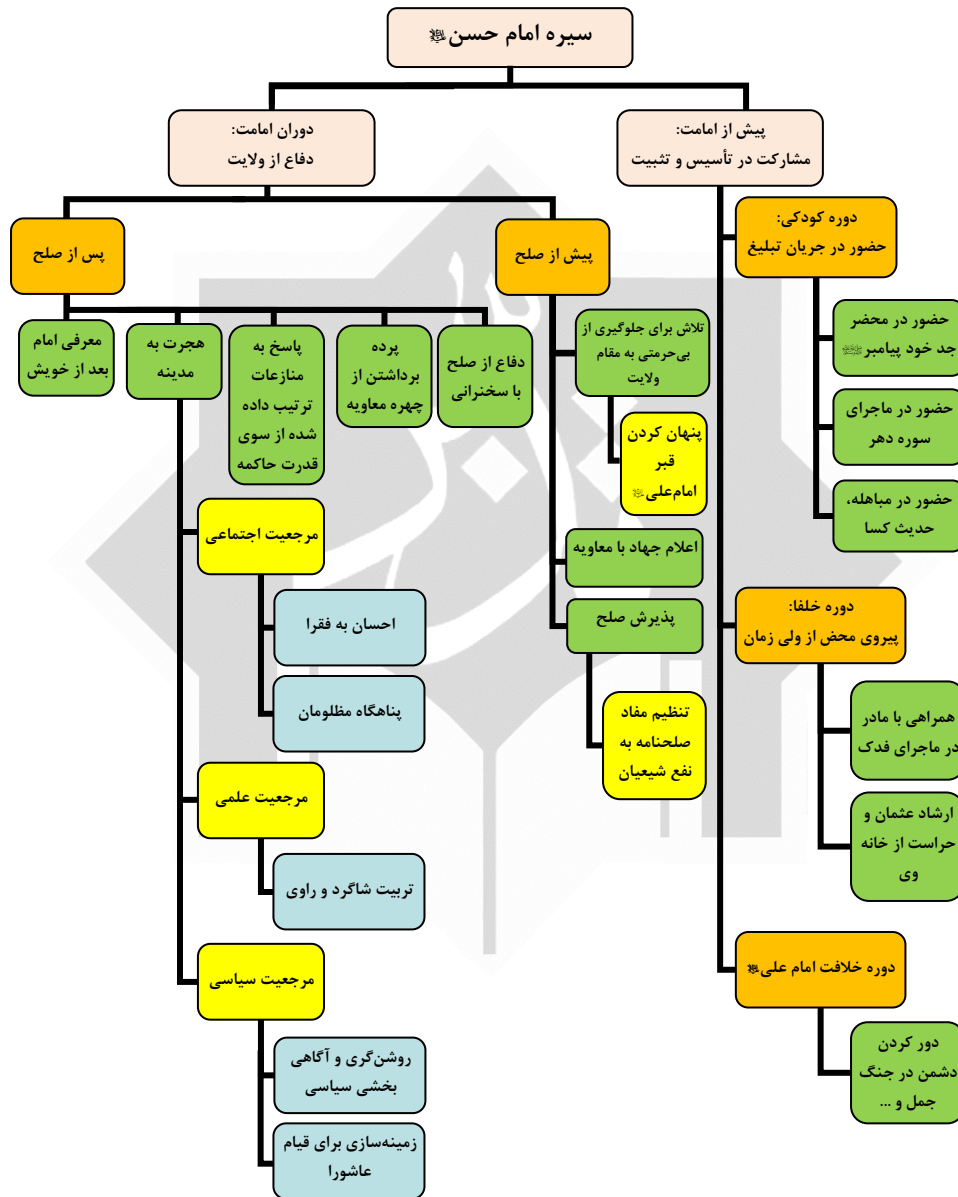


از آنان در برابر فشارهای معاویه حمایت کنند و ایشان را از گزند توطئه‌های بی‌امان ضد شیعی حکومت مصون دارند. امام علیه‌السلام با جذب نیروهای بالقوه و افزودن آنها به جمع شیعیان، به بقای نظام ارزشی اسلام یاری رساندند.

۳. شاخصه‌های سیره امام حسن علیه‌السلام

یکم. صلح دوران‌دیشانه امام حسن علیه‌السلام با هدف:

- بقای نظام ارزشی اصیل اسلامی و حافظان آن نظام (شیعیان)
- زمینه‌سازی برای قیام عاشورا با آشکار کردن ماهیت اصلی حکومت معاویه
- دوم. دفاع از حریم امامت و ولایت و مشروعیت حکومت حضرت علی علیه‌السلام

نقش امام حسن علیه السلام: دفاع از اصل ولایت با صلح

نقش امام حسین (ع): دفاع از اصل اسلام با شهادت

سیره امام حسین (ع)

دوران امامت: دفاع از اصل اسلام با شهادت

پیش از امامت: مشارکت در تأسیس، تثبیت و دفاع از اسلام ناب

دوره قیام

دوره پایبندی به صلح (۱۰ سال)

بیعت نکردن با یزید

قیام عاشورا

برگزاری مجالس علوم و تفسیر

هدایت فرهنگی و سیاسی جامعه

سخنرانی در مراسم عظیم حج ۵۷ هجری

انتقاد شدید به معاویه

پس از رحلت پیامبر (ص)

پیش از رحلت پیامبر (ص)

دوره خلفا

همراهی با پدر و مادر در احقاق حق

موضع گیری هماهنگ با پدر

دوره حکومت پدر

باور پدر

دوره امام حسن (ع)

باور برادر

درک مختصر حد بزرگوار به مدت ۷ سال

حضور در مباحثه

نزول سوره انسان در شان ایشان و اهل بیت (ع)



فصل پنجم

سیره امام حسین



شناسه امام حسین علیه‌السلام

- نام مبارک: حسین
- کنیه شریف: ابو عبدالله
- لقب مبارک: سیدالشهدا
- پدر بزرگوار: امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام
- مادر گرامی: حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام
- تاریخ ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: ۵۰ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۴۷ سالگی
- مدت امامت: ۱۱ سال
- مدت زمان عمر پربرکت: ۵۷ سال
- فرزندان: چهارپسر و دودختر (علی اکبر، علی اوسط «امام سجاد علیه‌السلام»، عبدالله رضیع «معروف به علی اصغر»، جعفر، سکینه، آمنه)
- تاریخ شهادت: ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری
- قاتل: شمر بن ذی الجوشن



- مرقد مطهر: کربلای معلی
- خلفای زمان: معاویه، یزید

امام حسین علیه السلام همچون امام حسن مجتبی علیه السلام بخشی از کودکی خود را در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سپری کردند و از منبع سرشار معارف اسلامی و مهر و عطوفت آن حضرت بهره‌مند شدند. ایشان در کنار پدر و مادر، در فعالیت‌های اجتماعی اهل بیت علیهم السلام شرکت داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام همچون امام حسن علیه السلام لقب «سید جوانان اهل بهشت» دادند.^۱ فعالیت‌های امام حسین علیه السلام در وقایع بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز دوره خلفای سه‌گانه، بسیار شبیه فعالیت‌های امام حسن مجتبی علیه السلام است. در زمان حکومت امام علی علیه السلام امام حسین علیه السلام تحت امر ولایت امام علی علیه السلام قرار داشتند و در همه جریان‌های آن دوره، دوش‌به‌دوش پدر و برادر خود در صحنه حضور می‌یافتند.

در دوره امامت امام حسن مجتبی علیه السلام؛ امام حسین علیه السلام به‌طور کامل مطیع امام زمان خویش بودند و در تمام وقایع قبل و بعد از صلح، هیچ مخالفت نظری یا عملی با امام حسن علیه السلام از ایشان مشاهده نشد؛ چنان‌که بعد از صلح، در پاسخ مخالفینی که از ایشان می‌خواستند تا نبرد با معاویه را ادامه دهد، عملکرد امام حسن علیه السلام را تأیید و آن افراد را به اطاعت و خویشنداری امر کردند.^۲

۱. سبطین جوزی، تذکره الخواص، ۲۱۱؛ طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص

۵۱۸؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء‌العیون، ص ۵۴۴؛ مجلسی، محمدباقر، حیاة القلوب، ج ۳، ص ۳۵۸.

۲. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۲۲، شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲؛ نیز رک: قمی، عباس،

منتهی الامال، ص ۳۸۶.



۱. پیش از مرگ معاویه

امام حسین علیه‌السلام در شرایطی به امامت رسیدند که معاویه سیاست قداست‌زدایی از حکومت حضرت علی علیه‌السلام را با جعل حدیث، ردّ فضایل آن بزرگوار، تجهیز ستون تبلیغاتی و لعن ایشان در منابر و خطبه‌ها دنبال می‌کرد. معاویه چهره دینی به خود می‌گرفت، اما تمام تلاش او برای وارونه‌جلوه دادن ایدئولوژی اسلامی بود. معاویه علیه مخالفان خویش در مناطق مختلف مثل عراق، سیاست‌های محدودکننده‌ای را اعمال و آنها را از بیت‌المال محروم می‌کرد. به جرأت می‌توان ادعا کرد که معاویه در بیت‌المال را به روی موافقان خود گشوده بود. او دست‌اندازی در اموال عمومی را حق مسلم خود می‌دانست و از حکومت خویش با پرداخت پول‌های گزاف محافظت می‌کرد. فساد اخلاقی وی کم و بیش به گوش می‌رسید و عداوتش با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان وی ریشه دار و با سابقه بود. به قولی او در چهل نماز جمعه بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صلوات نفرستاد.^۱ معاویه برای پیشبرد هدفهای خود، خنثی کردن قیام و شورش علیه حکومتش و فراهم کردن زمینه اطاعت محض از حکومت، از رواج عقاید جبر و مرجئه حمایت^۲ و با استفاده از چنین فرصتی، بی‌پروا به کشتن یاران حضرت علی علیه‌السلام اقدام می‌کرد. او بدین روش، زمینه را برای

۱. محمدبن عقیل، النصائح الکافیه، ص ۹۳، شریف قرشی، باقر، زندگانی حضرت امام حسین علیه‌السلام، ترجمه: سید حسین محفوظی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. معاویه با تمسک به آیه «تُوْتِي الْمَلِكَ مَنْ نَشَاءُ» (سوره آل عمران، آیه ۲۶)، حکومت خود را قانونی می‌دانست. مرجئه هم با افکار خود مردم را به اطاعت فرا می‌خواندند، زیرا معتقد بودند از حاکم اسلامی باید اطاعت کرد؛ چه بر حق باشد و چه نباشد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۱۰۳.



موروثی کردن خلافت آماده کرد و طرح ولایتعهدی یزید را در دستور کار خویش قرار داد.

مردم پس از صلح امام حسن علیه السلام کم کم با چهره واقعی معاویه آشنا شدند و دریافتند که تنها خط شایسته رهبری، خط اهل بیت پیامبر علیهم السلام است. اما بی ارادگی عمومی بر جامعه غلبه یافته بود و مردم به دنبال عافیت طلبی و فرار از جنگ بودند. گویا قدرت اعتراض و بیان حق از آنها گرفته شده بود.

۱.۱. هدایت فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی

امام حسین علیه السلام در این مقطع، همان سیاست برادر یعنی پایبندی به صلح، مدارا و درگیر نشدن با حکومت وقت را پیشه کردند. ایشان در مدینه با برگزاری مجالس علم و تفسیر در جوار حرم پیامبر صلی الله علیه و آله با تحریف‌ها و بدعت‌های به وجود آمده به مقابله برخاستند و به نشر علوم و معارف اسلامی اقدام کردند. امام حسین علیه السلام در این مقطع حرکت‌های اعتراض آمیز یاران و شیعیان خود را سازماندهی و از قیام نظامی علیه حکومت جلوگیری می کردند. اگر چه سیاست ایشان بر مدارا بود، اما سنت امر به معروف و نهی از منکر را هرگز فراموش نکردند. امام علیه السلام با نوشتن نامه، ایراد سخنانی و... علیه حکومت و سیاست های غلط معاویه موضع گیری می کردند. ایشان در نامه‌ای اعتراض آمیز، اعمال ناشایست معاویه را در کشتن شیعیان به او یادآور شدند.^۱ امام علیه السلام در مخالفت صریح با معاویه اموال دولتی را ضبط و در برابر ولایتعهدی یزید موضع گیری کردند.^۲ ایشان در مراسم عظیم

۱. دینوری، ابن قتیبه، الامامه والسیاسه، صص ۱۷۹ تا ۱۸۲.

۲. همان، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.



حج سال ۵۷ هجری، طی یک سخنرانی کوبنده و افشاگرانه و با تشریح بدعت‌ها و خیانت‌های ضد اسلامی حکومت معاویه و بیان شخصیت واقعی او، از صحابه، تابعان و بزرگان جامعه اسلامی دعوت کردند که در برابر تهاجم فرهنگی امویان به مقابله برخیزند.^۱ امام حسین علیه‌السلام در این سخنرانی عالمان و رجال دین را در بی‌تفاوتی به اوضاع زمان نکوهش کردند و اصل امر به معروف و نهی از منکر را به آنها یادآور شدند. ایشان همچنین به اصل رهبری امت و شایستگی اهل بیت علیهم‌السلام برای این امر مهم نیز اشاره فرمودند.

امام حسین علیه‌السلام از هر فرصتی برای آماده‌سازی امتشان برای قیام استفاده می‌کردند. دعای عرفه ایشان گواه بر این مهم است. اگر چه این دعا رازونیا و نیایش به درگاه خداوند بی‌نیاز است اما در آن راز و رمز مبارزه و قیام علیه نظام سلطه‌گری، مورد عنایت قرار گرفته است. به عبارت دیگر، این دعا زیرساخت پنهان رفتار عاشورائیان است.

۲. پس از مرگ معاویه

بر اثر سیاست‌های معاویه، امام حسین علیه‌السلام با چهار جریان مردمی روبرو شدند:^۲ گروهی در پی توطئه‌های معاویه، بی‌اراده شده و قادر به واکنش و اعلام اعتراض نبودند، اگرچه

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۶، طبرسی، احتجاج، ترجمه جعفری، ج ۲، صص ۸۴-۸۵؛ مجلسی، محمدباقر جلاء العیون، صص ۴۵۵-۴۵۶؛ حسینی جلالی، محمدرضا، سیره و سیمای امام حسین (ع)، صص ۱۲۶-۱۲۸؛ آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن علیه‌السلام، ترجمه: آیت الله خامنه‌ای، صص ۴۳۸-۴۳۹؛ رازی، علی بن حسین، نزهه الکرام و بستان العوالم، ج ۲، صص ۶۶۴-۶۶۵.
۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، صص ۱۰۶ تا ۱۱۰.



واقعیت حکومت معاویه را درک می کردند. گروهی دیگر جز منافع شخصی خود را نمی دیدند و فساد و انحراف بنی امیه را هم احساس نمی کردند.

گروهی فریب حکومت اموی در آنان موثر افتاده بود و سکوت صحابه را دلیل بر قانونی بودن حکومت معاویه می دانستند. گروه آخر هم صلح را تنها راه امام حسین علیه السلام برای مقابله با شرایط آن روز می دانستند.

بی ارادگی عمومی و بیماری در بزرگان امت و حتی خویشان امام علیه السلام هم رسوخ یافت. برخی از آنها بسیار خیرخواهانه امام حسین علیه السلام را از مقابله با یزید منع می کردند.^۱ حکومت یزید برای اصل اسلام خطر بزرگی به شمار می رفت. او آشکارا به فسق و فجور می پرداخت و تصمیم به براندازی اسلام داشت. با به خلافت رسیدن یزید، مرز بین حق و باطل از بین رفته و معروف به منکر و منکر به معروف تبدیل شده بود. بزرگترین منکر در آن روزگار، انحراف و بدعت در نظام رهبری جامعه بود که خود منکرات را رواج می داد. معنویت گرایی در جامعه رو به افول بود. روح آرمان خواهی و ظلم ستیزی از جامعه رخت بر بسته بود. خطر ارتجاع و بازگشت به دوره جاهلیت، اجتماع مسلمانان را تهدید می کرد. یزید بلافاصله پس از مرگ معاویه در صدد برآمد تا حکومت خود را به تأیید و مشروعیت برساند. بنابراین به حاکم مدینه دستور داد که از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد.^۲

۱. همان.

۲. دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السياسه، ص ۲۱۷. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۲، صص ۱۷۸-۱۷۷؛ قمی، منتهی الامال، صص ۳۳۸-۳۸۷؛ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام،



۱.۲. رد بیعت با یزید

امام حسین علیه‌السلام با حضور قدرتمندانه در مجلس حاکم مدینه و موضع‌گیری حاکی از عدم سازش با خلافت یزید^۱، سیاست مدارا را کنار نهادند و سیاست دیگری را پیشه کردند. ایشان با سی نفر از یاران خود در مجلس حاکم مدینه حضور یافتند و با بیان جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و ذکر فضائل خاندان نبوت و ویژگی‌های اخلاقی یزید، علت بیعت نکردن خود را اعلام داشتند^۲. امام علیه‌السلام در آن مجلس با خواندن آیه استرجاع، فرمانروایی یزید را خاتمه اسلام معرفی کردند. امام حسین علیه‌السلام پس از آن مجلس در حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هدف آگاه کردن مردم از بیعت نکردن خویش و طلب یاری از خدا به دعا، نیایش و اعتکاف

ص ۱۸۱؛ سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، صص ۳۱۶-۳۱۸؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه: مستوفی هروی، صص ۸۲۱-۸۲۴؛ ابن اثیر، الکامل، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۱۱، صص ۱۰۳-۱۰۴؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۳۷۳-۳۷۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ترجمه: عزیزالله عطاردی، صص ۳۱۶-۳۱۷؛ امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان علیهم‌السلام، ترجمه: حجتی کرمانی، ج ۵، صص ۱۰۶-۱۰۷؛ المرعشی التستری، نورالله، احقاق الحق، ج ۳۳، صص ۷۳۹-۷۴۰.

۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، صص ۱۳ و ۱۴؛ سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، صص ۳۱۶-۳۱۸؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه: مستوفی هروی، صص ۸۲۱-۸۲۴؛ ابن اثیر، الکامل، ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۱۱، صص ۱۰۳-۱۰۴؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۳۷۳-۳۷۴.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۳۷۳-۳۷۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ترجمه: عزیزالله عطاردی، صص ۳۱۶-۳۱۷؛ عماد طبری، حسن بن علی، مناقب الطاهرین، ج ۲، صص ۵۷۴-۵۷۵.

مشغول شدند و قبل از خروج از مدینه، طی وصیتی به برادرشان محمد بن حنفیه علت خروج خود را تبیین کردند. برخی از مفاد این وصیت‌نامه به شرح زیر است:

- علت خروج از مدینه طلب راحتی و زیادی حشمت و ایجاد فساد در بلاد و ظلم بر بندگان خدا نیست.
- هدف، اصلاح امت جدم و برگرداندن آنان از طریق ضلالت و گمراهی، امر به معروف و نهی از منکر و رفتار به سیره جد و پدرم است.^۱

۲.۲. خروج از مدینه

امام حسین علیه السلام در ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری از مدینه خارج شدند و به سوی مکه حرکت کردند.^۲ ایشان در این سفر، خاندان مبارکشان را با خود همراه بردند و از شاهراه حرکت کردند.

امام علیه السلام پس از اقامت در مکه با مشاهیر اقوام و قبائل دورونزدیک دیدار و شرایط را برای آنها تشریح کردند. در همین ایام، از سوی کوفیان نامه‌هایی مبنی بر بیعت با ایشان

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۴، صص ۳۳، تا ۳۲۹؛ مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، ترجمه: محمد مهدی عزیزاللهی، صص ۵۸-۵۹؛ قمی، شیخ عباس، دمع السجوم، ترجمه: علامه شعرانی ص ۶۵.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ص ۴۳۵، مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، ترجمه: محمد مهدی عزیزاللهی، ص ۵۹؛ سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت علیهم السلام، ترجمه: محمدرضا عطایی، ص ۳۲۹؛ گروه مؤلفان، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۳۷.



دریافت کردند و به آنها پاسخ دادند.^۱ در پی این نامه‌ها، امام علیه‌السلام برای آگاهی از صدق و کذب دعوت آنان، مسلم بن عقیل رضی‌الله‌تعالی‌عنه را به کوفه فرستادند^۲ و در نامه‌ای شرایط امام صالح را برای آنها بیان کردند. ایشان همچنین نامه‌ای به مشایخ بصره ارسال کردند. در این نامه به خطر مرگ سنت رسول اعظم صلی‌الله‌تعالی‌عنه و زنده شدن بدعت‌ها در جامعه و دعوت برای مبارزه با بدعت‌ها اشاره شده است.^۳

۳،۲. حرکت به سوی کوفه

امام حسین علیه‌السلام که خطر ترور مخفیانه توسط نیروهای یزید را احساس می‌کردند، روز

۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، صص ۲۷ تا ۳۰، دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۷۸؛ قمی، منتهی الامال، صص ۳۹۴-۳۹۵، مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، صص ۶۰۵-۶۰۷؛ امین عاملی، سیدمحسن، سیره معصومان علیهم‌السلام، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ج ۵، ص ۱۱۲؛ قمی، شیخ عباس، دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم)، ترجمه: علامه شعرانی، ص ۷۱؛ قمی، شیخ عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، ص ۱۰۹، ابن اعثم، ص ۸۳۷؛ منتهی الامال، ص ۳۹۳.

۲. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، صص ۳۱ و ۳۲، دینوری، اخبار الطوال، صص ۲۷۹-۲۷۸؛ سماوی، محمدین طاهر، سلحشوران طف، ص ۳۸؛ قمی، شیخ عباس، دمع السجوم (ترجمه نفس المهموم)، ترجمه: علامه شعرانی، ص ۷۲؛ مولفان، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۸۰.

۳. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۲۳۲؛ قمی، عباس، منتهی الامال، مولفان، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۹۳؛ باکاروان حسینی، ترجمه: عبدالحسین بینش، ج ۲، ص ۳۳؛ مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، ترجمه: محمد مهدی عزیزاللهی، ص ۶۰؛ قمی، شیخ عباس، دمع السجوم، ترجمه: علامه شعرانی، ص ۷۸؛ قمی، شیخ عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، صص ۱۲۱-۱۲۲.



ترویه را برای خروج از مکه به سمت عراق انتخاب کردند و پس از ایراد خطبه، راهی کوفه شدند.^۱ ایشان در این خطبه محورهای ذیل را ترسیم فرمودند:

- ترسیم حقیقت مرگ و جایگاه آن در حیات انسان
- پیش‌بینی شهادت خود و حتمی بودن قضای الهی و رضا دادن به آن
- اشتیاق به لقاء الله، علت و شرط همراهی با کاروانش

در میانه راه سپاهیان حر، راه را بر امام علیه السلام و یارانشان بستند و از ادامه و حتی تغییر مسیر ممانعت کردند.^۲ امام علیه السلام که در مقام عمل راهی جز استقرار در کربلا نیافتند، دوباره به بزرگان کوفه نامه نوشتند و قیس بن مسهر صیداوی را به کوفه فرستادند.^۳ از طرف دیگر، ایشان تلاش می‌کردند بدعت‌های موجود در جامعه را در منزلگاه‌های مختلف بیان کنند و همگان را به ضرورت قیام سوق دهند. چیزی نگذشت که خبر شهادت دوسفیر امام

۱. ابن اعثم کوفی. الفتوح، ج ۵، ص ۶۹. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، صص ۶۷-۶۸؛ قمی، شیخ عباس. منتهی الامال، ج ۲، ص ۷۵۳؛ قمی، شیخ عباس، دمع السجوم، ص ۱۳۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی ص ۲۹۲.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۷۶ تا ۷۸، دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۰۱؛ محدثی، جواد، موسوعه عاشورا، تعریب: خلیل زامل عصامی، بیروت: دارالرسول الاکرم علیه السلام، ۱۴۱۸ق، ص ۸۳؛ گروه مؤلفان، با کاروان حسینی، ترجمه: عبدالحسین بینش، ج ۴، صص ۱۰۴-۱۰۶،

۳. ابو مخنف، ص ۱۳۱؛ دینوری، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۹۳؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، ص ۴۱۸؛ شریفی، محمود و دیگران، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۸۲.



(مسلم و قیس بن مسهر صیداوی) رسید.^۱ در این شرایط، امام علیه‌السلام به اصحاب خویش فرصت انتخاب دادند و از آنها بیعت خویش را برداشتند و اجازه مراجعت به آنها دادند.^۲

امام حسین علیه‌السلام برای احیای اصول دینی به میدان رفته بودند. بنابراین در برخورد با سپاهیان حر به اصول انسانی و اخلاقی پایبند بودند. امام علیه‌السلام می‌کوشیدند تا از فرصت‌ها برای هدایت سپاه مقابل بهره گیرند. به امر ایشان، سپاهیان حر و چهارپایان آنها سیراب شدند.^۳ آنها نماز را به امامت حسین بن علی علیه‌السلام اقامه کردند.^۱ امام علیه‌السلام با ایراد خطبه‌ای سعی

۱. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، صص ۲۴۷ و ۲۴۸، شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۴۲۳-۴۲۴؛ قمی، عباس، منتهی الامال، ص ۴۲۷؛ گروه مؤلفان، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۸۹؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، صص ۳۹۸-۳۹۹؛ سماوی، محمدبن طاهر، سلحشوران طف، صص ۱۱۱-۱۱۲؛ قمی، عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، ص ۲۲۹.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۴۲۳-۴۲۴؛ قمی، عباس، منتهی الامال، ص ۴۲۷؛ گروه مؤلفان، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، ص ۸۹؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، صص ۳۹۸-۳۹۹؛ سماوی، محمد بن طاهر، سلحشوران طف، صص ۱۱۱-۱۱۲؛ قمی، عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، ص ۲۲۹.

۳. ابن اعثم، الفتوح، ترجمه: مستوفی هروی، ص ۸۷۸؛ ابن اثیر، کامل، ترجمه: خلیلی و حالت، ج ۱۱، صص ۱۴۸-۱۴۹؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۴۲۶-۴۲۷؛ قمی، عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، صص ۲۳۲-۲۳۵؛ سماوی، محمدبن طاهر، سلحشوران طف، صص ۴۳-۴۴؛ سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، صص ۴۵-۴۶؛ مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، صص ۱۰۱-۱۰۲؛ جعفری، حسین محمد،

داشتند بر کویر جان مرده آنها آب حیات بخش ارزانی دارند و زندگی با عزت را به آنان هدیه کنند.^۲

۴،۲. حضور در کربلا؛ مرگ با عزت

سرانجام کاروان امام حسین علیه السلام در کربلا فرود آمد. آشکار بود که آنها مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت برگزیده بودند. امام علیه السلام با استناد به اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله کربلا را برای یاران خود توصیف کردند.

امام علیه السلام آمده بودند تا روح اسلام را در جان مرده مردمان بدمند و آنها را از ذلت-پذیری برهانند. ایشان در هر فرصتی آن خفتگان و مردگان بی روح را به حقیقت دین فرا می خواندند. امام علیه السلام بارها عمر بن سعد را پند و هشدار دادند و با ایراد خطبه، کوفیان را

تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، صص ۲۲۱-۲۲۲؛ گروه مولفان، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه: علی مویدی، صص ۳۹۵-۳۹۷، طبررسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه: عزیزالله عطاردی، ص ۳۲۹؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، ص ۶۳۷.

۱. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، ص ۴۲۷، ابن اعثم، الفتوح، ترجمه: مستوفی هروی، ص ۸۷۸؛ ابن اثیر، کامل، ترجمه: خلیلی و حالت، ج ۱۱، صص ۱۴۸-۱۴۹؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۴۲۶-۴۲۷؛ قمی، عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، صص ۲۳۲-۲۳۵؛ سماوی، محمدبن طاهر، سلحشوران طف، صص ۴۳-۴۴؛ سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، صص ۴۵-۴۶؛ مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، صص ۱۰۱-۱۰۲، طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه: عزیزالله عطاردی، ص ۳۲۹؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، ص ۶۳۷.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، ص ۴۲۸.



خطاب قرار دادند تا شاید کرامت انسانی آنها احیا و از حقارت و ذلت گرفتار آمده در آن نجات یابند. امام حسین علیه‌السلام مقام و منزلت خاندان نبوت و نسبت خویش به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را گوش زد می‌کردند تا شاید یادآوری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنها را به خود آورد و وجدان بی‌اراده‌شان را تکانی دهد. امام علیه‌السلام با مخاطب قرار دادن سران کوفی، همانانی که در آغاز، ندای دعوت و همراهی سر داده بودند، علت عهدشکنی آنها را پر کردن شکم از حرام، غلبه شیطان بر آنان و غفلت از یاد خدا دانستند. سخنان آتشین سبط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دل سنگ آنان اثری نداشت و آب حیات بخش گفتار امام حسین علیه‌السلام بر آنان کار آمد نبود.^۱

دیگر وقت رویارویی نظامی بود. امام علیه‌السلام سپاه خود را آراستند. خیمه‌ها را به هم متصل و در اطراف آن خندق حفر کردند.^۲ از سپاه مقابل یک‌شب مهلت خواستند تا با اقامه نماز، خواندن دعا و تلاوت قرآن از خدا برای نبرد علیه باطل و احیای اسلام ناب مدد گیرند. امام علیه‌السلام بار دیگر بیعت خویش را از یاران برداشتند و آنها را در انتخاب مسیر زندگی آزاد گذاشتند. امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا با ایراد خطبه، حجت را بر سپاهیان کوفه تمام کردند.^۳ در طول جنگ، امام علیه‌السلام با عمل به سیره جنگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اخلاق نوینی سرشار از معنویت و فضایل عالی انسانی در جامعه آن روز پدید آوردند. امام علیه‌السلام نخواستند آغازگر جنگ باشند.

۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، صص ۹۷ و ۹۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۵.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، صص ۴۴۸-۴۴۹؛ امین عاملی، سیره معصومان علیهم‌السلام، ترجمه: علی حجتی کرمانی، ج ۵، ص ۱۵۴؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء‌العیون، صص ۷۳۹-۷۴۰؛ قمی، عباس، منتهی‌الامال، ج ۲، صص ۹۹۵-۹۹۶.



ایشان پس از به شهادت رسیدن یاران و اصحابشان در بالین آنها حضور می‌یافتند و آنها را تکریم می‌کردند. امام علیه السلام در بحبوحه جنگ برای اعلام علت قیام راستینشان، نماز روز عاشورا را به وقت آن به‌طور علنی و به جماعت بر پا داشتند.^۱ کم‌کم لحظه وداع نزدیک بود. امام حسین علیه السلام بانوان حرم را به صبر و بردباری توصیه می‌کردند. ایشان رهبری و امامت بعد از خود را فراموش نکردند و سکان‌داری امت را به علی‌بن حسین علیه السلام سپردند و اسرار امامت را به ایشان ارزانی داشتند.

مناجات امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات حیات مبارکش، معارف بلندی چون تکیه بر خدای تعالی در تمام سختی‌ها و بلاها، توکل بر خدا و صبر کردن بر تقدیر، داور قرار دادن خدا بین خود و قوم ظالم و راضی بودن به رضای خدا را به هر انسان آزاده‌ای ارزانی داشتند.

۳. شاخصه‌های سیره امام حسین علیه السلام

- تفکیک مرز بین حق و باطل
- احیای آرمانگرایی در جامعه و پاسداری از معنویت
- ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت (پیدایش اخلاق نوین در جامعه)

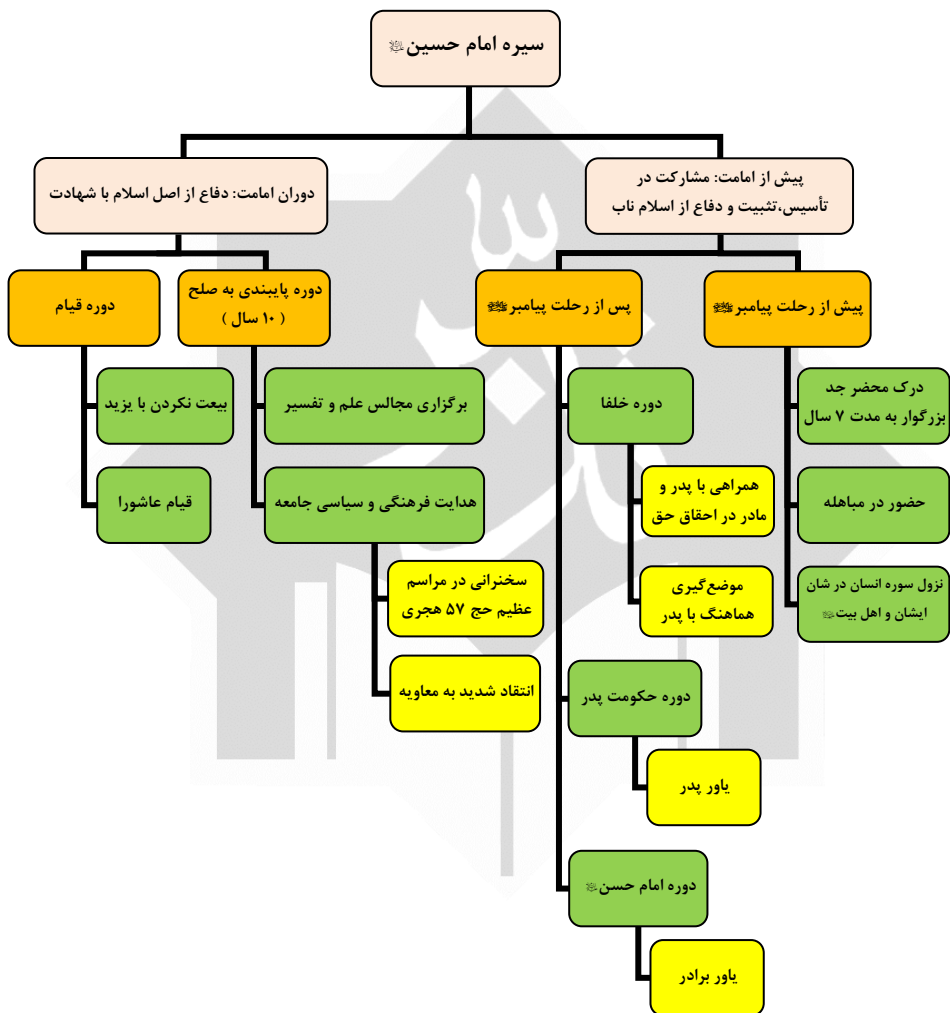
۱. سماوی، محمدبن طاهر، سلحشوران طف، ترجمه: عباس جلالی، ص ۲۶۳؛ سیدبن طاووس، لهوف، ترجمه: سید ابوالحسن میر ابوطالبی، ص ۱۳۶؛ قمی، عباس، منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۸۴۴؛ قمی، عباس، در کربلا چه گذشت، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، صص ۳۴۶-۳۴۷؛ قمی، عباس، دمع السجوم، (ترجمه نفس المهموم)، ترجمه: علامه شعرانی، ص ۲۳۶؛ مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، ترجمه: محمدمهدی عزیزاللهی، ص ۱۶۱.



- احیای روحیه شهادت‌طلبی و دمیدن روح انقلاب در مکتب که پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بین رفته بود
- شکسته شدن قداست‌مآبیهای امویان با تبیین قداست علوی
- گشوده شدن افقی تازه در تبلیغ و سرعت‌بخشی به جریان تشیع پس از قیام عاشورا



نقش امام حسین: دفاع از اصل اسلام با شهادت





نقش امام سجاده: معماری و بازسازی دین با تبیین سه عنصر توحید، ولایت و

مکارم اخلاق

سیره امام سجاده







شناسه امام سجاد علیه‌السلام

- نام مبارک: علی
- کنیه شریف: ابوالحسن
- لقب مبارک: زین العابدین، سجاد، ذوالثفتات
- پدر بزرگوار: امام حسین بن علی علیه‌السلام
- مادر گرامی: شهربانو
- تاریخ ولادت: ۵ شعبان سال ۳۸ هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: ۶۱ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۲۳ سالگی
- مدت زمان امامت: ۳۵ سال
- مدت زمان عمر پربرکت: ۵۷ سال
- فرزندان: ۱۱ پسر از جمله امام محمد باقر علیه‌السلام، زید و...
- تاریخ شهادت: ۹۵ هجری
- علت شهادت: مسمومیت به دست ولید بن عبدالملک
- مرقد مطهر: قبرستان بقیع



• خلفای زمان: یزید، معاویه دوم، مروان، عبدالملک، ولید بن عبدالملک

امام سجاده علیه السلام تا سن دوسالگی در دوره امامت امام علی علیه السلام می زیستند و پس از آن تا دوازده سالگی امامت امام حسن علیه السلام و تا ۲۳ سالگی، امامت امام حسین علیه السلام را درک کردند. حضور در این سه دوره و همراهی با امام زمان خویش، امام سجاده علیه السلام را از یک سو با مجاهدت و صبر بی پایان پدران بزرگوار خود آشنا کرد و از سوی دیگر، اوضاع جامعه اسلامی و رنگ به رنگ شدن مردم زمانه به اقتضای شرایط آن زمانه را آشکار ساخت؛ به ویژه واقعه عاشورا که نهایت دور شدن حکومت و مردم از اسلام ناب محمدی بود و دست یازیدن ایشان به ریختن خون فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله را به نمایش گذاشت.

۱. شش سال اول امامت

پس از واقعه جانسوز کربلا، رعب و وحشت دنیای اسلام را فرا گرفته بود. امویان سخت می کوشیدند دین را از صحنه زندگی مردم حذف و هرچه بیشتر فاصله آنها را با دین عمیق تر کنند. در راستای همین سیاست دین زدایی و دین ستیزی، نقل احادیث نبوی را منع کردند و احادیث جعلی را در جامعه رواج دادند. بدعت ها و سنت های جاهلی روز به روز زنده تر می شد و جان می گرفت. آنها کشتار، فشار و ظلم بیدادگر خود را با باورهای انحرافی جبرگرایی توجیه و مردم را به ذلت سکوت فرا می خواندند. اگر تا دیروز انگیزه های ضد دینی آنها مخفی و در لفافه بود؛ اکنون فساد، رفاه زدگی و بی دینی آنها در عمل و گفتار آشکارا بروز و ظهور یافته بود. درخت فساد چنان در جامعه ریشه دوانیده بود که مدینه و مکه دوشهر مقدس مسلمانان مرکز فساد و حضور کنیزکان آوازه خوان شده و قداست و معنویت خاص خویش را از دست داده بود.



علم و دانش رکودی بی‌سابقه پیدا کرده بود، گویا امویان جهل امت را به سود مطامع خویش می‌دانستند. امویان هر اعتراضی را در نطفه خفه می‌کردند. کشتار و مثله کردن مخالفان، کمترین واکنش آنها به جریان اعتراض بود.^۱

شیعیان پس از قیام عاشورا، تمرکز خود را در خطر می‌دیدند. فشارهای اقتصادی هم از سوی دیگر شرایط را بر آنها دشوار می‌کرد. روی کار بودن حکومتی فاسد، به دور از عدالت و اصالت دینی، با سیاست حذف اهل بیت علیهم‌السلام امام سجاد علیه‌السلام را بر آن می‌داشت تا سیاستی پیشه کنند که جریان پراکنده امت را به شاهره اصلی اش هدایت و روح دین را در پیکر بی‌جان آن بدمند.

رویارویی فرهنگ اسلام با فرهنگ‌های وارداتی سرزمین‌های دیگر، در کنار مشکلات داخلی خطر جدیدی را شکل داده بود و نزدیک بود اصالت امت اسلامی در برابر این فرهنگ‌ها ذوب شود و از دست برود.^۲

۱.۱. پیام‌آوری قیام کربلا

امام سجاد علیه‌السلام در شش سال اول امامت خود، با بیان هدف‌های قیام عاشورا و افشاگری علیه امویان، به‌ویژه با ایراد سه خطبه تاریخی خود در کوفه، شام و مدینه، وجدان امت را بیدار و احساس گناه ناشی از فاجعه کربلا را در خاطر‌ها شعله‌ور کردند.^۳ مجموعه

۱. حوادثی مانند واقعه حره و خرابی کعبه از دیگر اقدامات یزید بود. ابن طقطقی، محمدبن علی، تاریخ فخری، ص ۱۱۹.

۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۶، صص ۱۱۸ تا ۱۲۰.

۳. پیشوایان هدایت، ج ۶، صص ۱۱۸ تا ۱۲۰.



اقدام‌های بیدارکننده امام علیه السلام مانند گریه بر شهیدان کربلا، سجده بر تربت کربلا، توصیه به زیارت امام حسین علیه السلام، یاد شهیدان با ذکر صلوات به هنگام نوشیدن آب و به دست داشتن انگشتری پدر، عاشورا را در بین امت زنده و روح جهاد و شهادت طلبی را پویا داشت.^۱ نتیجه این تلاش را می‌توان در قیام توأبین و واقعه حره مشاهده کرد.

۲،۱. ترویج اصول اسلامی در حوزه عمل و اندیشه

در آن شرایط سخت اختناق و تهدید، دعا بهترین سلاح برای به ثمر نشاندن آرمان‌های مکتبی بود. امام سجاده علیه السلام تفکر اصیل اسلام را در قالب دعا به مردم عرضه می‌داشتند.^۲ توحید، امامت، شخصیت والای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، پیوند با خدا و اشاره به شرایط اسف‌بار جامعه، از مهم‌ترین موضوعاتی بود که امام علیه السلام در قالب دعا به آن می‌پرداختند.^۳ ایشان با خطبه‌های خود در کوفه، شام و مدینه، با ادعیه و تفسیر آیات متشابه، با فرقه‌های انحرافی مبارزه می‌کردند. امام علیه السلام مبارزه با فساد فراگیر در دوحیطه عمل و اندیشه را آغاز کردند. در حوزه عمل؛ خود آن بزرگوار با عبادت‌های طولانی و تأثیرگذار و انس با قرآن و تلاوت‌های دلنشین الگوی حسنه مردم بودند. در حوزه اندیشه، در قالب دعا، احکام و اصول تربیتی اسلام را ترسیم، تبیین و منتشر می‌کردند. دعای مکارم‌الاخلاق نتیجه همین حوزه است. امام علیه السلام برای تقویت ایمان مردم، عبادت را مهم‌ترین سلاح تربیتی می‌دانستند. ایشان برای حفظ اصالت فرهنگ اسلامی، مصلحت دانستند حرکت

۱. همان، ج ۶، صص ۱۹۸ تا ۲۰۱.

۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام صص ۳۳-۳۴.

۳. خضری، احمدرضا و دیگران، تاریخ تشیع، صص ۱۳۵ تا ۱۴۱.



علمی فعالی را دنبال کنند. به همین منظور، مسجدالنبی و منزل امام علیه‌السلام مرکز تشکیل جلسات درس و بحث گردید. نتایج این حرکت در تربیت محدثان، فقها و... در مقطع دوم امامت امام سجاده علیه‌السلام نمودار شد.





۳،۱. تبیین شاخصه‌های حکومت دینی

امام سجاده علیه السلام برای پرده‌برداری از چهره حکومت نامشروع و غلط بنی‌امیه که بی‌عدالتی مشخصه بارز آن بود، قوانین صحیح اسلامی را در رساله حقوق ترسیم و تبیین کردند و بدین ترتیب، برای انسان‌ها دستورالعمل رابطه انسان با خود، خدا، جامعه و جهان را تدوین نمودند. ایشان با شرکت مستمر در مجامع عمومی مانند نماز جمعه و جماعات و سخنرانی‌های روشنگرانه خود، یاد و خاطره خاندان نبوت را به عنوان یگانه حاکمان به حق زنده نگاه می‌داشتند.^۱

۴،۱. حفظ تجمع شیعه

رسالت دیگر امام سجاده علیه السلام حفظ تجمع کوچک شیعه بود. بنابراین، ایشان در هیچ‌یک از قیام‌های پس از کربلا شرکت نکردند و یاران خود را به تقیه فرا خواندند^۲ و با کمک های مالی پنهانی به خانواده شهدای کربلا و واگذاری نخلستان‌های آباد شده به دست مبارک خویش به فقرا، فشار اقتصادی را کاهش دادند. ایشان، همگان را به آبادانی و سازندگی برای جبران و ترمیم کمبودهای اجتماعی دعوت می‌کردند؛ آنچه در عصر امام باقر علیه السلام از اصلی‌ترین دستورالعمل‌های آن امام علیه السلام به شیعیان‌شان به‌شمار می‌رفت.

۲. بیست‌ونهم سال بعدی امامت

۱. خضری، احمدرضا و دیگران، تاریخ تشیع، صص ۱۸۵ تا ۱۹۴، شریف قرشی، باقر، زندگانی حضرت امام حسین علیه السلام، ترجمه: سیدحسین محفوظی، صص ۵۰۹-۵۱۱.
۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۶۵. سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۹۴.



خلفای بنی‌امیه دریافتند که مردم، امام سجاد علیه‌السلام را به‌عنوان یگانه رهبر و امام خویش می‌شناسند. این امر، خطر بزرگی برای آنها به‌شمار می‌رفت و باعث می‌شد اساس حکومت آنها از هم فروپاشد. بنابراین، کوشیدند با استخدام علما و فقهای درباری، مرجعیت دینی و علمی امام علیه‌السلام را مخدوش و مفهوم امامت و ولایت را از ذهن مردم پاک کنند. آنها خلافت را از رسالت بالاتر می‌دانستند و به خلیفه، «خلیفه الله» می‌گفتند نه «خلیفه رسول خدا». آنها با استخدام قصاصین و شعرای درباری کوشیدند تا قصه‌سرایی را جایگزین موعظه و ذکر کنند.

۱،۲. تشریح و نشر مفهوم امامت

امام سجاد علیه‌السلام اصل اعتقادی امامت، شرایط و وظایف امام، نفی پذیرفتن ولایت غیرمعصوم و ضرورت اطاعت و پیروی از امام معصوم علیه‌السلام را برای مردم تبیین کردند. ایشان در قالب دعا به بیان جایگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداختند و با ذکر صلوات، بر پیوند امام علیه‌السلام با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکید فرمودند. امام علیه‌السلام با ارج نهادن به شاعران مذهبی، با قصه‌پردازان و شعرای درباری به مبارزه برخاستند و از چهره واقعی آنها پرده برداشتند.

۲،۲. تربیت شاگردان کارآمد و متعهد

امام سجاد علیه‌السلام با تشکیل کانون تربیتی و علمی، خادمان، کنیزان، شاگردان و هدایت‌یافتگانی را تربیت کردند که توان تبلیغ اسلام را یافتند. ایشان خادمانی را برای یک‌سال به خدمت می‌گرفتند و پس از تعلیم، در ایام خاص مانند ماه رمضان، عید فطر و



ایام حج آنها را آزاد می‌کردند.^۱ امام علیه السلام با این اقدام خویش نه تنها با روح برده‌داری رواج یافته در آن روزگار به مقابله برخاستند، بلکه با این فرایند، اسلام ناب محمدی را به‌طور مؤثر و مفید حفظ کردند؛ زیرا هریک از آنها با بازگشت به وطن، مردم سرزمین خود را با اسلام ناب آشنا می‌کردند.

امام سجاده علیه السلام با بیان مسائل کلی فقه در قالب روایات فقهی و تربیت فقهای سبعة^۲، رهبر بلامنازع مردم شده بودند. محبوبیت اجتماعی امام علیه السلام تا به آن جا آشکار شده بود که مردم در سفر حج، راه بر هشام نگشودند، اما زین العابدین علیه السلام را گرامی داشتند و ایشان را تا حجرالاسود با دیدگان پر از شور و اشتیاق بدرقه کردند.

۳.۲. مبارزه با مظاهر فساد

مبارزه با علمای درباری از دیگر برنامه‌های امام سجاده علیه السلام بود. برای نمونه، ایشان در راستای امر به معروف و نهی از منکر به زهری، عالم درباری آن روزگار نامه نوشتند و به وی در خصوص نادیده گرفتن مقام شامخ ولایت هشدار دادند و به او گوشزد کردند که مبادا قرآن و سنت نبوی را دستمایه تقرب به حکام قرار دهد.^۳ امام سجاده علیه السلام در این مقطع در امتداد مبارزه با فساد برخاسته از دوره قبل، اقدامهای تأثیرگذاری را دنبال

۱. حسینی جلالی، محمد رضا، جهاد امام سجاده علیه السلام، صص ۱۶۴ تا ۱۷۱. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج

۶، صص ۲۰۱ تا ۲۰۴، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۱۰۳-۱۰۵.

۲. خضری، احمد رضا و دیگران، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. حسینی جلالی، محمد رضا، جهاد امام سجاده علیه السلام، صص ۲۶۱ تا ۲۶۶، ابن شعبه حرانی، تحف العقول،

ص ۲۷۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۵، صص ۱۳۲-۱۳۴.



کردند. به‌عنوان نمونه، برای مقابله با فساد کاروان حج و همراهی آوازه‌خوانان با این کاروان شیطانی، با کاروانی از طبقات مختلف و با حضور ۱۰۰۰ نفر از قاریان راهی حج شدند. بدین طریق، مردم با روح و حقیقت دعا و موعظه آشنا گردیدند.^۱



۱. کشی، محمدبن عمر، رجال کشی، ص ۱۱۷.

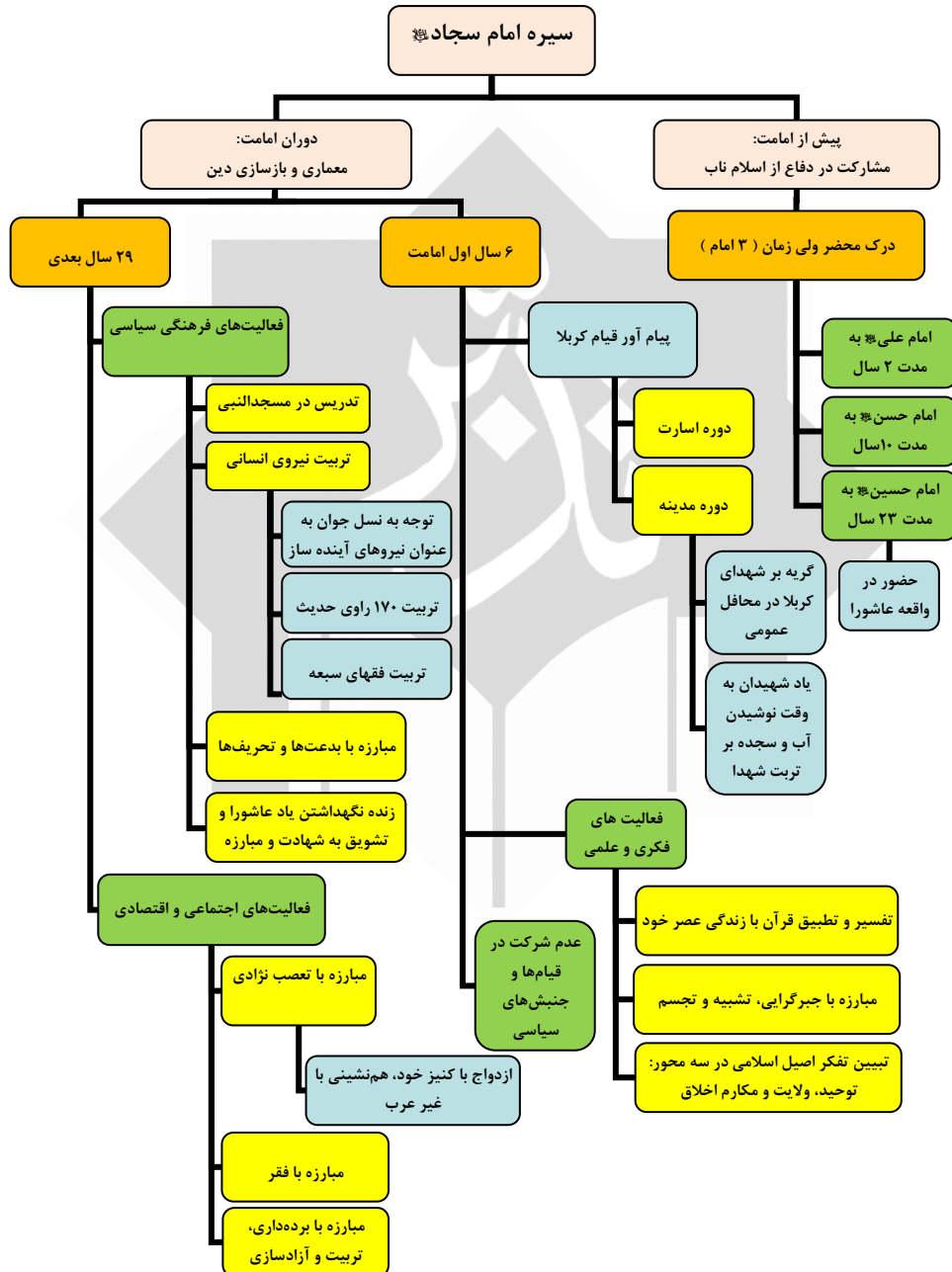


۳. شاخصه‌های سیره امام سجاده علیه السلام

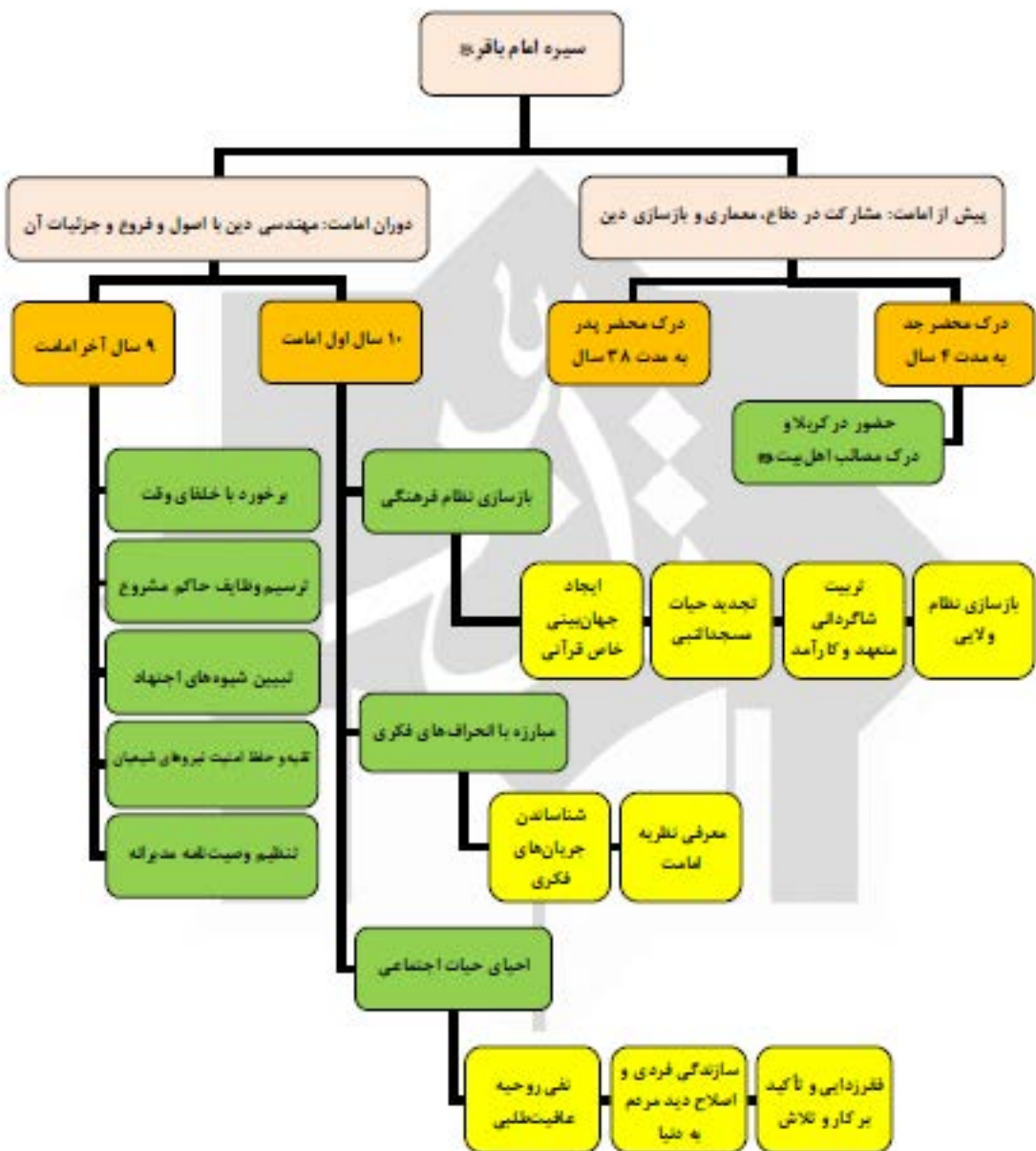
- زنده نگه داشتن واقعه عاشورا (زنده نگه داشتن روحیه شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی)
- استفاده از راهبرد دعا در تبیین علمی و فرهنگی مجدد اسلام
- تجدید حیات اسلام (بازآفرینی جامعه اسلامی) با رویکرد فرهنگی
- تمرکز بخشی به شیعه و سازماندهی



نقش امام سجاده علیه‌السلام: معماری و بازسازی دین با تبیین سه‌عنصر توحید، ولایت و مکارم اخلاق



نقش امام باقر علیه السلام: مهندسی دین با اصول و فروع و جزئیات آن





فصل هفتم

سیره امام باقر (ع)



شناسه امام محمد باقر

- نام مبارک: محمد
- کنیه شریف: ابو جعفر
- لقب مبارک: باقر العلوم
- پدر بزرگوار: امام علی بن الحسین
- مادر گرامی: فاطمه، دختر امام حسن
- تاریخ ولادت: اول رجب سال ۵۷ هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: ۹۵ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۳۸ سالگی
- مدت امامت: ۱۹ سال
- مدت زمان عمر پربرکت: ۵۷ سال
- فرزندان: امام جعفر صادق و...
- تاریخ شهادت: سال ۱۱۴ هجری
- علت شهادت: مسمومیت
- مرقد مطهر: قبرستان بقیع



• خلفای زمان: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک

امام محمد باقر علیه السلام تا سن چهارسالگی در دوره امامت امام حسین علیه السلام زندگی کردند.^۱ ایشان در واقعه عاشورا حضور داشتند و بعد از آن، شاهد تلاش‌های پدر بزرگوار خود در راه نشر پیام عاشورا در جامعه و احیای دین و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

۱. ده سال اول امامت

حکام اموی در این دوره درگیر مشکلات داخلی و خارجی بودند. برای نمونه در جبهه داخلی اموی - مروانی بین سلیمان و ولید برای به قدرت رسیدن سلیمان یا عمر بن - عبدالعزیز اختلاف نظر وجود داشت. عیاشی و فساد اخلاقی خلفای اموی چنان اوج گرفته بود که اجتماع آن روز هم به طریق حاکمان خود گام بر می داشت. سرگرم بودن خلفا به خویش، اوضاع را به نفع شیعیان اندکی تغییر داد؛ زیرا از امام باقر علیه السلام غافل ماندند و امام علیه السلام از این فرصت بهره بردند و به آرمان‌های بلند خویش پرداختند.

در این دوره تبادلات فرهنگی با اقوام مختلف به دلیل فتوحات و پیروزی‌های پیشین مسلمانان رو به افزایش و جامعه با تنوع قومی روبرو بود. به همین دلیل، نظام‌های حقوقی، قضایی و فرهنگی بیگانگان در حوزه تفکر اسلامی ظهور یافت. حکومت اموی برای پیشبرد اهداف خود از جریان‌های فکری گوناگون مانند ارجاء، جبر و... حمایت

۱. «در کربلا چهارساله بودم که جدم حسین بن علی علیه السلام شهید شد.» یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.



می‌کرد و افکار انحرافی تناسخ، غلو و جریان الحادی زنادقه نیز در آن شرایط سخت رو به رشد بود. پدیده جعل حدیث بستری مناسب فراهم کرده بود تا این عقاید باطل در عمق حیات اجتماع اسلامی ریشه بدواند.^۱ بنابراین، طرح تئوری عدالت صحابه پیامبر ﷺ برای در خدمت بودن سیاست جعل حدیث ابداع شد؛ در حالی که همگان از نشر فضایل اهل‌بیت منع شده بودند.

امر خطرناک دیگری که در آن روزگار، دین و دنیای مسلمانان را تهدید می‌کرد، طرح جدایی دین از سیاست بود. تلاش حکومت هم، بردن دین به مساجد و محو شدن از متن زندگی بود. در کنار مشکلات اخلاقی و ... فشار اقتصادی بر مردم بیداد می‌کرد. مالیات‌های سنگین کمر مردم را شکسته بود. اختلاف طبقاتی، نظام اقتصادی را تهدید می‌کرد و دست‌اندازی در اموال عمومی توسط خلفا حق مسلم آنان به‌شمار می‌رفت.^۲

۱.۱. بازسازی نظام فرهنگی و سیاسی اسلام ناب

امام باقر ﷺ دگرگون کردن امت و بازسازی نظام فرهنگی بر پایه قرآن و سنت را محور فعالیت‌های اصلاحی خویش قرار دادند. برای دست یافتن به این امر، امام ﷺ هویت مسجد را بازسازی و حیات مسجدالنبی را تجدید کردند.^۳ مسجدالنبی مرکز تربیت شاگردانی شد که در شاخه‌های مختلف متخصص، متعهد و کارآمد بودند. امام ﷺ برای جلوگیری از تعرضات دستگاه خلافت، مردم را به آنها ارجاع می‌دادند. امام باقر ﷺ

۱. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، صص ۳۱۵ تا ۳۲۲.

۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۷، صص ۱۳۹ تا ۱۴۹.

۳. ماهنامه مبلغان، «هادی منش، ابوالفضل، نگاهی کلی به مواضع سیاسی امام باقر ﷺ»، صص ۲۶ تا ۳۰.



انقلاب فرهنگی و رهبری فکری مردم را با تولید علوم جدید و بیان اصول جدید در علوم گذشته، پایه گذاری علم کلام، تنظیم مبانی فقهی دین و پایه گذاری اصول فقه و تبیین اصول و فروع دین عهده دار شدند.^۱ ایشان با تفسیر قرآن به صورت مدون و ارجاع مردم به آن برای شناخت حق از باطل، جهان بینی قرآنی را در اجتماع آن روز احیا کردند^۲ و برای آشنا کردن مردمان سرزمین های تازه فتح شده، مبلغان و معلمان قرآن را به سوی آنها فرستادند.^۳ امام علیه السلام در مقابله با جعل حدیث، احادیث نبوی و امامان را در برنامه های آموزشی خود گنجانده بودند.

امام باقر علیه السلام در شاخه فعالیت های سیاسی کوشیدند تا مفاهیم صحیح سیاسی را بیان و منتشر کنند؛ مفاهیمی چون امامت و ارتباط آن با اهل بیت علیهم السلام، حقوق متقابل رهبر و امت و... به دیگر سخن، امام بازسازی نظام ولایی و تقویت بعد ولایی را در جامعه در دستور کار خویش قرار دادند و تشیع را به یک تشکل حزبی آگاه تبدیل کردند. در این دوره اگرچه هیچ قیام مسلحانه ای رخ نداد، اما امام علیه السلام روحیه جهادی را با روشن کردن حقایق یک قرن گذشته و تبیین اهداف کربلا و با سخنرانی های بلیغ خود تقویت کردند.

۲،۱. مبارزه با انحراف های فکری

باقرالعلوم علیه السلام در راستای رسالت فرهنگی خود با انحرافات فکری به وجود آمده سخت به

۱. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۷، ص ۱۶۷ تا ۱۷۲.

۲. ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، صص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۳. ماهنامه مبلغان، «هادی منش، ابوالفضل، اجتهاد در عصر امام باقر علیه السلام»، شماره ۶۲، صص ۲۴ تا ۳۳.

اسدحیدر، امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری ص ۱۰۴.



مبارزه برخاستند و برای آشکار کردن ماهیت غیر اسلامی این تفکرات و جریانات، اقدامات گسترده‌ای را انجام دادند؛ از جمله: معرفی اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان سرچشمه اندیشه صحیح اسلام، شناسایی جریانات فکری و مصونیت‌بخشی در مقابله با عقاید غیردینی، جدال، احتجاج و مناظره علمی و عقیدتی، موضعگیری شفاف، افشاگری و روشنگری، اعلام بطلان سیره آنان (جریان‌های فکری) و توبیخ و لعن آنها در شرایط مختلف، تکریم شخصیت افراد تا آنجا که افراد خود را در برابر انحرافات نبازند، تعیین ناکارآمدی اصول متداول گذشته و به‌روز کردن پاسخ‌های کهنه.

۳.۱. احیای حیات اجتماعی

از آن‌جا که جامعه اسلامی تحت تأثیر تفکرات و حکومت امویان، دچار رفاه‌زدگی و عافیت‌طلبی شده بود، مبارزه با روحیه عافیت‌طلبی و توجیه‌گری، سازندگی فردی و اهمیت دادن به تزکیه در تربیت، اصلاح دیدگاه مردم نسبت به دین و دنیا، وارد کردن دین در زندگی مردم و نجات آن از کنج مساجد، طرد رفتارهای مقدس‌مآبانه و ایجاد فهم عقلانی از رفتارهای دینی، فقرزدایی و تأکید بر کار و کوشش اجتماعی، امید بخشی به تشکیل حکومت علوی و دعوت به صبر و به‌جان خریدن مشکلات شیعیان اهم برنامه‌های امام باقر علیه‌السلام در احیای حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه بود.

۲. نه‌سال آخر امامت

امام باقر علیه‌السلام در این دوره به مهندسی فرهنگ در جامعه پرداختند. خلافت وقت هم از طریق اعمال فشارهای متعدد، مقابله با امام علیه‌السلام به‌ویژه پس از مشاهده جلسه چند هزار نفری ایشان در مکه آغاز کرد. در این مقطع امام علیه‌السلام به مرکز خلافت احضار شدند. دستگاه



خلافت در تحقیر، تضعیف روحیه و تهدید امام علیه السلام از هیچ اقدامی ابا نداشت. با برگزاری جلسات مناظره می‌کوشید تا ایشان را در تنگنا قرار دهد و با منزوی کردن و کنترل شدید امام علیه السلام، از قدرت ولایت بکاهد و تصویر منفی از شیعیان به جامعه ارائه دهد. حکومت با این هدف، القای شبهات و نشر فرهنگ انحرافی را دنبال می‌کرد. دستگاه خلافت شایع کرد که امام علیه السلام مسیحی شدند^۱ و این امر را دستاویزی قرار داد تا ایشان را به شهادت رساند. تخریب بنیان‌های فکری، تضعیف روحیه دینی و ایجاد انحرافات دینی از دیگر برنامه‌های دستگاه خلافت بود. قدرت حاکم با استخدام عالمان درباری، بدعت‌ها و تحریف‌ها را دامن می‌زد.^۲

۱.۲. برخورد حکیمانه با خلفای وقت

امام باقر علیه السلام با بی‌توجهی به هشام، خلیفه وقت، به بی‌حرمتی‌های او پاسخ دادند، اما هرگز حاضر نشدند از طریق نظامی وارد عمل شوند و دیگران را هم از این گونه امور منع می‌کردند. زمانی که از سوی خلیفه احضار می‌شدند با سخنانی‌های بلیغ خود تلاش می‌کردند که هشام و درباریان را هدایت و روشن کنند. ایشان در مناظرات، حضور فعال داشتند. مشهور است که در مناظره با عالم نصرانی و هشام، پاسخ‌های دقیق امام علیه السلام آنها را عاجز و زبون ساخت. حتی پس از زندانی شدن امام علیه السلام می‌بینیم که زندانیان به شدت تحت تأثیر شخصیت امام علیه السلام قرار گرفتند، تا آنجا که حکومت احساس خطر کرد و

۱. طبری، محمدبن جریرین رستم، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۷، صص ۱۲۵ تا ۱۴۲.



ایشان را آزاد ساخت.^۱ امام باقر علیه‌السلام در مسیر بازگشت به مدینه با سخنان شیوای خود شایعه مسیحی شدن خود را خنثی کردند. کنترل ایشان هر روز شدت می‌یافت. امام علیه‌السلام برای کاستن خطرات، مردم را به شاگردان خود ارجاع می‌دادند. شاگردان اجازه فتوا یافتند و این‌گونه راه برای نهادینه شدن فرهنگ اجتهاد و فقه پویا هموار شد.^۲ امام علیه‌السلام برای حفظ امنیت نیروهای خود و پاسداری از ارزش‌ها، سیاست تقیه را پیشه کردند و کوشیدند تا این اصل نهادینه شود.^۳ از دیگر اقدامات امام علیه‌السلام در این مقطع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ترسیم وظایف حاکم و روشن کردن عدم مشروعیت حکومت حاضر در انظار مردم؛

۲. استفاده از روش امام سجاد علیه‌السلام یعنی روش دعا و تبلیغ در موسم حج؛

۳. از بین بردن ابزار دامن زدن به اختلافات علویان با تبیین مسئله امامت.

۲،۲. تنظیم وصیت‌نامه مدبرانه

امام باقر علیه‌السلام همچون دیگر امامان با وصیت مدبرانه و انتخاب زمان و مکان مناسب برای آگاه کردن مردم نسبت به ولایت، توانستند رهبری جامعه را پس از خویش به امام

۱. قمی، شیخ عباس، انوارالبهیه، ص ۲۱۲.

۲. امیری پوره‌احمد، تاریخ چهارده معصوم علیهم‌السلام از پیامبر تا قیامت، صص ۶۴ تا ۶۶.

۳. منتظرالقائم، اصغر. تاریخ امامت، ص ۱۷۰؛ خامنه‌ای، سید علی، شخصیت و سیره معصومین علیهم‌السلام، ج ۶، صص ۷۷ تا ۷۹.



صادق علیه السلام واگذار کنند.^۱

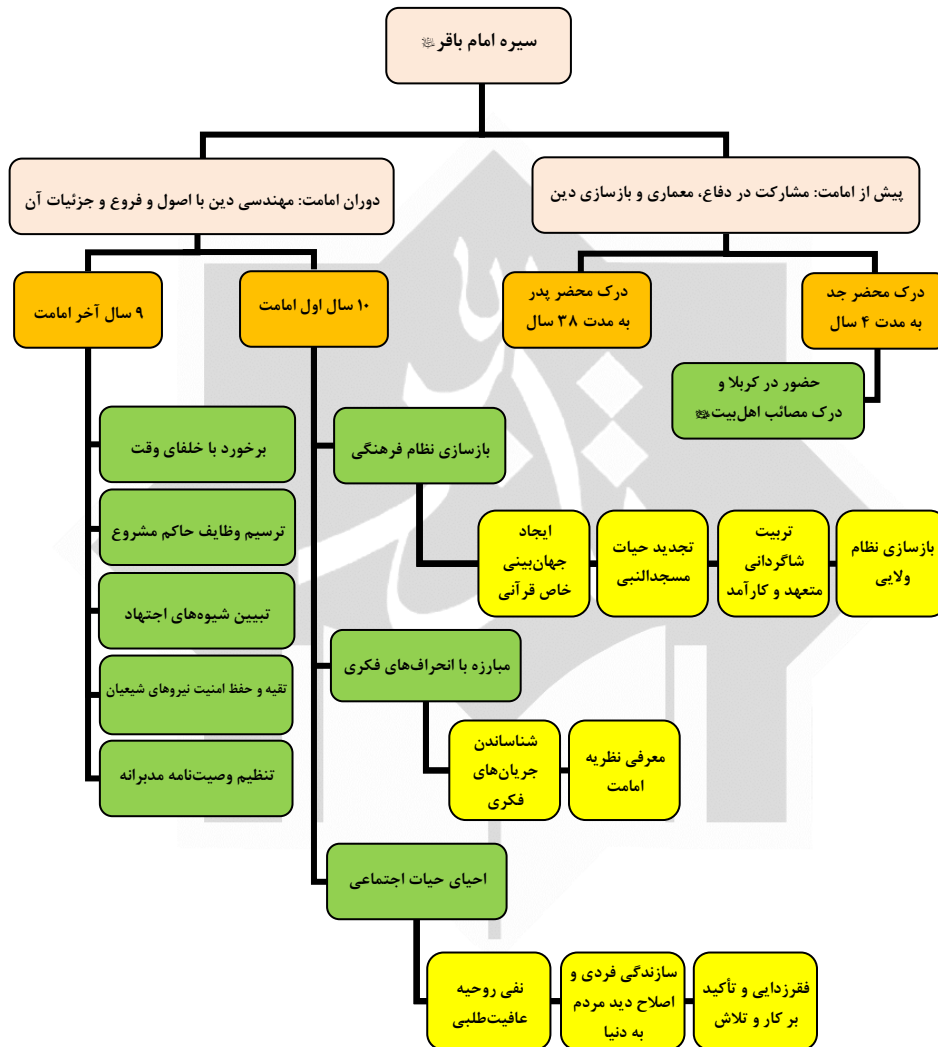
۳. شاخصه‌های سیره امام محمد باقر علیه السلام

- دگرگون کردن امت و بازسازی نظام فرهنگی بر پایه قرآن و سنت
- پایه‌گذاری انقلاب فرهنگی و رهبری فکری مردم
- شالوده‌ریزی دانشگاه بزرگ اسلامی
- روشن کردن چهره ولایت در جامعه و خنثی کردن نقشه‌های حکومت در مخدوش کردن چهره ولایت
- ادامه مبارزه تا ده سال بعد از شهادت با وصیت مدبرانه خویش و اقامه عزاداری در سرزمین منی

۱. کلینی. محمد بن یعقوب. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۶. حر عاملی، اثبات الهداه، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۲۸؛ تستری، نورالله، احقاق الحق، ج ۱۴، ص ۶۲۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۸۰؛ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۱، ص ۵۱۷؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۳؛ بحرانی، هاشم، حلیة الابراج ج ۴، ص ۱۷۹؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه. ج ۲، ص ۷۰۲.



نقش امام باقر: مهندسی دین با اصول و فروع و جزئیات آن







فصل هشتم

سیره امام صادق علیه السلام



شناسه امام جعفر صادق علیه‌السلام

- نام مبارک: جعفر
- کنیه شریف: ابو عبدالله
- لقب مبارک: صادق، فاضل
- پدر بزرگوار: امام محمد باقر علیه‌السلام
- مادر گرامی: ام‌فروه
- تاریخ ولادت: ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: سال ۱۱۴ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۳۱ سالگی
- مدت امامت: ۳۴ سال
- مدت عمر پربرکت: ۶۵ سال
- فرزندان: اسماعیل، موسی، محمد و عبدالله
- تاریخ شهادت: ۱۴۸ هجری
- علت شهادت: مسمومیت با زهر به دستور منصور دوانیقی
- مرقد مطهر: قبرستان بقیع



• خلفای زمان: از بنی امیه (هشام، ولید بن یزید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان حمار) از بنی عباس (سفاح، منصور)

امام صادق علیه السلام دوازده سال در دوران امامت امام سجاد علیه السلام را دریافتند و در این مدت از تعالیم جد بزرگوار خود بهره‌مند بودند.

بی‌تردید دعاها و مناجات‌های بی‌بدیل امام سجاد علیه السلام تأثیری جاودانه بر روح و جان امام صادق علیه السلام داشت. در دوره امامت امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام در جلسات درس آن حضرت شرکت داشتند و در سایر فعالیت‌ها نیز با پدر خود همراه بودند. در سفر امام باقر علیه السلام به شام که به دعوت هشام انجام شد و او می‌کوشید تا به شکل‌های مختلف اعتبار امام صادق علیه السلام را در جامعه خدشه‌دار سازد، امام صادق علیه السلام همراه پدر بودند.^۱

امام صادق علیه السلام علاوه بر بهره‌مندی از محضر امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام، از نعمت مادری فاضل نیز برخوردار بودند. ام‌فروه یکی از زنان عالم مدینه و دارای تشخیص و احترام اجتماعی بود. این بانو در مدینه جلسات درسی برای بانوان برگزار می‌کرد و به مسایل و مشکلات آن‌ها پاسخ می‌داد.

۱. دوره انحطاط امویان و انتقال قدرت به عباسیان

با ظلم و فساد روزافزون امویان، شورش‌ها و قیام‌های مردمی هم افزایش یافت. تلاش

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۱، قمی، شیخ عباس، انوار البهیة صص ۲۱۱-۲۱۲؛ قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۳۲۳؛ مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، صص ۸۵۵، ۸۶۵؛ مجلسی، محمدباقر، حیاة القلوب، ج ۲، ص ۱۲۳۱؛ طبری، عمادالدین حسن بن علی، مناقب الطاهرین، ج ۲، ص ۶۵۳.



امویان در بی‌دینی جامعه چنان گسترده بود که واکنش‌های گوناگونی را در جامعه آن روز پدید آورد. ظهور ملحدانی چون زنادقه و دهریون از جمله این واکنش‌ها بود که ناشی از عکس‌العمل جامعه به محیط دینی مضطرب و آکنده از مفاهیم غلط دینی بود. در کنار این دسته، گرایش‌های مذهبی متعدد و فرقه‌های انحرافی مانند غلات، جبریون، مجسمه و... نیز فعال بودند. با بالا گرفتن درگیری و کشمکش‌های عباسیان و امویان، عباسیان از محبوبیت اهل بیت علیهم‌السلام نهایت استفاده را کردند و با شعار «الرضا من آل محمد» مردم را در قیام علیه امویان همراه خویش ساختند.^۱

امام صادق علیه‌السلام با مجموعه اقدامهای خود شرایط را به گونه‌ای مدیریت کردند که جامعه از مسیر بازیافته خویش منحرف نشود. ایشان در دو جبهه حضور یافتند و دو جریان را راه اندازی کردند: جریان آرام و فعال سیاسی، جریان مفید و مؤثر علمی و فرهنگی.

۱.۱. جریان آرام و فعال سیاسی و خودداری از عملیات مسلحانه

امام صادق علیه‌السلام در این جبهه از عملیات مسلحانه خودداری و سیاست تقیه را پیشه کردند. این دوره با قیام‌های علویان حسینی مانند زید بن علی (در زمان هشام بن عبدالملک) و یحیی بن زید (در زمان ولید بن عبدالملک) مصادف بود. امام علیه‌السلام به‌طور ضمنی و غیر مستقیم، زید را تأیید و از کشته شدن او اظهار ناراحتی و از خانواده شهدا حمایت مالی

۱. مجهول المؤلف، اخبار الدوله العباسیه، تحقیق: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، ص ۱۹۴، بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۴، ص ۱۳۶؛ مقدسی، مطهرین طاهر، البدء و التاريخ، ج ۶، ص ۶۲؛ ابن خلدون، العبر، ج ۳، ص ۱۵۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، ج ۵، ص ۳۷۲؛ اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۵.



کردند.^۱ با وجود این، هر گونه پیشنهاد رهبری و حضور در معادلات سیاسی مانند درخواست ابومسلم^۲، ابوسلمه و... را رد کردند.^۳ این گونه درخواست‌ها نشان می‌دهد امت، خط اهل بیت^{علیهم‌السلام} را تنها جریان شایسته برای جایگزینی حکومت اموی می‌دانستند. در این برهه از زمان، اهل بیت^{علیهم‌السلام} رهبر و پیش‌آهنگ توده مسلمانان بودند. بهره‌گیری عباسیان از محبوبیت آنها در بین مردم برای رسیدن به هدف‌های سیاسی، بهترین گواه و شاهد بر این مدعاست. با وجود شرکت نکردن در قیام‌ها، امام صادق^{علیه‌السلام} تقویت روحیه جهادی و ریشه‌دار کردن آن را هرگز فراموش نکردند. ایشان با بیان اصول و هدف‌های قیام عاشورا، عزاداری، گریه بر امام حسین^{علیه‌السلام} و... آرمان شهادت‌طلبی را تقویت و یارانشان را به آن تشویق کردند.^۴

۲.۱. منع هرگونه ارتباط با حکومت ستمگر اموی

امام صادق^{علیه‌السلام} برای مبارزه با انحراف سیاسی به وجود آمده در رهبری امت، هرگونه

۱. فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۲، صص ۳۰ تا ۳۲.

۲. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، الملل و النحل، ص ۱۱۴.

۳. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۳، صص ۲۵۴ تا ۲۵۶، حموی، محمدبن اسحاق، انیس المومنین، ص ۱۶۴؛ یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۳۲۹، ابن طقطقی، تاریخ فخری، ترجمه: محمدوحید گلپایگانی؛ مقدسی، آفرینش و تاریخ، ترجمه: شفیعی کدکنی، ج ۲، ص ۹۴۳.

۴. منذرحکیم، پیشوایان هدایت، ج ۸، صص ۹۷ تا ۱۰۶. ابن قولویه قمی، کامل‌الزیارات، ترجمه: سیدمحمدجواد ذهنی تهرانی، ص ۵۰.



ارتباط با حکومت اموی و ارجاع قضاوت‌ها به قضات اموی را منع کردند^۱، و برای پاسخگویی به نیاز امت، پایگاه‌هایی را در مسجدالنبی به وجود آوردند و به یاران و شاگردان خود اجازه فتوا دادند.

۳،۱. تبیین نظریه امامت

تبیین نظریه امامت در امتداد مبارزه با انحراف سیاسی و با توجه به اختلاف در امر امامت، از اصلی‌ترین برنامه‌های امام صادق علیه‌السلام بود. در این دوره، برخی بر این باور بودند که امامت در نسل امام حسین علیه‌السلام تداوم یافته است و برخی به تداوم امامت در نسل امام حسن علیه‌السلام و یا محمدبن حنفیه معتقد بودند. بنابراین ایشان از هر فرصتی برای معرفی خویش به‌عنوان امام استفاده می‌کردند. مشهور است که آن حضرت در مراسم عرفه با ایراد سخنرانی، به بیان نظریه امامت پرداختند و خویش را به‌عنوان جانشین اجدادشان معرفی کردند. ایشان با بهره‌گیری از آیات و روایاتی مانند آیه اکمال دین و حدیث غدیر، جایگاه ولایت غصب شده را به مردم یادآوری می‌کردند.^۲ امام علیه‌السلام تمام همت خویش را بر آن داشتند تا جایگاه حقیقی امامت را در جامعه ترسیم و احیا کنند. ایشان در آموزه‌های فقهی، لزوم اطاعت از امام عادل را تبیین کردند.

۴،۱. جریان مؤثر فرهنگی و علمی با تأسیس دانشگاه جعفری

امام صادق علیه‌السلام برای کنترل اوضاع فرهنگی جامعه، دانشگاه جعفری را تأسیس کردند که در سایه آن فقه و کلام امامیه ظهور یافت. از جمله برنامه‌های این دانشگاه مبارزه با فرقه

۱. مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۸، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۸ صص ۱۳۴ تا ۱۳۷.



های الحادی و انحرافی بود.^۱

مناظرات امام صادق علیه السلام و شاگردان ایشان با بزرگان و پیروان مذاهب و فرق، مانند ابن ابی العوجا و ابوشاکر دیصانی از سیاست‌های مبارزاتی ایشان به‌شمار می‌رفت.^۲

امام علیه السلام در مقابل فرقه‌های انحرافی مدعی تشیع، همانند غلات، موضع بسیار قاطعی گرفتند و بسیاری از سردمداران آنها همچون بیان بن سمعان، ابوالخطاب، بشار شعیری و... را لعن و تکفیر کردند.^۳

امام صادق علیه السلام برای هدایت عمومی جامعه و بالا بردن سطح آگاهی آنها و آموزش مسلمانان، تربیت و ساماندهی شاگردان متعدد با تخصص‌های مختلف را در برنامه خود گنجانده بودند. نتیجه این رویکرد را می‌توان در مواردی مانند تدوین کتاب «توحید مفضل» دید که در آن افکار الحادی شکل گرفته در آن روزگار، آشکارا به جامعه ارائه شد. امام علیه السلام با اقدامهای خویش، افشای خط فکری فرقه‌های منحرف، نشان دادن ریشه انحراف‌ها، روشن کردن وضع شیعیان در برابر آنها و اثبات برتری بینش شیعی را دنبال می‌کردند.

۵،۱. مبارزه با مکاتب فقهی مبتنی بر قیاس، استحسان و...

برنامه‌ها و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی امام صادق علیه السلام مکمل یکدیگر بود. ایشان

۱. همان، صص ۱۳۷ تا ۱۴۴.

۲. شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۴، صص ۱۶۹ و ۱۷۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، صص ۳۳۳-۳۳۴.

۳. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، صص ۳۹۸ تا ۴۰۱.



برای مخالفت با حکومت، هرگونه ارتباط با آنها را منع کردند، اما با گماردن شاگردان در صحنه، نیاز مردم را در عرصه‌های مختلف پاسخگو بودند و برای تقویت شاگردان و ایجاد خودباوری علمی در آنها، اصول و مبانی اجتهاد را به آنها آموختند. بنابراین شاگردان امام علیه‌السلام نه تنها می‌توانستند نیازهای مردم را برآورده کنند، بلکه با بهره‌گیری از اصول و قواعد فقهی برگرفته از خوان علمی امام صادق علیه‌السلام همچون برائت، تخیر، استصحاب، فراغ، تجاوز، ید و ضمان با جریان‌های فقهی منحرف و متکی به قیاس و استحسان و... به مقابله برخاستند.^۱

۶.۱. مبارزه با جریان جعل حدیث و تفسیر به رأی

در عصر جعل حدیث، تحریف قرآن ابزار مناسبی برای دستیابی خلفا به مقاصد سیاسی و مشروعیت‌بخشی به حکومت فاسدشان بود. آنها به راحتی با تفسیر آیات قرآن در جهت منافع خود، می‌کوشیدند تا با نقاب دین، مردم را در برابر ظلم و فساد و بی‌عدالتی‌های خود به سکوت وا دارند و روح انقلاب را به سستی و خاموشی کشانند و در مقابل، نیروهای مبارز علیه خلفا را نامشروع معرفی کنند. در کنار این تلاش مذبحانه، برخی می‌کوشیدند تا به مردم القا کنند که قرآن توانایی پاسخگویی به نیازها و مسائل جدید بشری را ندارد. امام صادق علیه‌السلام با پدیده جعل حدیث و تحریف قرآن به‌شدت مبارزه کردند.^۲ تفسیرها و تبیین‌های زیادی از ایشان ذیل آیات قرآن، به-

۱. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ص ۱۰۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، صص ۲۱۷-

۲۱۸؛ اصفهانی، ابونعیم، حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۹۲،

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۳،



خصوص آیات متشابه نقل شده است. امام علیه السلام از تأویل نادرست باطن قرآن و تفسیر به رأی آن جلوگیری و با به صحنه آوردن قرآن در زندگی بشر و حل بسیاری از مشکلات اجتماع مسلمان به مدد مفاهیم بلند قرآنی، نظریه جامد بودن عبارتهای قرآن را نقض کردند و به همگان اعلام داشتند که قرآن از همراهی با واقعیت‌های متغیر و روبه‌رشد جامعه عاجز نیست و شایسته نیست قرآن در قالب تنگ ظواهر محدود شود.^۱

۲. دوره تهدید و فشار عباسیان بر امام

عباسیان در شرایطی به خلافت رسیدند که برنامه‌ها و فعالیت‌های امام صادق علیه السلام گسترش یافته و فرهنگ مورد نظر ایشان از سوی جامعه پذیرفته شده بود. به عبارت دیگر، امام علیه السلام مرجعیت مردم را در حل مشکلات فکری، عقیدتی و سیاسی عهده‌دار بودند. ایشان نه تنها محل رجوع علما و سیاستمداران، بلکه محل رجوع عوام هم به‌شمار می‌رفتند. با این حال، امام صادق علیه السلام همان سیاست گذشته را پیش گرفتند تا بتوانند هدفهای بلند خود را تحقق بخشند و به مردم بفهمانند که ماهیت بنی‌عباس با بنی‌امیه تفاوتی ندارد. دوران سفاح با چالش کمتری سپری شد، اما منصور، خلیفه عباسی، در این دوره به شیوه‌های متعدد همچون: گماردن جاسوس، احضار امام علیه السلام و انجام چندین عملیات ترور و ضبط اموال، ایشان را تحت مراقبت قرار داده بود^۲ و نسبت به فعالیت‌های آموزشی و فقهی آن

۱. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، صص ۱۵۱ تا ۱۵۴.

۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، صص ۲۶۴ تا ۲۷۵. استرآبادی، احمد بن تاج‌الدین، آثار احمدی تاریخ زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۵۱۷؛ مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ترجمه: محمدجواد نجفی، صص ۳۵۰-۳۵۱؛ شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: ساعدی خراسانی، ص ۵۲۷-۵۳۰؛ قمی، شیخ عباس، انوارالبهیة، صص ۲۵۲-۲۵۳.



حضرت سختگیری می‌کرد. وی با الحاق فقها، محدثان و مفسران مزدور به دستگاه خلافت، در صدد خنثی کردن فعالیت‌های روشنگرانه امام علیه‌السلام بود. خلفای عباسی برای تداوم قدرت نامشروع خویش و بستن راه هر گونه اعتراض، فضایی آکنده از رعب و وحشت و اختناق شدید توأم با طرح فلج‌سازی اقتصاد مخالفان را در جامعه دنبال می‌کردند.

مسئله مهمی که در این دوره مکتب تشیع را تهدید می‌کرد، اختلاف در مورد امر امامت بود. زیدیه، کیسانیه و... به‌عنوان فرقه‌هایی از شیعه داعیه‌دار امامت در این دوره بودند.^۱

۱.۱. منع شیعیان از ورود به معادلات سیاسی

امام صادق علیه‌السلام در این دوره با منع شیعیان از ورود به معادلات سیاسی و تأیید نکردن قیام محمدبن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) به جریان آرام و فعال سیاسی تداوم بخشیدند، از رویارویی نظامی با خلفا خودداری کردند^۲ و همچون جد بزرگوار خویش به دعا متمسک شدند تا خلفا دریابند که صادق آل محمد علیهم‌السلام قصد ندارد با آن‌ها درگیر شود. با این حال، امام علیه‌السلام هرگونه ارتباط با خلفا و ارجاع قضاوت‌ها به مراجع حکومتی را ممنوع اعلام کردند تا همه بدانند که در منظر امام علیه‌السلام ماهیت حکومت عباسیان و امویان یکسان است. ایشان به همین منظور، فقها و علمای وابسته به دستگاه حکومتی را سرزنش و نکوهش می‌کردند.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: منتظرالقائم، اصغر، تاریخ امامت، صص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۲. صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، ص ۱۶۹.



۲.۲. برنامه‌ریزی برای رهبری امت

امام صادق علیه السلام برای اشاعه امامت خاندان نبوت و تبیین مسئله امامت، یک شبکه سیاسی پنهان ایدئولوژیک تشکیل دادند و با تدابیری چند، امت را برای رهبری پس از خویش آماده کردند.^۱ ایشان در هر فرصتی امام کاظم علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی می‌کردند و برای هشدار انحراف، کسانی را که بنیان‌گذاران فرقه اسماعیلیه بودند، بر مرگ اسماعیل گواه گرفتند^۲ و برای مصون ماندن امام کاظم علیه السلام از توطئه‌های منصور، وصیت‌نامه سیاسی مدبرانه‌ای تنظیم کردند. ایشان در این وصیت‌نامه، منصور فرماندار مدینه و همسر و دوفرنشان را وصی قرار دادند.^۳ به این روش، نقشه منصور برای به قتل رساندن وصی امام علیه السلام نقش بر آب شد.

۳. شاخصه‌های سیره امام جعفر صادق علیه السلام

• انتخاب حرکت علمی به عنوان بهترین جایگزین برای حرکت سیاسی محکوم به شکست، که نتایج زیر را در برداشت:

یک. ظهور شیعه به عنوان مذهب کلامی مستقل در دانشگاه جعفری؛

دو. تربیت هزاران شاگرد در علوم مختلف؛

۱. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۸، صص ۲۸۲ تا ۲۹۰.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۰۱، طبرسی، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام - ترجمه ترجمه: عزیزالله عطاردی،

ص ۳۹۸؛ قطب راوندی، جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام، ترجمه: غلامحسین محرمی، ص ۴۵۶.

۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۹۶، سیدبن طاووس، مهج الدعوات، ترجمه: محمدتقی

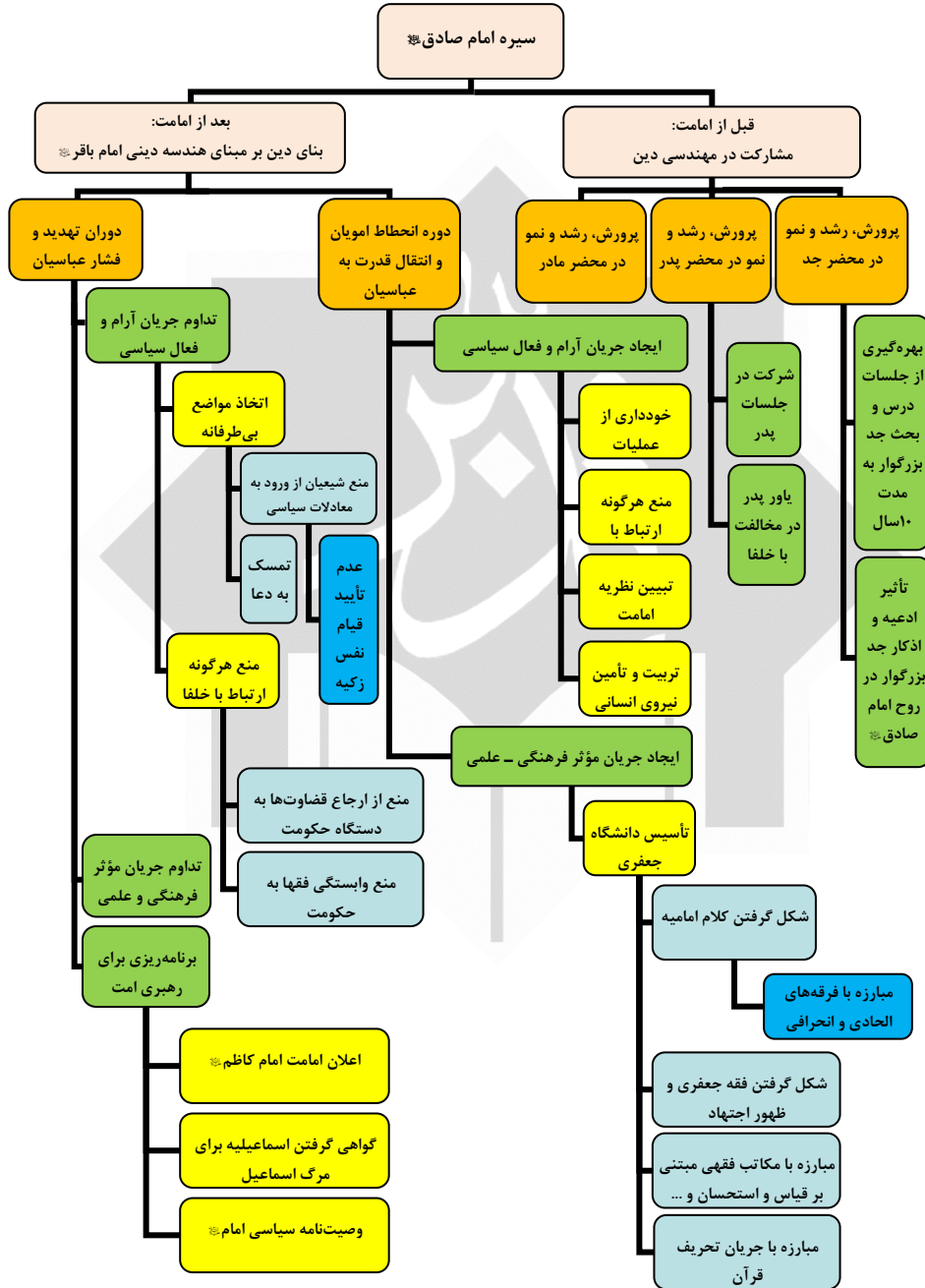
مجلسی، ص ۳۴۱؛ کلینی، اصول کافی، ترجمه: آیت الله کمره‌ای، ج ۲، ص ۴۷۳.



سه. بازگشت امامت به جایگاه و شأنیت خاص خود.

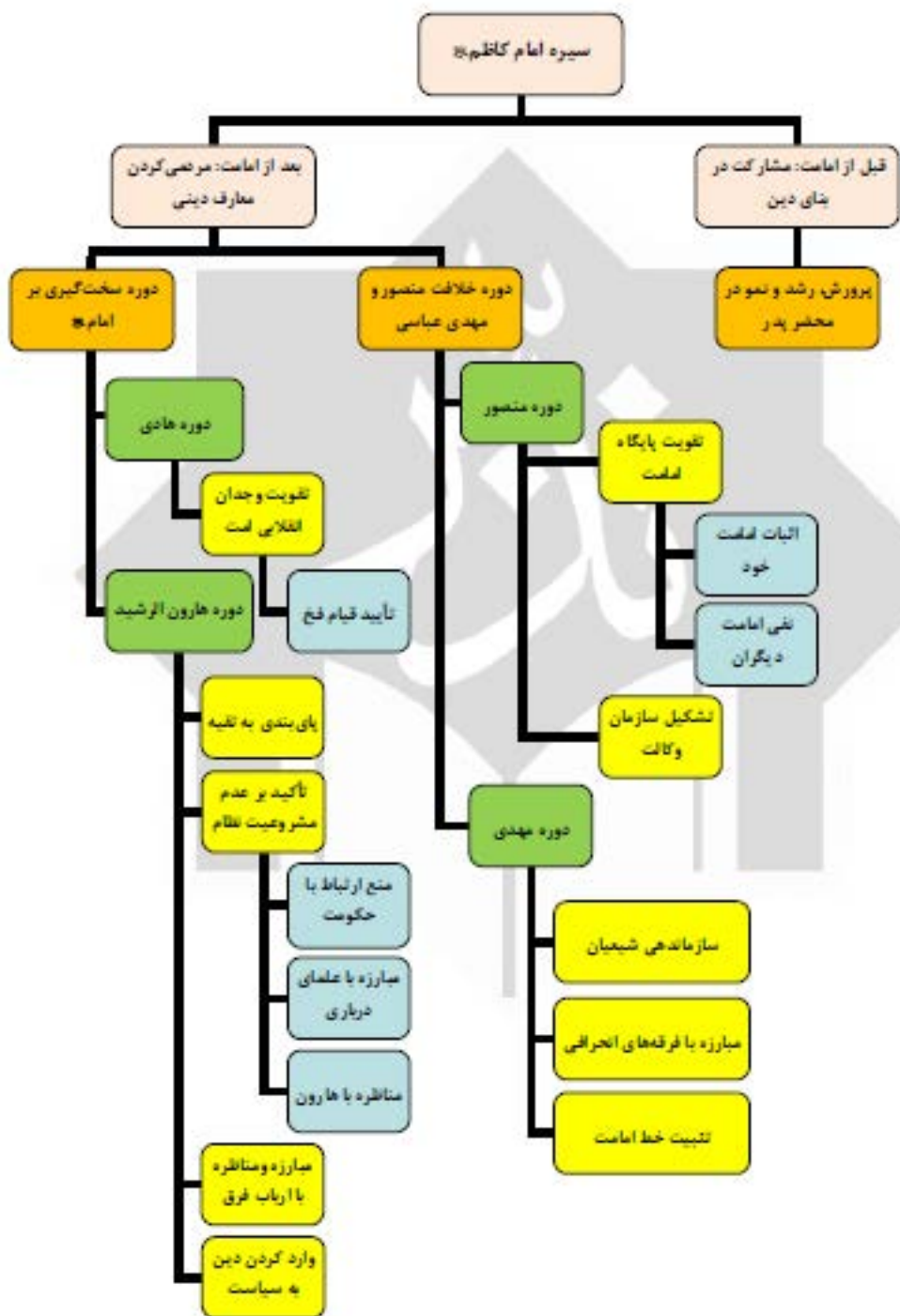


نقش امام صادق: بنای دین بر مبنای هندسه دینی امام باقر





نقش امام کاظم: مردمی کردن معارف دینی





فصل نهم

سیره امام کاظم علیه السلام



شناسه امام موسی کاظم علیه‌السلام

- نام مبارک: موسی
- کنیه شریف: ابو الحسن
- لقب مبارک: کاظم، عبد صالح
- پدر بزرگوار: امام صادق علیه‌السلام
- مادر گرامی: حمیده
- تاریخ ولادت: ۷ صفر سال ۱۲۸ هجری
- مکان ولادت: ابوا (یکی از روستاهای اطراف مدینه)
- تاریخ آغاز امامت: ۱۴۸ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۲۰ سالگی
- مدت زمان امامت: ۳۵ سال
- مدت عمر پربرکت: ۵۵ سال
- فرزندان: ۳۷ فرزند دختر و پسر از جمله حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام و حضرت معصومه علیها‌السلام
- تاریخ شهادت: ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری
- علت شهادت: مسمومیت به دستور هارون عباسی در زندان سندی بن شاهک



• مرقد مطهر: کاظمین

• خلفای زمان: منصور، مهدی، هادی، هارون

کودکی امام کاظم علیه السلام با انقراض بنی امیه و روی کار آمدن بنی عباس هم‌زمان بود. آن حضرت در کنار امام صادق علیه السلام بهره‌گیری پدر خود از فضای باز ناشی از انتقال قدرت و تلاش ایشان در شکل‌دهی و تقویت ساختار فکری و فرهنگی جامعه را شاهد بودند. با توجه به آشفتگی اجتماعی آن دوره و وجود فرقه‌های گوناگون، ابهامهای زیادی در مورد جانشینی امام صادق علیه السلام مطرح بود. امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط زمانه، از بدو تولد امام کاظم علیه السلام در جمع‌های خصوصی، ایشان را به‌عنوان جانشین خود معرفی می‌کردند و امام مؤمنان می‌خواندند.^۱

۱. دوره خلافت منصور و مهدی عباسی

پس از شهادت امام صادق علیه السلام منصور عباسی همچنان سیاست ستمکارانه خود را نسبت به شیعیان ادامه داد. خفقان شدید بر فضای عمومی جامعه حاکم، تعقیب، سرکوبی، آزار، حبس و قتل، هر روز و شب در انتظار شیعیان بود. حکومتیان از جریان عمیق و مستمر دعوت اهل بیت علیهم السلام مطلع و بیمناک بودند، به همین دلیل، موسی بن جعفر علیه السلام و یارانشان را به شدت کنترل می‌کردند. این فشارها در کنار شک و تردیدهای به وجود آمده در امامت امام موسی کاظم علیه السلام یکپارچگی شیعیان را تهدید می‌کرد. عباد... افطح مدعی

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴۸۲، طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام،

ترجمه: عزیزالله عطاردی، ص ۴۰۳.



امامت شده بود.^۱ اسماعیلیه و ناووسیه هم در امامت، صاحب ادعا بودند. در این دوره هم مانند دوره‌های قبل، فرقه‌های الحادی برای منحرف کردن مردم از مسیر مستقیم اهل بیت علیهم‌السلام آزادانه فعالیت می‌کردند. افکار مخرب مرجئه در اندیشه مردم به ویژه جوانان در حال ریشه دوانیدن بود. آنها بر این باور بودند که ایمان قلبی برای رستگاری کافی است و نیازی به ظهور ایمان در رفتار و سلوک آدمی نیست. به عقیده آنان، گناهیانی چون زنا، شرب خمر و... با ایمان هیچ تناقضی نداشت. خلفا هرگاه منافعشان ایجاب می‌کرد، با این فرقه‌ها همراه می‌شدند و گاهی در پوشش مبارزه با آنها و خشکاندن ریشه اندیشه‌هایی چون غلو، شیعیان را تحت فشار قرار می‌دادند، بدون آنکه متهمان واقعی را سرکوب کرده باشند. با تمام این فشارها و ظلم‌ها، شیعیان در مناطق مختلف پراکنده و تعدادشان افزایش یافته بود. در این دوره، فساد دربار در اجتماع هم رسوخ کرده بود. به جرأت می‌توان ادعا کرد که در این دوره ارزش‌های اخلاقی به شدت متزلزل شده و از هم پاشیده بود.^۲

۱.۱. تشکیل سازمان وکالت

امام موسی کاظم علیه‌السلام در چنین فضای ناآرامی برای مصون ماندن از تعرضات حکومت، سیاست تقیه را پیشه کردند.^۳ ایشان با تشکیل سازمان وکالت که دارای ساختاری منسجم

۱. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۹۴؛ نوبختی، ابو محمد حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص ۶۸.

۲. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام، صص ۳۷۹ تا ۳۸۴؛ خضری، احمد رضا،

تاریخ تشیع، ج ۱، صص ۲۶۰ و ۲۶۱؛ منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۹، ص ۷۹ تا ۹۲.

۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۴.



و منضبط بود؛ هم امور مالی منصب امامت را سامان می دادند و هم ارتباط خویش را از طریق وکیل با مردم حفظ می کردند.





۲،۱. سازمان‌دهی شیعیان

پس از منصور عباسی، رفتار حکومت نسبت به شیعیان تعدیل شد و آرامش نسبی به وجود آمده، اوضاع را به نفع شیعیان رقم زد. در شرایط به‌وجود آمده، امام علیه‌السلام به بازپروری و سازمان‌دهی شیعیان اقدام و در علم و فضیلت شاگردان زیادی را تربیت کردند. تعداد این شاگردان ۳۱۹ نفر گزارش شده است^۱ که با گرایش فکری به امام علیه‌السلام و خاندان نبوت به حل چالش‌ها پرداختند و با نوآوری‌های علمی هم‌اوردی کردند. امام کاظم علیه‌السلام با جمع‌آوری وجوه، به ساماندهی و تقویت شیعیان می‌پرداختند و با رهبران شیعه در نواحی مختلف ارتباط برقرار می‌کردند.

امام علیه‌السلام در راستای هدف‌های سیاسی خود، با خلیفه عباسی مناظره کردند و در آن به حق مسلم خویش در حکومت و شایستگی اهل بیت علیهم‌السلام برای هدایت سکان امت اشاره فرمودند. این مناظره و موقعیت امام علیه‌السلام خلیفه را چنان به وحشت انداخت که مجبور شد تا ایشان را زندانی کند.

۳،۱. تقویت پایگاه امامت

با توجه به تشکیک در امامت، امام موسی کاظم علیه‌السلام کوشیدند تا پایگاه امامت را مشخص و تقویت کنند. ایشان با اخبار غیبی، کرامات و... مردم را به رهبری شایسته امت رهنمون می‌کردند، بدون آنکه موضع خصمانه و پر از جنجال نسبت به مدعیان امامت اتخاذ کنند. امام علیه‌السلام در ادامه سیاست خویش مبنی بر برگرداندن اجتماع مسلمان به شاهراه اصلی رهبری سیاسی، هرگونه ارتباط با دستگاه حکومت را ممنوع اعلام کردند.

۱. مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۹، ص ۱۳۹.



۴،۱. مبارزه با فرقه های انحرافی و تثبیت خط امامت

امام کاظم علیه السلام برای به خاک نشانیدن فرقه‌های الحادی و کفرآمیز، اقدامهای گسترده‌ای را دنبال کردند؛ برای مثال، اصحاب خود را از هم‌نشینی با معتقدان تشبیه برحذر می‌داشتند و شاگردان توانمند خود را به مناظره با مخالفان و بیان عقاید کلامی شیعه تشویق می‌کردند. خود آن بزرگوار هم در مناظرات، شرکت فعال داشتند.^۱ بحث و مذاکره با پیشوایان مذاهب اسلامی در مراکز عمومی و تبیین نظریه امامت با هدف انتشار تفکر شیعی از دیگر برنامه‌های امام موسی کاظم علیه السلام به‌شمار می‌رفت.

۲. دوره حکومت هارون

در زمان هارون عباسی، سختگیری بر مردم به خصوص شیعیان شدت گرفت. ۱۴ سال از عمر شریف امام موسی بن جعفر علیه السلام با دوران هارون مصادف بود. در این دوره، دربار، جامعه مسلمان را تهدید می‌کرد. شکاف طبقاتی و فقر فراگیر شده بود. جنبش‌های ویرانگری چون مزدکیان که به رهایی از قید و بندهای اخلاقی معتقد بودند، در حال گسترش بود.^۲ هارون به خوبی به جایگاه امام علیه السلام و نقش فعالیت‌های بنیادین آن حضرت در براندازی حکومت فاسد خود آگاه بود. بنابراین، مکرر امام کاظم علیه السلام را زندانی و کنترل می‌کرد تا بدین وسیله ایشان را از صحنه اجتماع دور و فعالیتشان را محدود کند.

۱. نجاشی، ابوالعباس، رجال نجاشی، ص ۳۲۵، طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ترجمه: نظام‌الدین

احمد غفاری، ج ۴، صص ۱۴-۳۳.

۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۹، ص ۱۵۹.



زمانی اوضاع سخت‌تر شد که برخی از علویان به سخن‌چینی علیه امام علیه‌السلام پرداختند.^۱ هارون برای کسب محبوبیت اجتماعی تلاش می‌کرد تا خود را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت دهد و برای ظاهرسازی و عوام‌فریبی در زندانی کردن امام علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عذرخواهی کرد.^۲

۱.۲. تقویت وجدان انقلابی امت

این فعالیت امام علیه‌السلام را در دو مقطع خلافت هادی عباسی و هارون‌الرشید می‌توان بررسی کرد. دوره هادی عباسی، سختگیری بر شیعیان بالا گرفت. قیام فخ (۱۶۹ ق)، قیامی علوی بود که دستگاه حکومت را به خود مشغول کرده بود. امام علیه‌السلام با هدف بیدار ماندن وجدان انقلابی امت اسلامی، قیام فخ را تأیید و پس از شهادت صاحب فخ، برای وی تقاضای اجر و پاداش الهی کردند.^۳ هارون در آن جو آمیخته به اختناق، به علت وحشتی که از جایگاه اجتماعی امام کاظم علیه‌السلام داشت، بارها امام علیه‌السلام را نزد خود فرا خواند. امام علیه‌السلام هم دعوت‌های او را اجابت فرمودند. ایشان در مقام پاسخ به کسانی که از علت این کار سؤال می‌کردند، فرمودند که بر مبنای حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمانبرداری از سلطان به منظور تقیه واجب است. همچنین ایشان به آن دسته از یاران خود که در دستگاه

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ج ۱، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۳۸، مجلسی، مرآة العقول فی شرح الاخبار آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ج ۴۶، ص ۱۵۵.



حکومتی هارون صاحب منصب بودند، فرمان تقیه دادند.^۱ در همین راستا، امام کاظم علیه السلام در سالهای زندانی بودن نیز به امام رضا علیه السلام سفارش کردند که از هرگونه فعالیت سیاسی خودداری کنند که این امر برای حفظ جان امام رضا علیه السلام واجب بود.

۲.۲. تأکید بر مشروعیت نداشتن نظام

امام کاظم علیه السلام با هدف نشان دادن تفاوت بین مکتب اسلام و حکومت وقت و تأکید بر عدم مشروعیت نظام، اصحاب و یاران خود را به قطع روابط با حکومت توصیه می کردند. (ماجرای صفوان در خصوص سپردن کاروان شتر خویش به حکومت و ممانعت امام علیه السلام از این کار) و ارجاع دعاوی به محاکم حکومتی را ممنوع اعلام کردند.^۲ از سوی دیگر، امام علیه السلام برای حفظ موجودیت شیعیان، آگاهی کامل به برنامه های سیاسی حکومت، تأثیرگذاری بر سیاست عمومی و تأمین مصالح امت اسلامی، به افرادی همچون علی بن یقطين^۳ و حفص بن غیاث کوفی^۴ اجازه حضور در دستگاه حکومت را داده بودند. امام علیه السلام برای حفظ ساختار اصیل اسلام و جلوگیری از تحریف شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با علمای خود فروخته و فاسدی که به دربار خدمت می کردند، به مقابله

-
۱. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، صص ۳۲۵ تا ۳۳۷، جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۳۲.
 ۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۹، صص ۱۸۴ تا ۱۸۶، مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، صص ۱۰۷-۱۰۸.
 ۳. الطوسی، اختیار معرفة الرجال، صص ۴۳۰ تا ۴۳۳، جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۱، ص ۸۳.
 ۴. نجاشی، ابوالعباس، رجال نجاشی، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.



پرداختند، آنها را محکوم و خطاها و انحراف‌هایشان را به همگان اعلام کردند.^۱

همچنین ایشان برای خنثی کردن عوام‌فریبی‌های هارون، با او مناظره و گفتگو کردند. به‌عنوان مثال، امام علیه‌السلام در مرقد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هارون مناظره و در آن گفتگو، نسبت جد را بر نسبت عمو برتر معرفی کردند.^۲ امام علیه‌السلام در مناظره‌ها و احتجاج‌های خود علیه خلافت، موضع‌گیری صریح داشتند و خلافت را حق خود دانستند. ایشان با تعیین محدوده فدک، کل ممالک اسلامی را قلمرو فدک و به عبارتی حکومت اسلامی و حق خویش اعلام کردند.^۳

۳،۲. مبارزه و مناظره با ارباب فرق

امام کاظم علیه‌السلام در این دوره هم با فرقه‌های گوناگون، به‌ویژه معتزله در مورد توحید و صفات خدا گفتگوهای زیادی داشتند. ایشان در ترسیم اندیشه صحیح توحیدی از مضامین قرآنی بهره برده و به معتزله هشدار دادند که از محدوده قرآن خارج نشوند.^۴ نفوذ معنوی امام علیه‌السلام در جامعه و توجه شدید مردم به ایشان، کثرت وجوهات مالی رسیده به امام علیه‌السلام، روشنگری امام علیه‌السلام از جهات عقیدتی و فکری و ادعای خلافت نزد هارون،

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، صص ۲۰۶ تا ۲۰۸؛ منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۹، صص ۱۰۵ تا ۱۰۷.

۲. فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ترجمه: مهدوی دامغانی، ص ۳۵۵؛ طبری، محمدبن جریر، دلائل الامامه، ص ۲۵؛ طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۹۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۴، ادیب عادل. زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۲۰۹.

۳. ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۲۱۱.

۴. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، صص ۴۰۹ تا ۴۱۰.



زمینه زندانی شدن امام علیه السلام را فراهم کرد. تأثیرگذاری امام کاظم علیه السلام در زندان سبب شد تا هارون، ایشان را در زندان سندی بن شاهک به قتل برساند.^۱

۳،۲. اهتمام به تربیت خواص

از بررسی و مقایسه فعالیت‌ها و برنامه‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام در می‌یابیم که ایشان با ادامه راه پدر در تربیت شاگردان، به سازماندهی خواصی پرداختند تا از طریق آنها معارف دینی به مردم عرضه شود. کاملاً روشن است که تک‌تک مردم را نمی‌توان هدایت کرد، اما جریان‌ها به خوبی می‌توانند مردم را در مسیر دلخواه حرکت دهند. بنابراین، شاگردپروری و سازماندهی آنها از سیاست‌های امام موسی کاظم علیه السلام به‌شمار می‌رفت تا با این جریان پویا، عموم را به مسیر مستقیم رهنمون شوند.

امام علیه السلام با قرار دادن نیروهای نفوذی در دستگاه حکومت، طرح جدایی دین از سیاست را مردود دانستند و خط بطلانی بر سکولاریزم کشیدند. ایشان با حرکتی حساب شده، ارتباط خود را با مردم حفظ و مکتب شیعه را به آنها معرفی می‌کردند. ازدواج‌های متعدد ایشان با قبایل مختلف، انفاق‌های بسیار به مردم و... شواهدی بر این حرکت حساب شده است. امام علیه السلام با مناظره‌های خود به هدایت قولی و با حضور در اجتماع، به هدایت عینی امت اقدام کردند. برای روشن شدن موضوع می‌توان گفت نقش امام خمینی علیه السلام در مردمی کردن دین، برگرفته از سیره و روش موسی بن جعفر علیه السلام بود.

۱. ابن طقطقی، محمد بن علی، تاریخ فخری، ص ۱۹۶، شیخ مفید، ارشاد، ترجمه: ساعدی خراسانی، ص ۵۵۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه: عزیزالله عطاردی، ص ۴۰۱؛ قمی، شیخ عباس، انوارالبهیه، ص ۳۰۲.



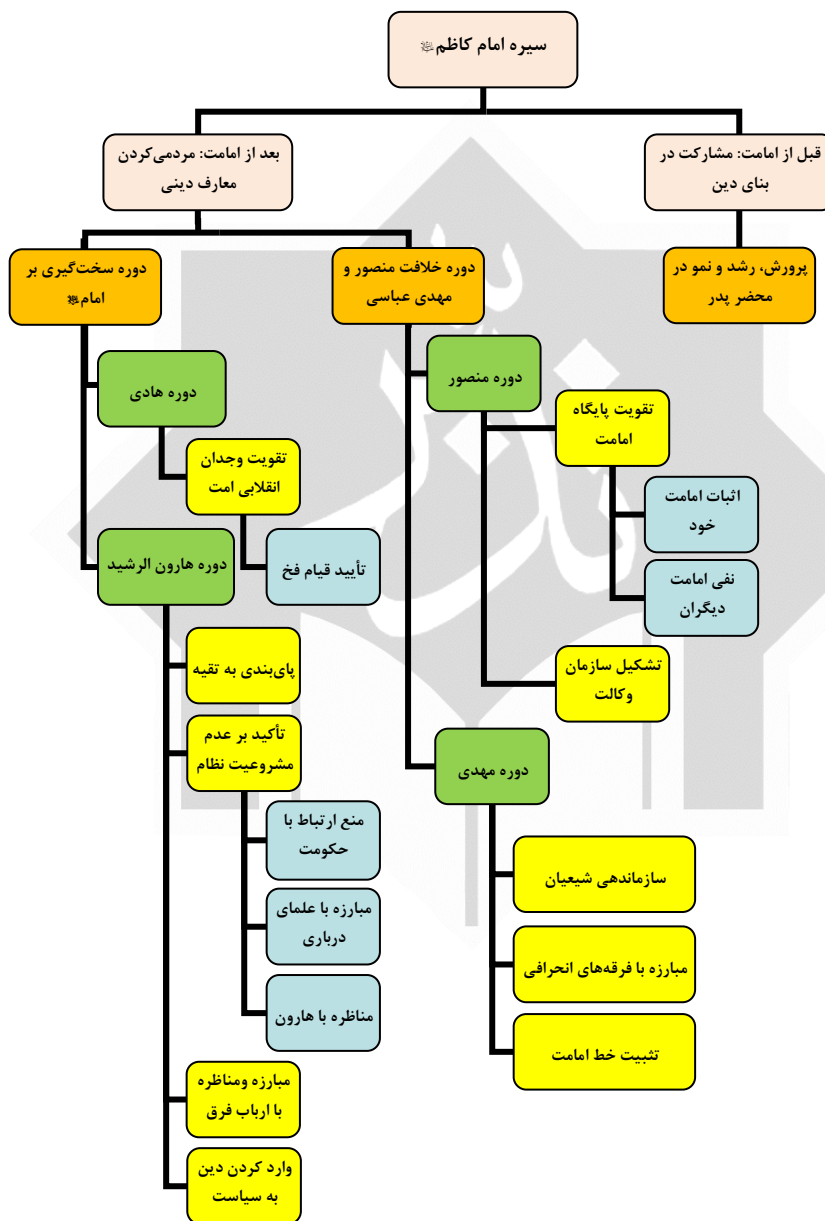
۳. شاخصه‌های سیره امام موسی کاظم علیه‌السلام

- پاسدار دانشگاه جعفری
- تشکیل سازمان وکالت با هدف:
یکم. برقراری ارتباط با شیعیان از طریق وکلا
دوم. ساماندهی امور مالی
- افزایش نفوذ معنوی امام علیه‌السلام
- توانمندسازی اقتصادی شیعه و گسترش فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی امام علیه‌السلام





نقش امام کاظم علیه السلام: مردمی کردن معارف دینی







فصل دهم

سیره امام رضا



Edited with the demo version of
Infix Pro PDF Editor

To remove this notice, visit:
www.iceni.com/unlock.htm



شناسه امام رضا علیه‌السلام

- نام مبارک: علی
- کنیه شریف: ابوالحسن
- لقب مبارک: رضا
- پدر بزرگوار: امام موسی کاظم علیه‌السلام
- مادر گرامی: تکتّم (طاهره)
- تاریخ ولادت: ۱۱ ذی‌القعدة سال ۱۴۸ هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: سال ۱۸۳ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۳۵ سالگی
- مدت زمان امامت: ۲۰ سال
- عمر پربرکت: ۵۵ سال
- فرزند: امام جواد علیه‌السلام
- تاریخ شهادت: ۳۰ صفر سال ۲۰۳ هجری
- علت شهادت: مسمومیت بر اثر زهر
- مرقد مطهر: مشهدالرضا



- خلفای زمان: هارون، مأمون





امام رضا علیه‌السلام در پیروی از امام کاظم علیه‌السلام در جهاد فرهنگی آن حضرت شرکت داشتند. ایشان در مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جلسات درس برگزار می‌کردند و به سؤال‌های مردم پاسخ می‌گفتند.

در سال‌های ۱۷۹-۱۸۳ هجری که امام کاظم علیه‌السلام در زندان هارون‌الرشید به سر می‌بردند، امام رضا علیه‌السلام به دیدار پدر می‌رفتند و سفارش‌ها و توصیه‌های آن حضرت را دریافت و اجرا می‌کردند.

بدین ترتیب، با وجود امام رضا علیه‌السلام مردم غیبت امام کاظم علیه‌السلام را احساس نکردند و از برکات وجود امام کاظم علیه‌السلام با واسطه امام رضا علیه‌السلام بهره بردند. در این مدت، امام رضا علیه‌السلام به توصیه امام کاظم علیه‌السلام هیچ اقدام عملی در برخورد با حکومت هارون‌الرشید یا در راستای آزاد کردن پدر خود انجام ندادند. این امر موجب شد تا از یک‌سو دستگاه خلافت از جانب امام رضا علیه‌السلام احساس خطر نکند و از سوی دیگر، مردم نسبت به امامت امام رضا علیه‌السلام بعد از امام کاظم علیه‌السلام یقین حاصل کنند.

۱. دوره پیش از ولایتعهدی

پس از شهادت امام موسی کاظم علیه‌السلام در امامت امام رضا علیه‌السلام نیز تشکیک شد. فرقه واقفیه اندیشه خود مبنی بر وفات نکردن امام موسی بن جعفر علیه‌السلام را در بین مردم ترویج کرد.^۱ انحرافات فکری موجود در جامعه از سوی خلافت، برای مشغول نگاه داشتن مردم به

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۰۶؛ عطاردی، عزیزالله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه‌السلام، ص ۸۰۴؛ جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در زمان، ج ۲، صص ۶۴۳-۶۴۴؛ نوبختی، حسین بن موسی، ترجمه: محمدجواد مشکور، صص ۷۲-۷۳.



امور غیر ضروری و غفلت از فساد حکومت حمایت می‌شد. یهودیان، مسیحیان و صابئیان هم، در سایه آزادی عملی که سبب شکل‌گیری فرقه‌های مختلف شده بود، عقاید خود را طرح کردند.^۱ حکومت فاسد عباسی به ویژه در عصر هارون الرشید از هر ابزاری برای قداست بخشیدن به خود بهره می‌جست. بسیاری از جاعلان حدیث و شاعرانی که به این کار می‌پرداختند، از سوی خلفای عباسی تشویق و حمایت می‌شدند. دستگاه خلافت برای محو کردن خط اهل بیت علیهم السلام در جامعه، به فرقه‌های مختلف فکری و عقیدتی، به‌ویژه واقفیه و غلات میدان می‌داد تا مردم در بازشناسی مسیر اهل بیت علیهم السلام سردرگم بمانند و ره به بیراهه ببرند.

رفاه‌زدگی و اشرافیت خلفای عباسی در این دوره، نظام اقتصادی جامعه را متزلزل کرده بود. بیت‌المال حق مسلم آنها به‌شمار می‌رفت. آنها برای حفظ اقتدار پوشالی خود از این منبع مالی نهایت استفاده را می‌کردند.^۲ ده‌سال اول امامت امام رضا علیه السلام مقارن با حکومت هارون بود. هارون به دلیل ترس از عواقب قتل امام موسی کاظم علیه السلام و فزونی گرفتن قیام‌های علویان، بر امام رضا علیه السلام سخت نمی‌گرفت. امام رضا علیه السلام در چهار سال اول، هیچ حرکت سیاسی علنی و جمعی نداشتند، به گونه‌ای که هارون در گزارش‌های جاسوسان خود شک می‌کرد. پس از این دوره، با پیدایش اختلاف‌های داخلی در دستگاه خلافت عباسی و حذف برمکیان، پرداختن امام علیه السلام به امور شرعی و رفتن هارون به خراسان، فرصتی پیش آمد تا امام رضا علیه السلام امامت خود را علنی کنند.^۳ پنج‌سال مناقشات

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۷۵؛ مندرحکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، ص ۹۲.

۲. مندرحکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، صص ۹۸ تا ۱۰۱.

۳. مندرحکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، صص ۸۸ و ۸۹.



بین امین و مأمون، فرصت برخوردار با امام علیه‌السلام را به دستگاه حکومت نمی‌داد.^۱ فرهنگ‌های بیگانه نیز در دوره مأمون در حال نفوذ در جامعه بود. در دوره مأمون، بر اثر ترجمه آثار علمی یونان، هند و ایران باستان، افکار بیگانه وارد جهان اسلام شد. این امر علاوه بر تأثیری که در رشد فرهنگ بشری داشت، سبب رشد التقاط در جامعه گردید و برخی مبانی اصیل اندیشه اسلامی مانند توحید، زیر سؤال رفت.

۱.۱. اصلاحات فکری، اخلاقی و اقتصادی

امام رضا علیه‌السلام در چنین فضایی برای هدایت مردم به خط رهبری اهل بیت علیهم‌السلام به مبارزه با واقفیه برخاستند و توطئه حکومت را خنثی کردند. امام علیه‌السلام این کار را از طریق برحذر داشتن شیعیان از دادن زکات به آنان (نبرد اقتصادی)، منع شیعیان از هم‌نشینی و مصاحبت با آنان (نبرد اجتماعی)، کافر، مشرک و ملحد شمردن آنان (نبرد عقیدتی)، مناظره‌های علمی با آنان و رد کردن عقاید واقفیه، معرفی خود، اثبات امامت، تبیین و افشای اشتباه‌های منحرفان از حقیقت انجام دادند.^۲ امام رضا علیه‌السلام در این دوره از فرصت به‌دست آمده استفاده کردند و با اقدامهای اصلاحی خود در حوزه‌های مختلف به پیشبرد هدف‌های تمدن توحیدی پرداختند و همچنان اصلاحات اخلاقی در برنامه‌های ایشان می‌درخشید.

امام علیه‌السلام الگوی عملی اخلاق نبوی بودند و بدین طریق، روح سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در

۱. خضری، احمد رضا، تاریخ تشیع، ج ۱، صص ۲۶۹ تا ۲۷۱.

۲. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۳۳۵.



کالبد جامعه دمیدند و با تربیت بردگان و گروه‌های مختلف، جریانی در جامعه به وجود آوردند تا اصلاح اخلاقی جامعه را عهده‌دار باشند.^۱ ایشان در حیطه اقتصادی نیز با نگارش رساله‌ای، احکام اقتصادی را بیان فرمودند و تخلف از اصول اقتصاد اسلامی را گناه کبیره معرفی کردند. همچنین برای تکمیل اصلاحات اقتصادی و تصحیح نگرش نادرست به ارتباط دین و دنیا، با تصوف و برداشت‌های غلط از زهد به مبارزه برخاستند.^۲

۲.۱. توسعه پایگاه مردمی اهل بیت

امام رضا برای تحکیم پایگاه‌های مردمی و ارتباط مستقیم با آنان به شهرهای مختلفی مانند بصره، کوفه و... سفر داشتند تا با بحث و مناظره با دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان و گفتگو با مردم، امامت خود را تبیین و خط رهبری اهل بیت را روشن کنند.^۳ امام در این دوره در مدینه محبوبیت و موقعیت والایی داشتند، به طوری که مرجع و پناهگاه مردم به‌شمار می‌رفتند. ایشان در مسجدالنبی می‌نشستند و فتوا می‌دادند. امام رضا با این روش ۳۰۰ شاگرد را آموزش و تعلیم دادند.^۴ مأمون پس از به قدرت

۱. مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، صص ۱۳۲ تا ۱۳۹.

۲. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن، رساله قشیریة فی علم التصوف، ترجمه: بدیع الزمان فروزانفر، ص ۷، حرعاملی، محمدبن حسن، الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه، ج ۲، ص ۵۷، مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، ص ۱۲۷.

۳. ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۲۲۸. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، ج ۲، صص ۳۹۶-۴۳۲.

۴. برای اطلاع بیشتر. ک: شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا،



رسیدن، در فرونشاندن قیام‌های علویان و کسب حمایت مردمی ناتوان شده بود. او تنها راه گریز را دعوت از امام علیه‌السلام برای رفتن به مرو دید؛ تا هم تنش‌ها را از بین ببرد و هم ارتباط امام علیه‌السلام را با مردم قطع کند و ایشان را کاملاً تحت کنترل قرار دهد.^۱ امام علیه‌السلام این دعوت را نپذیرفتند اما با اصرار مأمون، ایشان با خانواده، حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کعبه با زبان دعا و اشک وداع کردند و از مدینه با حالت ناراحتی خارج شدند و برای اعتراض، خانواده خود را به همراه نبردند. با این سیاست، مدینه از اکراه و نارضایتی پر شد و همگان دانستند که مأمون پیشنهاد خود را به امام علیه‌السلام تحمیل کرده است.^۲

۲. دوره پس از ولایتعهدی

۱.۲. آشنا کردن مردم با سیره سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام

مأمون دستور داد تا امام رضا علیه‌السلام را از مسیرهایی که شیعه در اقلیت بود، عبور دهند تا مبادا با استقبال دوستداران مواجه شوند.^۳ امام علیه‌السلام با پاسخگویی به سؤال‌های مردم و بروز کرامات، با آنان ارتباط برقرار می‌کردند. به‌عنوان مثال، در نیشابور برای تبیین توحید و اتصال اهل بیت علیهم‌السلام به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در نهایت، مبدأ وحی و طرح جایگاه خود

ج ۲، صص ۱۵۰ تا ۲۷۷.

۱. همان، صص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۲. برای اطلاع بیشتر تر ر. ک: شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام،

ج ۲، صص ۴۴۴ تا ۴۴۶. قمی، شیخ عباس، انوارالبهیة، ص ۳۴۸؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. فضل‌الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه‌السلام، ترجمه: سیدمحمدصادق عارف، ص ۱۳۳، مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، صص ۱۲۹-۱۳۰.



به‌عنوان امام بر حق و شرط توحید دانستن آن، حدیث سلسله‌الذهب را ایراد فرمودند.^۱ برخلاف تمایل مأمون برای جلوگیری از نفوذ معنوی امام علیه السلام در بین مردم، گزارش‌های رسیده از سیره عملی و عبادی ایشان در این سفر از نفوذ بی‌سابقه امام علیه السلام خبر می‌دهد.

۲،۲. انجام اصلاحات با نشر معارف اهل بیت علیهم السلام

مأمون پس از حضور در مرو، خلافت را به امام رضا علیه السلام پیشنهاد و با نپذیرفتن امام علیه السلام ایشان را با تهدید مجبور به پذیرش ولایتعهدی کرد.^۲ بنابر این، امام علیه السلام با قرار دادن شروطی، ولایتعهدی را پذیرفتند؛^۳ اما در گفتار و رفتار خود، نارضایتی خویش را ابراز کردند. امام علیه السلام در این دوره برای تصحیح اندیشه و باورهای اعتقادی مردم، با تفسیر آیات قرآن و تبیین اصل توحید که مهم‌ترین اصل اعتقادی مورد بحث آن روز بود، به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام پرداختند. ایراد خطبه توحیدیه، شاهد دیگری بر این مدعاست.^۴ از دیگر عرصه‌هایی که نقش برجسته امام علیه السلام را می‌توان در آن مشاهده کرد، حوزه

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۷، قمی، شیخ عباس، انوارالبهیه، ترجمه: محمد محمدی اشتهاردی، قم: ناصر ۱۳۸۰، ص ۳۵۳؛ المرعشی التستری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۲، ص ۳۸۷.

۲. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ج ۲، صص ۴۵۱ تا ۴۵۳، مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۳۴؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳. اربلی، کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام، ترجمه: علی بن حسین زواره‌ای، ج ۳، ص ۱۰۲، مرتضوی، سید محمد، ولایت عهدی امام رضا علیه السلام، صص ۷۴ تا ۷۶.

۴. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ج ۲، صص ۵۲۶ تا ۵۳۲، فضل الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ترجمه: سید محمدصادق عارف، ص ۱۳۹.



سیاست است. امام علیه‌السلام با پذیرش ولایتعهدی، اندیشه نادرست جدایی دین از سیاست را تصحیح فرمودند.

۳،۲. جهانی کردن تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام

مأمون با برگزاری مجالس مناظره در دربار، می‌کوشید تا امام علیه‌السلام را به لحاظ علمی محک بزند و شکست علمی و تحقیر شخصیتی ایشان را دنبال کند، اما امام علیه‌السلام همیشه در مناظره‌های علمی دربار با علمای مسلمان و غیر مسلمان پیروز میدان بودند.^۱ امام رضا علیه‌السلام در این مناظرات، برای هر شخص از کتاب آسمانی خودش دلیل می‌آوردند و با زبان خود مخاطب با وی سخن می‌گفتند. مضامین مناظره‌های ایشان مبنی بر توحید، نبوت و امامت بود. در سایه این مناظرات، مردم از بسیاری از انحرافات فکری و التقاط‌های عقیدتی نجات می‌یافتند. امام علیه‌السلام از دستگاه خلافت برای طرح داعیه امامت شیعی در سطح عظیم جهانی نهایت استفاده را بردند.

۴،۲. خنثی کردن آخرین هدف‌های مأمون

مأمون می‌کوشید تا از طریق امام علیه‌السلام دیدگاه مردم را نسبت به خود و حکومتش اصلاح کند؛ به‌عنوان مثال، از امام رضا علیه‌السلام خواست تا نماز فطر را اقامه کنند.^۲ امام علیه‌السلام با هدف

۱. فضل‌الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه‌السلام، ترجمه: سید محمدصادق عارف، صص ۲۰۰ تا ۲۱۵. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه‌السلام، ترجمه: سید محمد صالحی، ج ۱، ص ۴۵.

۲. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام، ج ۲، صص ۵۵۱ تا ۵۵۳؛ یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام، ترجمه: حسین علی عربی، ج ۲، ص ۳۲۲؛



احیای سنت و سیره پیامبر ﷺ پذیرفتند نماز را اقامه کنند. حرکت برای اقامه نماز به سنت پیامبر ﷺ تأثیر گذاری عمیقی در مردم به ویژه سپاهیان مأمون گذاشت. در نتیجه، مأمون از اقامه نماز توسط امام ﷺ ممانعت کرد.^۱

با حضور امام ﷺ و عملکردهای مثبت ایشان، مأمون نمی‌توانست اوضاع را کنترل کند. مردم امام ﷺ را با مأمون مقایسه می‌کردند و از سیره عملی امام ﷺ (ساده‌زیستی، دوری از زرق‌وبرق دستگاه خلافت، داشتن مراتب علم و عمل و زهد و...) تأثیر پذیرفته و ایشان را برای خلافت و حکومت شایسته می‌دانستند.

با توجه به نزدیکی زمانی دوره امام رضا ﷺ به ولایت حضرت مهدی ﷺ، آن حضرت به توجه دادن مردم به مسئله مهدویت و تبیین ماهیت این اصل اسلامی، بیان روایاتی در زمینه بشارت ظهور مهدی ﷺ، معرفی ایشان و بیان ویژگی‌های عصر ایشان می‌پرداختند.^۲

امام رضا ﷺ به انگیزه دفاع از حقوق ستمدیدگان و پیاده کردن احکام قضایی بر اساس آموزه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ در برخی از محاکم در کنار مأمون حضور می‌یافتند^۳ و همچنین آن حضرت به منظور جلوگیری از نفوذ دشمنان و حفظ مصلحت مسلمانان، در مسائل اداری و حکومتی وارد شده و ارشادات ارزشمندی ارائه می‌کردند؛ برای مثال

معروف الحسنی، هاشم، زندگانی دوازده امام ﷺ، ج ۲، ص ۴۱۰.

۱. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا ﷺ، ج ۲، صص ۵۵۱ تا ۵۵۳.

۲. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، صص ۲۲۶ تا ۲۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده

معصوم ﷺ، ترجمه اعلام الوری، ترجمه: عزیزالله عطاردی، ص ۵۵۹.

۳. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، ص ۲۰۴.



از گماردن تازه‌مسلمان‌ها برای اداره امور مرزی سرزمین‌های اسلامی ممانعت فرمودند.^۱



۱. مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۰، ص ۲۰۵.



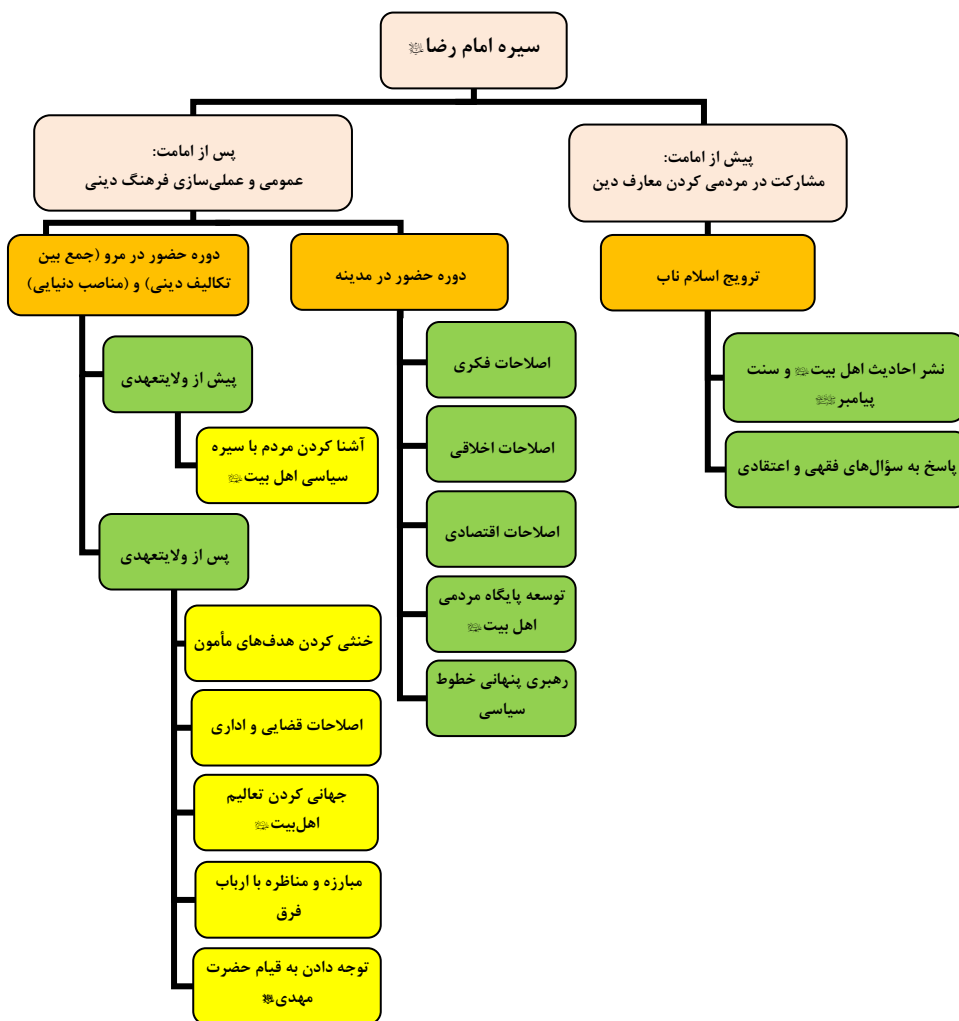
۳. شاخصه‌های سیره امام رضا علیه السلام

- عمومی‌سازی امر امامت
- حضور فعال امام علیه السلام در مبارزه‌های فکری و عقیدتی و نجات جامعه از انحرافهای فکری و التقاط عقیدتی (به‌ویژه در مسئله توحید)
- نقل گزارش‌های مفصل سیره عملی و زندگی امام علیه السلام و نحوه برخورد ایشان با مردم، حاکمان، زبردستان و... (به‌خاطر مسئله ولایتعهدی، این گزارش‌ها نسبت به دیگر ائمه بیشتر نقل شده است.)

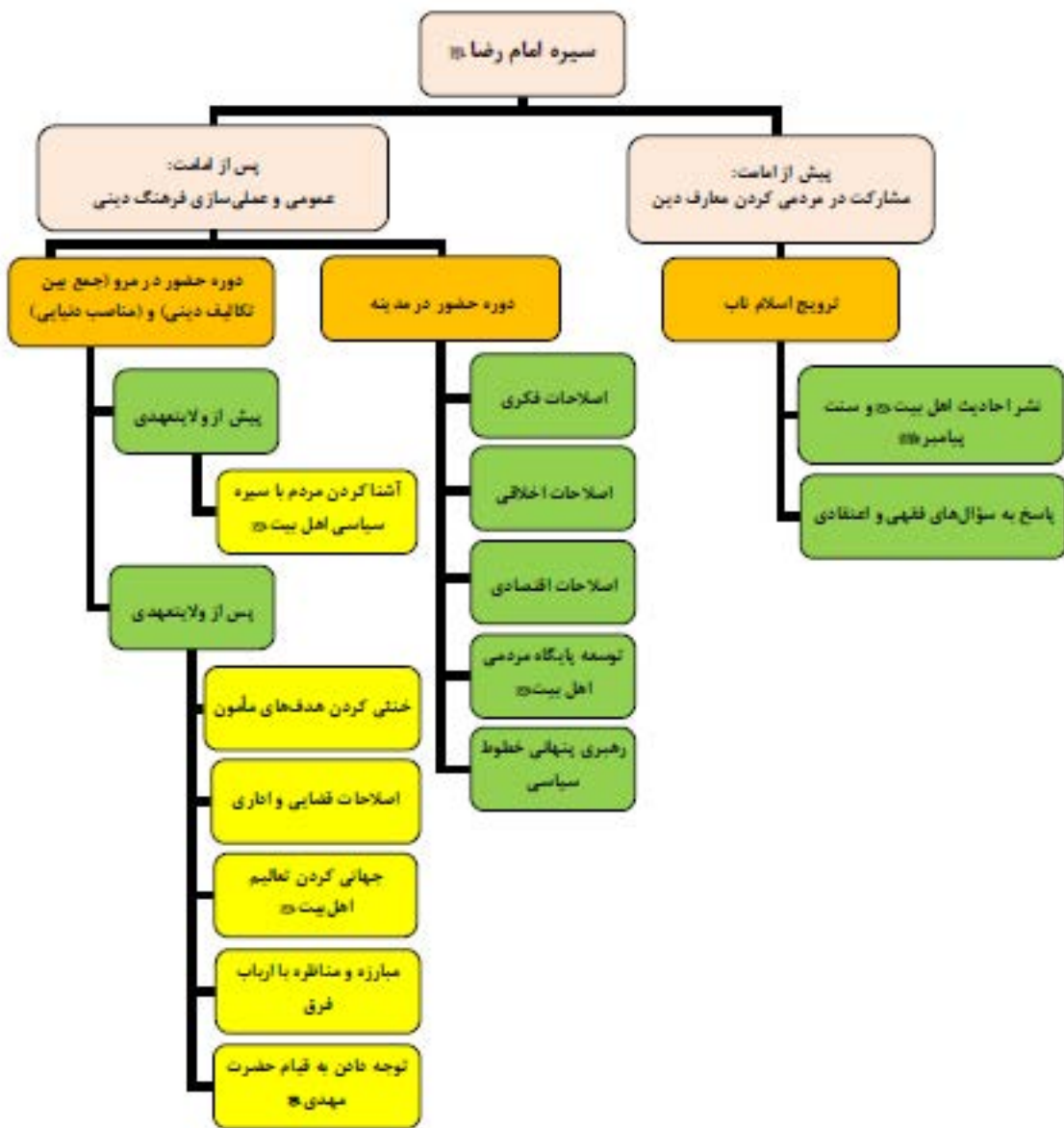




نقش امام رضا علیه‌السلام: عمومی و عملی‌سازی فرهنگ دینی



نقش امام رضا: عمومی و عملی سازی فرهنگ دینی



نقش امام جواد^{علیه السلام}: تبیین و پاسخگویی به ریزترین مسائل دین

سیره امام جواد^{علیه السلام}

بعد از امامت: تبیین و پاسخگویی
به ریزترین مسائل دین

دریافت علوم امامت از پدر

قبل از امامت: مشارکت در ترویج
عمومی سازی اسلام ناب

توجه به مسائل اجتماعی
و رسیدگی به مردم

زمینه سازی برای غیبت
امام معصوم^{علیه السلام} در جامعه

بر خورد با فرقه های ضاله

پذیرش دعوت مأمون و
عزیمت به بغداد

اثبات امامت خویش و
حقانیت مرجعیت شیعه

ارائه سیره و سنت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در مقابل تجملات
و اعمال خلاف شرع دربار

حضور فعال در جلسات مناظره

ورود فقاہت شیعه
در ریزترین احکام
اجرائی دین



فصل یازدهم

سیره امام جواد علیه السلام



شناسه امام جواد

- نام مبارک: محمد
- کنیه شریف: ابو جعفر ثانی
- لقب مبارک: جواد، تقی
- پدر بزرگوار: امام علی بن موسی الرضا
- مادر گرامی: بانو خیزران
- تاریخ ولادت: دهم رجب سال ۱۹۵ هجری
- مکان ولادت: مدینه
- سن آغاز امامت: ۸ سالگی
- تاریخ رسیدن به امامت: ۲۰۳ هجری
- عمر پر برکت: ۲۵ سال
- فرزندان: امام هادی، موسی، حکیمه، خدیجه، فاطمه
- تاریخ شهادت: آخر ذی القعدة سال ۲۲۰ هجری
- علت شهادت: مسمومیت به دستور معتصم عباسی توسط همسرشان ام الفضل
- مرقد مطهر: کاظمین
- خلفای زمان: مأمون و معتصم



۱. پیش از شهادت پدر

امام جواد مدت کوتاهی از عمر مبارک خود را در کنار امام رضا سپری کردند. در این مدت، امام رضا در جواب سؤال از جانشین خود، امام جواد را به عنوان جانشین خود معرفی می کردند^۱ و بر این نکته که خردسالی زبانی به امامت نمی رساند، تأکید می فرمودند؛ چنان که در مجلسی حاضران را به تجدید پیمان با امام جواد امر کردند.^۲ امام رضا حتی زمانی که در مرو به سر می بردند، امام جواد را بسیار اکرام می کردند و ایشان را با کنیه نام می بردند.

۲. پس از شهادت پدر

در این دوره، ترجمه کتاب های یونانی، هندی و ایرانی به زبان عربی و ترجمه کتاب های اسلامی به سایر زبان ها اوج گرفته بود. این دوره، دوره طلایی جنبش های علمی به شمار می رفت. مرکز خلافت، محل رفت و آمد علما و دانش دوستان بود. مراکز مختلف علمی در آن روزگار فعال و به نشر علم مشغول بود. فرقه های مختلف اعم از اهل حدیث، واقفیه، زیدیه، غلات، معتزله و... رواج داشت. حکومت هم از فرقه مورد نظر خود حمایت می کرد. در این دوره، اعتزال مکتبی بود که از سوی دربار حمایت می شد. بی بندوباری و فساد اخلاقی جامعه برخی را به تفریط کشاند، به گونه ای که زهد و تصوف بازار گرمی یافته بود.

۱،۲. اثبات امامت خویش

پس از شهادت امام رضا و به امامت رسیدن امام جواد در خردسالی، برخی در

۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۲۲۰.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۶۸.



حقانیت شیعه و امامت امام جواد علیه‌السلام دچار شک و تردید شدند؛ اما به تدریج همگان به برحق بودن ایشان ایمان آوردند و دانستند که امامت امری الهی است. به عبارت دیگر، در دوره امام رضا علیه‌السلام باور نصب الهی و نص معصوم بودن امام علیه‌السلام به خوبی در اذهان مردم جای گرفت. در دوره امام جواد علیه‌السلام مردم عملاً به این باور عقلی رسیدند که امامت، مقامی الهی است و امامت امام جواد علیه‌السلام مصداق اکمل ضرورت نص است. عملکرد امام علیه‌السلام در این امر بی‌تأثیر نبود. ایشان با معجزه‌های متعدد، پاسخ به سؤال‌های شیعیان و شرکت در مناظره‌ها، امامت خویش و حقانیت مرجعیت مطلقه امام را ثابت کردند.^۱

۲.۲. پذیرش دعوت مأمون و عزیمت به بغداد

قدرت علمی امام جواد علیه‌السلام و محبوبیت ایشان در میان مردم، مأمون را برآن داشت تا امام علیه‌السلام را کنترل کند و تحت نظر بگیرد. بنابراین، امام جواد علیه‌السلام را به بغداد فراخواند و برای شدت بخشیدن به کنترل‌ها، به امام علیه‌السلام پیشنهاد داد تا با دخترش ام‌فضل ازدواج کنند.^۲ امام علیه‌السلام برای صیانت خویش از شر مأمون و بهبودی اوضاع به نفع خود و مسلمانان، پیشگیری از سرکوبی سران تشیع و یاران برجسته خود، نفوذ در مناصب حکومتی از طریق پیروان و طرفداران برای انجام فعالیت‌های مثبت به نفع شیعیان، پیشنهاد مأمون را پذیرفتند.^۳

۳.۲. ارائه سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقابل اعمال خلاف شرع دربار

امام جواد علیه‌السلام از فرصت به‌دست آمده استفاده کردند و کوشیدند تا با کل عالم اسلام ارتباط برقرار کنند. امام علیه‌السلام در دربار عباسیان از هر فرصتی برای آشکار کردن عدم

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، صص ۴۲۲ تا ۴۵۰.

۲. امین، شیخ محسن، اعیان الشیعه، تصحیح: حسن امین، ج ۲، ص ۳۳.

۳. خضری، احمد رضا، تاریخ تشیع، ج ۱، صص ۲۸۰ تا ۲۸۲.



شایستگی خلفا در رهبری امت بهره می‌بردند و با عمل خود، سیره و سنت پیامبر ﷺ را احیا کردند. ایشان با تجملات و اعمال خلاف شرع دربار به مقابله برخاستند و با پرهیز از حضور در محافل و مجالس دربار، با سیاستهای خلیفه عملاً مخالفت می‌کردند. مشهور است که ایشان در مجلس بسیار مجلل ازدواج، جامه تقوی پوشیدند و مجلس لهو و لعب بر پاشده از سوی دربار را ترک کردند.^۱ پس از آن هم برای اعلام مخالفت خود با خلفا جز در مواقع اجباری در حضور خلفا سخن نمی‌گفتند. در این دوره، تمام امکانات دربار در خدمت امام ﷺ بود. چنین به نظر می‌رسید که ایشان این رفاه و آسایش را هرگز رها نمی‌کنند، اما دیری نپایید که امام ﷺ بغداد را ترک کردند و راهی مدینه شدند.^۲

۴،۲. حضور در مناظره‌ها

در دوره حضور امام جواد ﷺ در بغداد، خلیفه می‌کوشید با مناظره‌های متعدد، میزان علم و توانایی ایشان را ارزیابی کند. امام ﷺ هم با هدف اثبات حقانیت خویش در ادعای علم ویژه الهی در سطح وسیعی از جامعه اسلامی، اثبات حقانیت تفکر شیعی و جذب قلوب مردم اعم از خواص و عوام، بسیار فعال در مناظرات شرکت می‌کردند. امام ﷺ در این مناظره‌ها می‌کوشیدند تا مفاهیم صحیح دین را به مردم منتقل کنند و بسیاری از انحراف‌های به‌وجود آمده را از بین ببرند. در همین مناظره‌هاست که احادیث جعلی در مناقب و فضایل خلیفه اول و دوم را با استناد به قرآن و دلایل عقلی رد کردند. با دقت در روایات فقهی ایشان و گستره مناظراتشان با یحیی بن اکثم، قاضی القضاة خلیفه عباسی، به خوبی می‌توان دریافت که در این دوره، فقه شیعه به ریزترین مسایل و احکام

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۹۶.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۰۱.

وارد شده است.^۱

۵.۲. مبارزه با فرقه‌های ضالّه

مبارزه با فرقه‌های ضالّه از دیگر فعالیت‌های امام جواد علیه‌السلام بود. به‌عنوان مثال، ایشان اقتدا به اهل حدیث، مجسمه^۲ و واقفیه را در نماز تحریم^۳ و همگان را از پرداخت زکات به اهل حدیث منع کردند. همچنین زیدیه را هم‌ردیف با ناصبی‌ها معرفی و غلات را ملعون خواندند و حکم قتل برخی از آنها را صادر کردند.^۴

۶.۲. توجه به مسائل اجتماعی و رسیدگی به مردم

امام جواد علیه‌السلام با حضور در مدینه و در شرایطی که فقر بیداد می‌کرد، کوشیدند روابط خود را با اجتماع و مردم حفظ کنند و از رسیدگی به محرومان غافل نباشند. بخشش و جود سرشار امام علیه‌السلام پلی برای ارتباط با مردم بود. در آن روزگار، مردم ایشان را به‌عنوان مظهر جود الهی می‌شناختند. امام علیه‌السلام در اجتماع حضور می‌یافتند واز مشکلات و مسایل مردم آگاه می‌شدند و در حل آن می‌کوشیدند. با حضور امام علیه‌السلام فرهنگ معنوی در کانون وحی (مدینه) زنده و پویا شد.

۷.۲. زمینه‌سازی برای دوره غیبت

امام جواد علیه‌السلام هم مانند دیگر امامان دوره ترویج، از طریق ارتباطات مکاتبه‌ای و ایجاد نهاد سفارت و وکالت، عموم مردم را برای غیبت صغری و حضور نداشتن امام معصوم

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، صص ۴۲۲ تا ۴۵۰.

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۰۱.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۹.

۴. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۲۸؛ خوئی،

ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ص ۱۰۵.



آماده می‌کردند. محبوبیت امام علیه السلام در بین مردم و موقعیت ممتاز ایشان باعث ترس و واهمه دستگاه حکومت شد. بنابراین، ایشان را به بغداد احضار کردند. امام علیه السلام قبل از خروج از مدینه، امام هادی علیه السلام را به‌عنوان جانشین خویش معرفی فرمودند.^۱ معتصم پس از متهم کردن امام علیه السلام به شورش علیه حکومت، با توطئه‌ای امام علیه السلام را مسموم و شهید کرد.

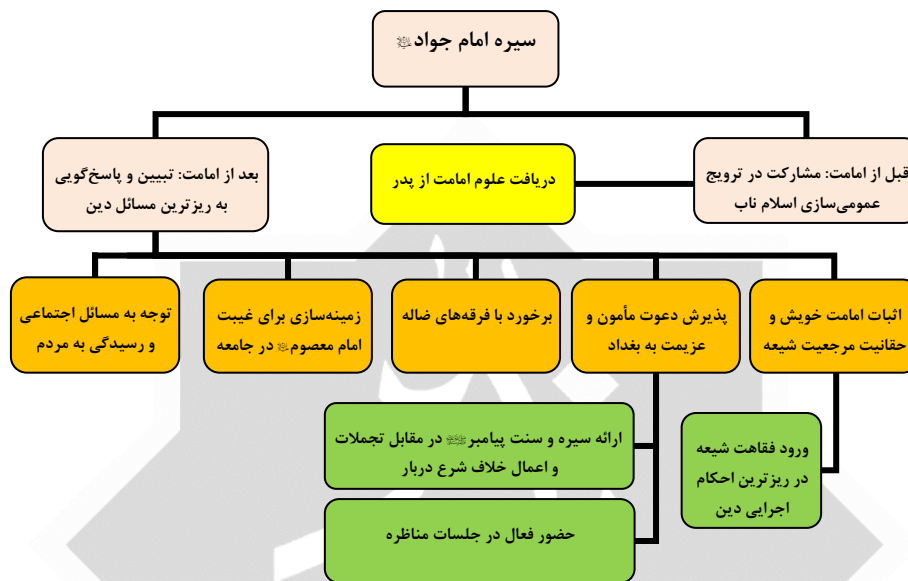
۳. شاخصه‌های سیره امام جواد علیه السلام

- اثبات امامت با وجود خردسالی
- حضور پرهیزگاران امام در دربار مأمون و پیروزی شکوهمندانه در مناظره‌ها و تشکیل نهاد وکالت و سفارت در بین شیعیان
- پاسخ به سؤال‌های فقهی و اعتقادی به‌صورت مکاتبه‌ای
- پیروزی در مناظره‌ها و حل شبهات در سطح عمومی

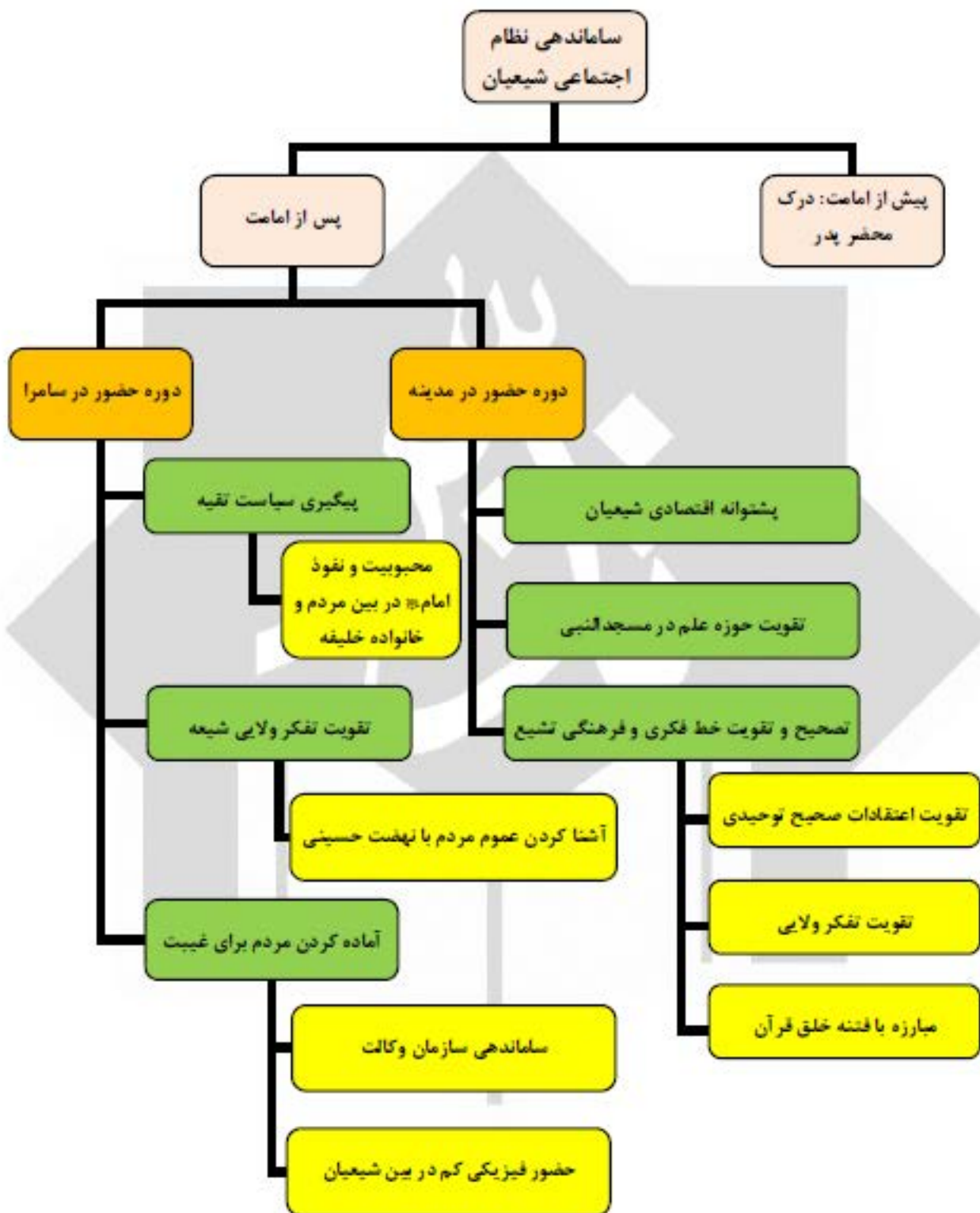
۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۹۸.



نقش امام جواد علیه‌السلام: تبیین و پاسخ‌گویی به ریزترین مسائل دین



نقش امام هادی علیه السلام: ساماندهی نظام اجتماعی شیعیان





فصل دوازدهم

سیره امام هادی



شناسه امام هادی علیه‌السلام

- نام مبارک: علی
- کنیه شریف: ابوالحسن ثالث
- لقب مبارک: نقی، هادی
- پدر بزرگوار: امام جواد علیه‌السلام
- مادر گرامی: سمانه مغربیه
- تاریخ ولادت: ۱۵ ذی‌الحجه ۲۱۲ هجری
- مکان ولادت: صریا (آبادی اطراف مدینه)
- تاریخ آغاز امامت: ۲۲۰ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۸ سالگی
- مدت زمان امامت: ۳۳ سال
- عمر پربرکت: ۴۱ سال
- فرزندان: امام حسن عسکری علیه‌السلام، حسین، محمد، جعفر، عایشه
- تاریخ شهادت: سوم رجب سال ۲۵۴ هجری
- علت شهادت: مسمومیت با زهر توسط معتز عباسی
- مرقد مطهر: سامرا



• خلفای زمان: معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز

۱. دوره حضور در مدینه

در این دوره، مرکز خلافت از بغداد به سامرا انتقال یافت. دستگاه خلافت بر اثر تسلط ترکان، هیبت و عظمت خود را از دست داده بود. فساد و خوشگذرانی روزافزون خلفا و در نتیجه جامعه، بر زوال قدرت آنها می‌افزود. خلفا برای مهار نیروهای مخالف از جمله شیعیان، فشار اقتصادی فراوانی بر آنها اعمال می‌کردند. اوضاع نابسامان آن روز، توجه همگان را به امام هادی علیه السلام معطوف می‌داشت. محبوبیت امام علیه السلام در بین مردم زبانزد بود.^۱ مسئله امامت در جامعه نهادینه شده بود. در مقابل، گروه‌هایی بودند که به غلو و خالقیت معتقد شده بودند. در برابر بی‌بندوباری رواج یافته در جامعه، عرفان و تصوف رو به گسترش نهاد. گویا کم‌کم جامعه به معنویت رو آورده بود. این دگرگونی‌ها و تحولات مردمی، از تلاش و حرکت امامان خبر می‌دهد. البته، باید خاطر نشان کرد که این تحولات مردمی هم دچار انحراف‌هایی چون غلو، تصوف و... شده بود که بدین ترتیب حضور امام علیه السلام در جامعه برای تصحیح این باورها و بازگرداندن مردم به صراط مستقیم ضروری به نظر می‌رسید. به عبارت دیگر، امام هادی علیه السلام فرهنگ عمومی را با فعالیت‌های خویش سامان بخشیدند و افراط و تفریط‌ها را به خط اعتدال نزدیک کردند.

۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ق، ص ۲۳۳؛ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۰۲.



در این زمان شیعیان در بلاد مختلف پراکنده شده بودند و بر اثر تعامل با آرای مختلف از آنها تأثیر پذیرفته و گاه با شبهات مختلف روبرو می‌شدند؛^۱ مانند شبهات اعتقادی در دوشاخه توحید (مانند تشبیه یا تجسیم) و جبر‌گرایی و شبهاتی در زمینه تفکر ولایی در سه‌شاخه غلات، واقفیه و صوفیه. دستگاه خلافت با هدف‌های سیاسی و برای سرگرم کردن مردم، به برخی از این شبهات و بحث‌ها دامن می‌زد. مباحث عقلی صرف مانند حادث یا قدیم بودن قرآن در جامعه رواج یافت و مردم را به خود مشغول کرد، اما هیچ فایده و بهره‌ای به دنبال نداشت.

۱.۱. تصحیح و تقویت خط فکری و فرهنگی تشیع

امام هادی علیه‌السلام حوزه علم را در مسجدالنبی با تربیت شاگردان و احترام و تجلیل از علما تقویت کردند.^۲ ایشان از طرق متعدد، خط فکری و فرهنگی تشیع را حفظ و از القائنات مخالفان برای منحرف کردن آن جلوگیری می‌کردند. جهاد علمی، فکری و فرهنگی امام هادی علیه‌السلام به تقویت اعتقادات صحیح توحیدی (تنزیه خداوند و تبیین نظریه صحیح توحید در شرایط مختلف)^۳ و رد جبر‌گرایی انجامید و با موضع‌گیری صریح امام علیه‌السلام در مقابل صوفیه، واقفیه و غلات و تأکید بر تولی و تبری، تفکر ولایی تقویت شد. امام

۱. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، صص ۲۹۲ تا ۲۹۵.

۲. طوسی، محمدبن حسن، رجال طوسی، ص ۴۰۸؛ خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۵.

۳. در این مورد ۲۱ روایت از ایشان نقل شده است.



هادی علیه السلام صوفیه را هم‌نشینان شیطان معرفی^۱ و مردم را از همراهی با آن‌ها منع و به آراستن ظاهر تشویق می‌کردند. به امر امام علیه السلام مردم موظف شدند در قنوت نمازشان، واقفیه را نفرین کنند^۲ و قتل غلات واجب اعلام شد.^۳

امام علیه السلام در راستای رسالت خود و برای حفظ فرهنگ دینی با زیارات و ادعیه به انجام وظیفه پرداختند. زیارت جامعه کبیره برای تبیین جایگاه حقیقی اهل بیت علیهم السلام^۴ و احادیثی در باب ایام «لَا تُعَادُوا الْإِيَّامَ فَتُعَادِيَكُمْ»^۵ شاهی بر این مدعاست. باید خاطر نشان کرد که در طول تاریخ، علما در حفظ فرهنگ دینی با بهره‌گیری از ادعیه و زیارات به ایفای نقش پرداخته‌اند و آغازگر این نقش کسی نیست جز امام هادی علیه السلام. آن بزرگوار با زیارات و ادعیه شیوه مؤثری را در امام‌شناسی و حفظ فرهنگ دینی ابداع کردند. ایشان برای مصون ماندن مردم به ویژه تشیع از درگیری‌های بی‌فایده، مسلمانان را از بحث و

۱. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ترجمه: محمدرضا عطایی، صص ۶۰ و ۶۱؛ مقدس اردبیلی، حدیقه الشیعه، ج ۲، صص ۸۰۰-۸۰۱؛ استرآبادی، محمدجعفر، البراهین القاطعه فی شرح التجرید العقاید الساطعه، ج ۲، ص ۳۸۴،

۲. کشی، رجال، ص ۴۶۰

۳. الحرالعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۵۴. کشی، محمدبن عمر، رجال، صص ۵۱۸-۵۱۹.

۴. رک: مفاتیح الجنان،

۵. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۳۹۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۲۰، العطاردی، عزیزالله، مسند الامام الهادی علیه السلام، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰ق، صص ۱۴۸-۱۴۹؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۱، ص ۳۰۸.



جدال در مورد مباحث بیهوده‌ای چون خلق قرآن پرهیز دادند و ورود شیعیان را به این مباحث بدعت اعلام کردند. امام علیه‌السلام با تفسیر قرآن، اندیشه صحیح در مورد قرآن «کلام الهی» را تبیین کردند و کوشیدند تا جایگاه قرآن را در جامعه ارتقا دهند. البته باید خاطر نشان کرد که ایشان اندیشه رسمی خود را به‌خاطر وارد نشدن به جریان‌های سیاسی مخفی می‌کردند. امام علیه‌السلام با کار و تلاش در مزرعه و اهمیت دادن به آن، عملاً خود پناهگاه و پشتوانه اقتصادی مسلمانان شدند.





۲. دوره حضور در سامرا

۱.۲. پیگیری راهبرد تقیه

خلافت، محبوبیت شدید امام علیه السلام در مدینه را خطر بزرگی برای خود ارزیابی می کرد. بنابراین، فرماندار مدینه طی نامه‌ای به متوکل، این خطر را گوشزد کرد. متوکل با هدف قطع ارتباط امام علیه السلام با شیعیان، کنترل و تحت نظر گرفتن امام علیه السلام و دورنگه داشتن ایشان از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، آن حضرت را به سامرا فرا خواند.^۱ متوکل در سامرا از همان آغاز ورود امام علیه السلام کوشید تا حد توان، ایشان را تحقیر و از محبوبیت و جایگاه آن حضرت بکاهد. در روز اول ورود، امام علیه السلام را در خان الصعاليك (جایگاه گدایان) اسکان داد.^۲ سپس دستگاه حکومت، امام علیه السلام را به پادگان‌های نظامی منتقل و ایشان را به شدت کنترل می کرد و در طول حضورشان در سامرا، بارها منزل آن بزرگوار به طور ناگهانی بازرسی شد.^۳ در سامرا هم، امام علیه السلام با در پیش گرفتن تقیه، هرگونه بهانه‌ای را از حکومت گرفته، بسیاری از حکومتیان را شیفته و مجذوب خود کردند. امام علیه السلام با مبارزه مخفی، نیروهای خود را حفظ و جامعه را به صبر و تقیه و عدم افشای راز فرا می خواندند. از سوی دیگر، عصر امام علیه السلام مصادف با گسترش نهضت‌های علوی بود، اما ایشان زعامت هیچ قیامی را به عهده نگرفتند.

۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۰۹.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۱۱.

۳. قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ج ۳، ص ۱۸۷۳؛ خضری، احمد رضا، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۱.



۲.۲. ساماندهی سازمان وکالت

امام هادی علیه‌السلام برای حفظ ارتباط خویش با مردم، نهاد وکالت را توسعه دادند و ساماندهی کردند. متوکل نیز در مقابل سعی کرد با نفوذ در این سازمان، ضمن شناسایی وکلا، آن نهاد را منهدم کند. ایشان با هدف ایجاد مجرای مطمئن در جمع‌آوری خمس، زکات و نذورات، پاسخگویی به سؤال‌های فقهی و عقیدتی شیعیان و توجیه سیاسی آنان، برقراری پل ارتباطی میان مردم و امام علیه‌السلام و زمینه‌سازی برای زمان غیبت، سعی در ایجاد انسجام و هماهنگی سازمان وکالت داشتند.^۱

۳.۲. آشنا کردن عموم با نهضت حسینی

متوکل با سرسختی تمام سعی داشت آثار تشیع را از بین ببرد. وی برای پیشبرد هدف‌های شوم خود، رعب و وحشت را در جامعه حاکم نمود. در راستای این سیاست، حرم امام حسین علیه‌السلام را تخریب و شیعیان را از زیارت آن امام همام منع کرد.^۲

امام علیه‌السلام می‌کوشیدند عموم مردم را با نهضت امام حسین علیه‌السلام و جایگاه آن در تاریخ تشیع آشنا کنند. ایشان در قالب دعا بر قیام امام حسین علیه‌السلام و شهادتشان تاکید نموده، شیعیان را به زیارت آن حضرت تشویق و تربت کربلا را شفابخش بیماری‌ها معرفی می‌کردند.^۳

۱. خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۶، جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در زمان ائمه علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۵۳.

۲. اصفهانی، ابوالفرح، مقاتل الطالبیین، صص ۴۷۸ تا ۴۸۰.

۳. خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۸.



۴.۲. نفوذ در بین مردم و خانواده خلیفه

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، متوکل از هر بهانه‌ای برای تحقیر امام علیه السلام^۱، تضعیف روحیه، تهدید، ایجاد شرایط مناظره و کنترل شدید استفاده می‌کرد.^۲ او ایشان را به مجلس شراب فرا می‌خواند، امام علیه السلام را پیاده در رکاب خود حرکت می‌داد و در برابر امام علیه السلام با ارتش خود رژه می‌رفت^۳ یا در حضور امام علیه السلام مجلس شعبده‌بازی بر پا می‌کرد و با تشکیل مناظره تلاش می‌کرد تا امام علیه السلام را در عرصه علم و دانش مغلوب کند؛ اما این مناظره‌های علمی همیشه با موفقیت امام علیه السلام همراه بود. این پیروزی‌ها از یک‌سو، هدایت و ارشاد حکومتیان و از سوی دیگر به نفوذ معنوی امام علیه السلام در میان دولتمردان و حتی خانواده متوکل می‌افزود، به گونه‌ای که که مادر متوکل برای شفای پسر خود برای امام هادی علیه السلام نذر می‌کرد.^۴

پس از کشته شدن متوکل و به خلافت رسیدن پسرش منتصر، از شدت کنترل امام علیه السلام کاسته شد. امام علیه السلام در شش سال حکومت منتصر و مستعین به بهبود وضع اقتصادی و اعتقادی مردم پرداختند. با خلافت معتز، امام علیه السلام تحت کنترل قرار گرفتند و شدت عمل

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۱؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۱۱.

۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق، صص ۴۳۲-۴۳۵؛ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، صص ۵۰۷ و ۵۰۸.

۳. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الهادی علیه السلام، صص ۱۸۶؛

۴. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۰۲؛ طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه: اعلام‌الوری، ترجمه: عزیزالله عطاردی، صص ۴۷۷-۴۷۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۲، صص ۱۷۶-۱۷۷.



علیه ایشان افزایش یافت. در نهایت، آن حضرت مسموم و شهید شدند. مردم در تشییع جنازه امام علیه‌السلام حضور گسترده‌ای داشتند که نشان از محبوبیت امام علیه‌السلام در جامعه داشت.

همان‌گونه که از دقت در عملکردهای امام هادی علیه‌السلام برمی‌آید، می‌توان گفت امام علیه‌السلام نظام اجتماعی و اعتقادی مورد نظر دین را با رد غلات و دیگر فرقه‌های انحرافی و همچنین با رد تصوف و عرفان افراطی تعدیل و ساماندهی فرمودند. آن حضرت در بهبود وضعیت فرهنگی جامعه، از مبارزه با فتنه خلق قرآن^۱ هم غفلت نورزیدند.

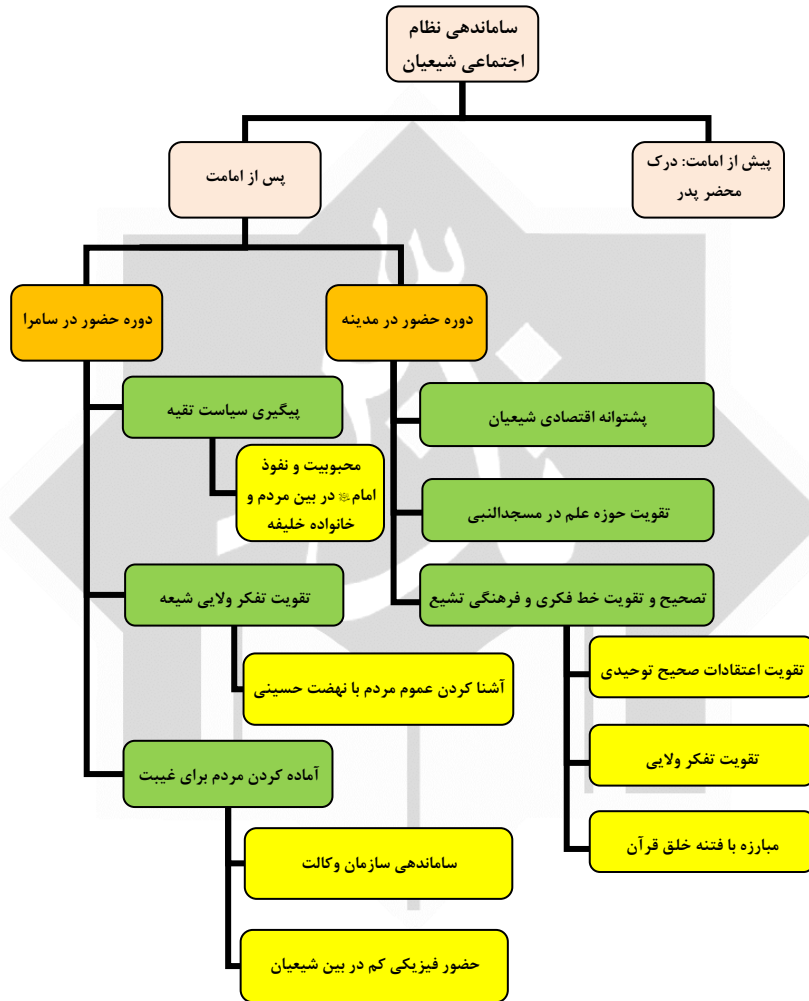
۳. شاخصه‌های سیره امام هادی علیه‌السلام

- تقیه برای حفظ نیروهای مؤمن و هدر نرفتن توان آن‌ها
- نفوذ در بین دولتمردان (حتی خانواده متوکل)
- تقویت پایگاه مردمی و کاستن از حضور در جمع برای آماده کردن مردم برای عصر غیبت
- تلاش برای ترویج تفکر ولایی و تبیین جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه (تحکیم پایه‌های ولایت)
- ساماندهی و انسجام‌بخشی به سازمان و کالت

۱. آیت الله خزعلی، موسوعه الامام الهادی علیه‌السلام، ص ۲۴۸.

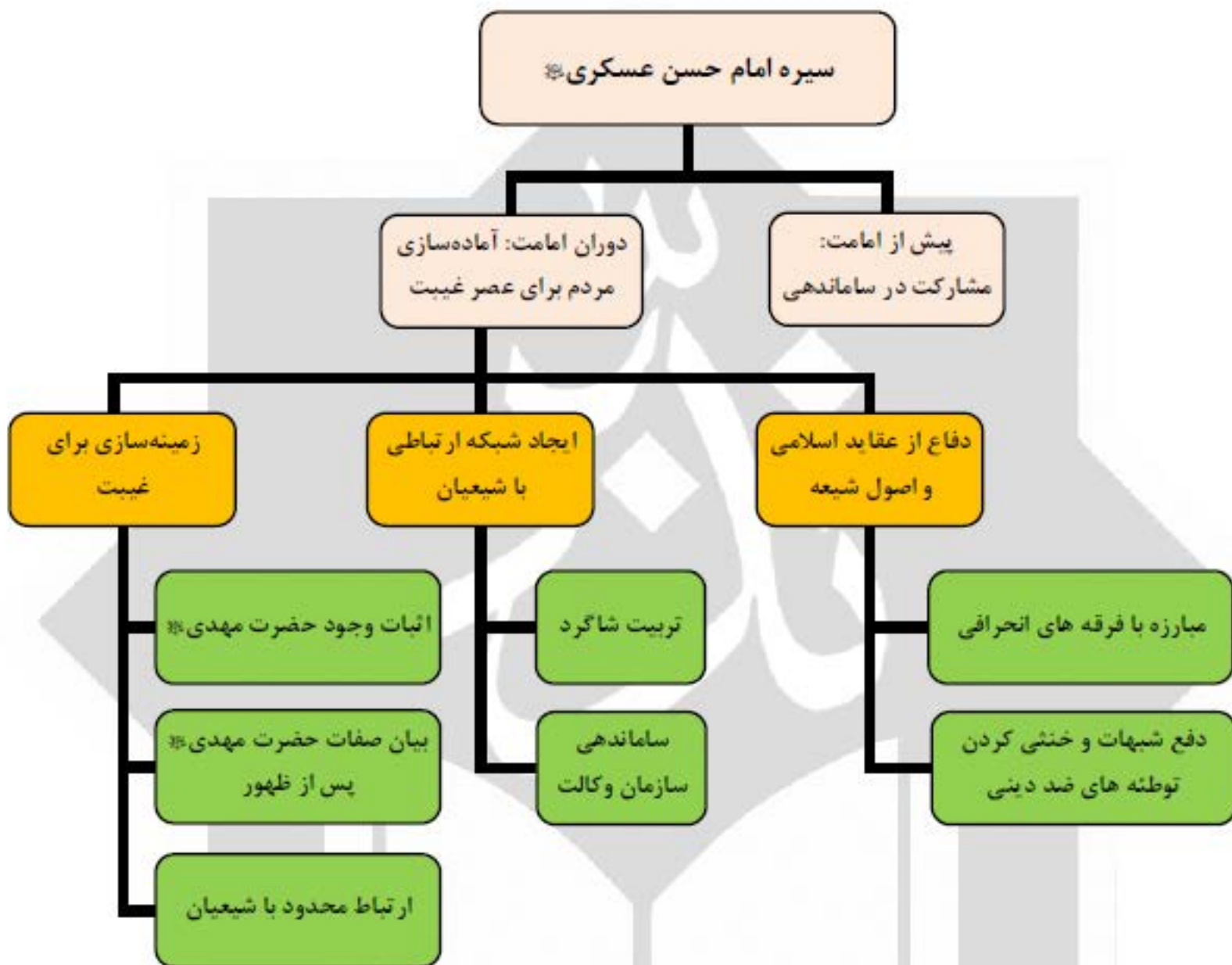


نقش امام هادی: ساماندهی نظام اجتماعی شیعیان





نقش امام حسن عسکری علیه السلام: آماده‌سازی مردم برای عصر غیبت





فصل سیزدهم

سیره امام حسن عسکری علیه السلام



شناسه امام حسن عسکری

- نام مبارک: حسن
- کنیه شریف: ابو محمد
- لقب مبارک: عسکری، زکی، ابن الرضا
- پدر بزرگوار: امام هادی
- مادر گرامی: سلیمه یا حدیثه معروف به جدّه
- تاریخ ولادت: ۸ ربیع‌الثانی ۲۲۳ هجری
- مکان ولادت: مدینه منوره
- تاریخ آغاز امامت: سال ۲۵۴ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۲۲ سالگی
- مدت زمان امامت: ۶ سال
- عمر پربرکت: ۲۸ سال
- فرزند: حضرت مهدی
- تاریخ شهادت: ۸ ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری
- علت شهادت: مسمومیت به فرمان معتمد عباسی
- مرقد مطهر: سامرا



● خلفای زمان: معتز، مهدی، معتمد

امام حسن عسکری علیه السلام از همان دوره خردسالی از سایر کودکان متمایز بودند. همچون پدران بزرگوارشان، آثار علم و ایمان در ایشان نمایان بود. ایشان همراه با امام هادی علیه السلام دوره خلافت پنج‌تن از خلفای عباسی را تجربه کردند.

پس از شهادت امام هادی علیه السلام شیعیان به امام حسن عسکری علیه السلام روی آوردند و ایشان را امام و رهبر خویش دانستند. البته، گروهی اندک، به امامت ابوجعفر محمدبن- ابوالحسن صاحب عسکر معتقد شدند. امام حسن عسکری علیه السلام در شرایطی به امامت رسیدند که هرزگی، عیاشی و هوسرانی در دستگاه خلافت همچنان رو به افزایش بود و مخالفان حکومت با انواع فشارها اعم از محاصره اقتصادی، ترور و سرکوبی دست و پنجه نرم می‌کردند. در این زمان، شیعه به یک‌وزنه و قدرت سیاسی تبدیل شده بود. تفکر مهدویت هم در بین شیعه رو به رشد بود. همه این‌ها سبب شد تا دستگاه خلافت از امام علیه السلام و فعالیت‌های ایشان سخت بی‌مناک باشد. بنابراین، سختگیری و کنترل امام علیه السلام را به اوج رساند. امام حسن عسکری علیه السلام ناچار بودند هر دوشنبه و پنج‌شنبه در دربار حاضر شوند. به علاوه، حکومت می‌کوشید تا با کنترل امام علیه السلام از تولد حضرت مهدی علیه السلام جلوگیری کند.^۱

۱. دفاع از عقاید اسلامی و اصول شیعه

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۲۱۱؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴؛ جاسم، محمدحسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی، ص ۸۷



امام حسن عسکری علیه‌السلام پس از امامت، با استفاده از آگاهی‌های غیبی، با تردید‌کنندگان در امامتشان به مبارزه برخاستند. از عمده‌ترین برنامه‌های امام علیه‌السلام پاسخ به شبهاتی بود که عقیده اسلامی و شیعه را تهدید می‌کرد؛ برای مثال، فردی به نام «کندی» با جمع‌آوری آیات متشابه قرآن که تناقض‌نما بود، سعی داشت سند رسالت را مخدوش کند؛ اما با درایت امام علیه‌السلام این توطئه در نطفه خنثی گردید و «کندی» از عظمت علمی امام علیه‌السلام باخبر شد. بنابراین، از این کار منصرف گشت؛^۱ یا در ماجرای طلب باران توسط راهبان مسیحی، بسیاری در دین خود دچار شک و تردید شدند که با ورود امام علیه‌السلام نقشه راهبان خنثی و مردم به حقانیت دین خود و شایستگی رهبری شیعه رهنمون گشتند.^۲

امام علیه‌السلام با پاسخگویی به شبهات، باطل خواندن فرقه‌های انحرافی نظیر صوفیه^۳، واقفیه^۴، مفوضه^۵، اسماعیلیه، زیدیه و مدعیان دروغین امامت، شیعیان را به حقیقت امر هدایت می‌کردند. ایشان برای حفظ میراث شیعه از نشر و کتابت حدیث استقبال و عاملان به آن را تشویق، دعا و تأیید می‌کردند. امام علیه‌السلام برای مبارزه با فسادهای فرهنگی،

-
۱. قمی، شیخ عباس، انوارالبهیه، صص ۴۹۳-۴۹۴؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۲۴، منذرحکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۳، صص ۱۹۵ تا ۱۹۷. قمی، منتهی الآمال، ص ۱۰۶۷.
 ۲. حموی، محمدبن اسحاق، انیس المومنین، صص ۲۳۲-۲۳۳؛ کشف‌الغمه، ترجمه زواره‌ای ج ۳، ص ۳۱۱، رازی، محمدبن حسین، نزهة الکرام و بستان العوام، ج ۲، ص ۸۲۳؛ منذرحکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۳، صص ۱۶۶ تا ۱۶۹.
 ۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۸، اردبیلی، احمدبن مقدس، حدیقه الشیعه، ص ۵۹۲.
 ۴. بروجردی، حسین، جامع احادیث شیعه، ج ۳۰، ص ۱۰۸۲.
 ۵. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ترجمه: محمد جواد نجفی، صص ۴۸۹-۴۹۱.



اجتماعی و سیاسی راهبرد دعا را به کار گرفته بودند.





۲. ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان

رسالت دیگری که بر دوش امام حسن عسکری علیه‌السلام سنگینی می‌کرد، حمایت و پشتیبانی از شیعیان بود. امام علیه‌السلام برای جلوگیری از گرایش شیعیان به دستگاه عباسی، افزایش میزان صبر و تحمل و آگاهی آنان در برابر فشارها، دلگرمی و تقویت روحیه آنها به حمایت مالی و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه اقدام کردند.^۱

امام علیه‌السلام با هدف تربیت علمی و فرهنگی شاگردان و روانه کردن وکلا به مناطق مختلف شیعه‌نشین، ارتباط شیعیان با حوزه امامت و با یکدیگر، رهبری و ساماندهی دینی و سیاسی آنها، یک شبکه ارتباطی وسیع را طراحی کردند. بدین ترتیب، تمام مناطق را از طریق وکلا زیر نظر گرفتند و وجوه مالی شیعیان را نیز جمع‌آوری و با واسطه‌گری وکلا، مشکلات شیعیان را هم بر طرف می‌کردند.

۳. زمینه‌سازی برای غیبت

اصلی‌ترین برنامه امام علیه‌السلام زمینه‌سازی برای دوران غیبت بود.^۲ ایشان با نامه‌نگاری به مناطق مختلف، شیعیان خاص خود را از تولد حضرت مهدی علیه‌السلام آگاه می‌کردند و در فرصت‌های مناسب آن بزرگوار را به یاران خاص خود نشان می‌دادند^۳ و با صدور

۱. مشایخ، فاطمه، قصص الانبیا، ص ۸۵۱؛ خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ج ۲، ص ۲۸۶، جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در زمان ائمه علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۵۴، شریف قرشی، باقر، زندگانی امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۱۰۴، ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۲۷۷.

۳. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ص ۳۲۸.



اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کلی و عمومی، صفات حضرت مهدی علیه السلام را پس از ظهور و قیامشان اعلام می‌داشتند. آن بزرگوار برای آمادگی مردم و درک شرایط غیبت، تماس خود را با شیعیان محدود کردند و با آنها از پشت پرده سخن می‌گفتند و به سؤال‌ها و مراجعات با نامه پاسخگو بودند.

۴. ادامه راهبرد تقیه

امام حسن عسکری علیه السلام برای حفظ امنیت خود و شیعیان، تدابیری اندیشیده بودند. در برخوردهای اجتماعی و فرهنگی سکوت پیشه کرده و شیعیان را از ابراز ارادت به خود نهی می‌فرمودند (تأکید داشتند که در مجامع عمومی به ایشان سلام یا با دست اشاره نکنند).^۱ امام علیه السلام یاران خود را به رازداری توصیه می‌کردند. شرایط چنان سخت بود که ایشان نامه‌های خود را با خط‌های مختلف می‌نوشتند. به عبارت دیگر، تمامی فعالیت‌های ایشان سری و مخفیانه بود.^۲ با تمام فشارها و کنترل‌ها، حکومت نتوانست مردم را از رهبری ایشان دور کند. وجود مبارک امام علیه السلام مشتاقان را مجذوب خویش می‌کرد.

افزایش محبوبیت و نفوذ معنوی امام علیه السلام در جامعه، باعث نگرانی معتمد عباسی شد و چون زندان و اختناق و مراقبت ویژه تأثیر معکوس گذاشت، امام علیه السلام را پنهانی مسموم کرد و به شهادت رساند و در روزهای مسمومیت و شهادت امام علیه السلام تلاش فوق‌العاده‌ای برای عادی جلوه دادن مرگ ایشان از خود نشان دادند.

۱. مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت جواد و عسکرین، ترجمه: موسی خسروی، ص ۲۳۵؛ ادیب، عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ص ۲۷۷.

۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ترجمه: محمد جواد نجفی، ص ۴۷۱.

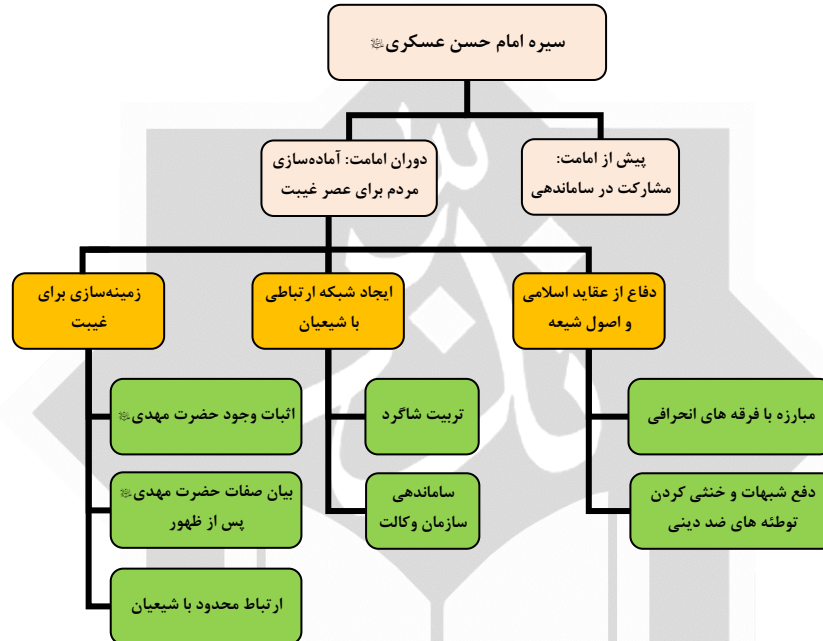
۵. شاخصه‌های سیره امام حسن عسکری علیه السلام

- استفاده گسترده از آگاهی‌های غیبی برای جلب منکران امامت
- حمایت و پشتیبانی مالی، معنوی، امنیتی از شیعیان با تدابیر خاص
- آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند خود

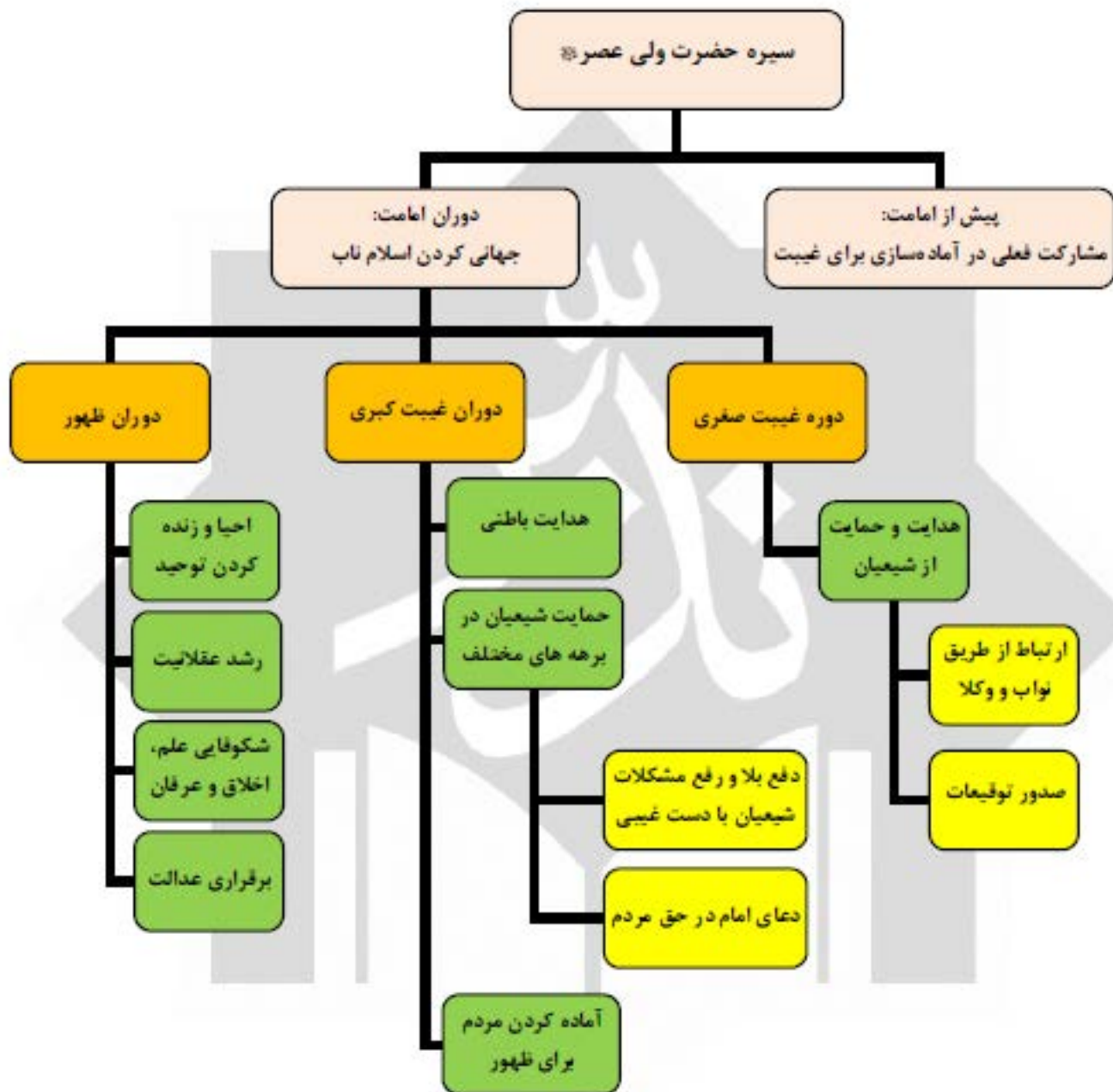




نقش امام حسن عسکری علیه السلام: آماده‌سازی مردم برای عصر غیبت



نقش حضرت ولی عصر علیه السلام: جهانی سازی اسلام ناب





فصل چهاردهم

سیره حضرت مهدی



شناسه حضرت مهدی علیه‌السلام

- نام مبارک: م ح م د
- کنیه: ابوالقاسم، ابوصالح
- لقب: مهدی، حجت، قائم، صاحب‌الزمان، بقیه‌الله، منتظر
- پدر بزرگوار: امام حسن عسکری علیه‌السلام
- مادر گرامی: نرجس
- تاریخ ولادت: شب جمعه، ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری
- مکان ولادت: سامرا
- تاریخ آغاز امامت: ۲۶۰ هجری
- سن رسیدن به امامت: ۵ سالگی
- مدت زمان امامت: تا هر زمان که خداوند بخواهد
- عمر پربرکت: تا هر زمان که خداوند بخواهد



امام زمان علیه السلام در شرایطی به دنیا آمدند که مأموران حکومت عباسی، خانه امام حسن عسکری علیه السلام را به شدت تحت نظر داشتند تا به محض به دنیا آمدن فرزندی از امام علیه السلام او را از بین ببرند. بنابراین، امام علیه السلام ولادت فرزندشان را از عموم مخفی می کردند و تنها به برخی از شیعیان خاص، حضرت را معرفی کردند. در روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام حضرت مهدی در برابر دیدگان مردم حاضر شدند؛ عمویشان جعفر کذاب، را که قصد نماز گزاردن بر پیکر امام علیه السلام را داشت، کنار زده و خود بر جنازه پدر نماز گزاردند و در همان روز به دلیل تعقیب شدید معتمد عباسی غایب شدند.^۱ در باب فلسفه غیبت حضرت مهدی علیه السلام به موارد زیر می توان اشاره کرد:

- امتحان و آزمایش مردم، مساعد نبودن موقعیت زمانی به دلیل عدم شناخت امام علیه السلام و نداشتن اطلاعات لازم در مورد آن حضرت
- فرصت دادن به میراث داران ائمه علیهم السلام برای اجرا شدن دین بدون حضور امام علیه السلام
- حفظ جان امام علیه السلام و آزادی از یوغ بیعت با طاغوت های زمان^۳
- نبود انسجام میان مسلمانان و قبایح و زشتی های اعمال آنان
- کشف میزان صدق تجربه های بشر (تا بدانند که بدون وحی تکامل صورت نمی گیرد)

۱. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الصغری، ص ۲۹۷. جزائری، نعمت الله، قصص الانبیاء، ترجمه: فاطمه مشایخ، ص ۸۵۷

۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۱.



- پنهان بودن یک‌وجه از غیبت پنهان و آشکار شدن در زمان ظهور.^۱

۱. دوره غیبت صغری

حضرت حجه‌بن‌الحسن عسکری علیه‌السلام در شرایطی به امامت رسیدند که دستگاه حکومت، به فشارها و سخت‌گیری‌های خود بر شیعیان افزوده بود و با اختناق، فقر و کشتار، تهدیدشان می‌کرد. فتنه‌های مختلفی چون قرامطه و زنگیان رخ می‌نمود و دستگاه حکومت آن را به شیعیان نسبت می‌داد تا بدین طریق بهانه‌ای برای سرکوبی شیعه یافته باشد.

در جامعه آن روز اختلاف‌های مذهبی، فرقه‌ای، قومی و طبقاتی نیز به اسفناکی اوضاع دامن می‌زد. ظهور مدعیان مهدویت یا نیابت، حوزه تشیع و معارف اسلامی را تهدید می‌کرد. افزون بر این، در این دوره نمی‌توان از عیاشی‌ها و خوشگذرانی‌های خلفا و شکاف عمیق بین فقرا و اغنیا هم چشم پوشید.^۲

۱،۱. هدایت و حمایت از شیعیان

در دوره غیبت صغری، امام علیه‌السلام کوشیدند مردم را برای غیبت کبری آماده کنند. در این دوره، برای حمایت شیعیان و تحکیم باور آنان، از طریق نواب و وکلا، آن‌ها را

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. برای اطلاع بیشتر، ک: پورسیدآقایی، مسعود؛ جباری، محمدرضا؛ عاشوری، حسن؛ حکیم، سید

منذر؛ درسنامه تاریخ عصر غیبت، صص ۱۶۶ تا ۱۷۴.



راهنمایی کردند.^۱

گاهی خود در کسوت‌های گوناگون به دیدار شیعیان می‌رفتند و مشکلات آنان را حل می‌فرمودند. ایشان با صدور توقیعاتی در لعن اشخاص مدعی نیابت، مدعیان دروغین را به مردم معرفی می‌کردند. امام علیه السلام از نیازهای جامعه در حوزه‌های مختلف نیز غافل نبودند. صدور توقیعاتی با مضامین فقهی، حقوقی، مالی، اخبار غیبی، حوادث آینده و شفای بیماران گواه بر این مهم است.

۲.۱. ارتباط با مردم از طریق نواب و وكلا

امام زمان علیه السلام از طریق نواب به تغذیه فکری و فرهنگی شیعیان می‌پرداختند و شیعیان سردرگم را به مسیر اصلی برمی‌گرداندند و پرده از چهره غلات، نایبان دروغین و بابت^۲ بر می‌داشتند.^۳ نواب نیز می‌کوشیدند از راه پنهان داشتن نام و مکان حضرت، دستگاه حکومت را از آن بزرگوار منحرف و جان آن حضرت را از گزند حوادث مصون دارند و در عین حال، شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام را بزدایند. سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت، از دیگر اقدامات نواب به‌شمار می‌رفت. آنها اموال مردم را اخذ و در مجرای خود توزیع می‌کردند. نواب پل ارتباطی مردم با امام عصر علیه السلام بودند. سؤال‌ها و مشکلات مردم را بر امام عرضه داشته و پاسخ (شفاهی یا توقیع) را دریافت می‌کردند و به مردم ارائه می‌دادند. نواب در کنار این فعالیت‌ها شیعه را برای پذیرش

۱. مجلسی، محمد باقر، ایمان و کفر، ج ۱، ترجمه: عزیز الله عطاردی قوچانی، ص ۲۶.

۲. یعنی کسانی که مدعی ارتباط با امام زمان علیه السلام هستند.

۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: راسخی نجفی، عباس، نواب اربعه و عظمت مقام هر یک، صص ۳۱ تا ۴۶.



غیبت کبری آماده می‌کردند.^۱

۲. دوره غیبت کبری

پس از رحلت چهارمین نائب امام، دوران غیبت کبری با اعلام امام زمان علیه‌السلام آغاز و راه‌های ارتباط ظاهری با آن حضرت بسته شد. این گونه رهبری دینی و مذهبی به فقیهان و مجتهدان انتقال یافت و به این ترتیب بستر وسیعی از علم‌اندوزی برای علما فراهم و حوزه‌های علمیه صحنه رقابت و تلاش شد.

۱.۲. هدایت شیعیان و حمایت از آنان در برهه‌های مختلف

با توجه به مواجه شدن بشر با شبهات گوناگون در خصوص وجود امام زمان علیه‌السلام ایشان در این دوران به هدایت باطنی (هدایت علمی از طریق القای معارف) تربیت نفوس و حفظ مسلمانان اقدام می‌کنند. جامعه شیعی و حوزه‌های آن را نظام می‌بخشند و با امید بخشی و دلگرم کردن پیروان، آنها را برای ظهور آماده می‌کنند. امام علیه‌السلام از احوال شیعیان خویش نیز بی‌خبر نیستند و برای رفع عذاب و در امان بودن اهل زمین، در حق مردم دعا می‌کنند.

۱. خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، ج ۱، صص ۳۱۹ تا ۳۲۲؛ پورسیدآقایی، مسعود؛ جباری، محمدرضا؛ عاشوری، حسن؛ حکیم، سید منذر؛ درسنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۹۵، منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۴، صص ۱۹۵-۱۹۶، طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۴، ترجمه: احمد غفاری مازندرانی، ص ۳۰۲.

۲. پورسیدآقایی، مسعود؛ جباری، محمدرضا؛ عاشوری، حسن؛ حکیم، سید منذر؛ درسنامه تاریخ عصر غیبت، صص ۲۲۴ تا ۲۳۸.



در این دوران بسیاری از بلاها و مشکلات شیعیان با دست غیبی امام از طرق مختلف مانند: نامه‌ها (مثل نامه به شیخ مفید)، نصیحت و موعظه افراد، دیدار با برخی و حل مشکلات آنها، یاری مؤمنان و مستغیثین در مقابل مخالفان، شفای بیماران، و تفقد و دلجویی از اولیا به هنگام مرگ و هدایت گمشدگان و رساندن آنها به مقصد، برطرف می‌شود.^۱

امام علیه السلام در هر موسم حج حضور دارند و با زائران بیت‌الله‌الحرام همراهند. حضور ایشان به‌عنوان امام تمدن توحیدی در مراسم حج به‌عنوان مظهر تمدن جهانی و جاودانه ضروری است. هر شب قدر مقدرات مردم را دریافت، اعمال بندگان را با عنایت خاص خود بررسی می‌کنند. همه این امور وسیله‌ای برای فراهم کردن زمینه ظهور است. به عبارت دیگر منتظر حقیقی خود امام علیه السلام است و خودشان زمینه‌ساز ظهور خویش‌اند. ایشان پیگیر و فعال، هدایت بشر را برعهده دارند. مسیر پر عدل و داد آغاز شده و هم‌اکنون در حال ادامه است. هر چه می‌گذرد، روند جامعه به نفع دین خواهد بود. امام علیه السلام هم اکنون ایفای نقش کرده و اوضاع و شرایط را به نفع تمدن توحیدی مدیریت می‌فرمایند. این نگاه تکاملی، مهدویت را شوق آفرین و شیعه را مکتبی همیشه پویا و جاری معرفی می‌کند. در این دوران، سعادت به اوج سعادت می‌رسند، همچنان که اشقیاء به حضيض ذلت می‌نشینند. جریان باطل رشد خواهد یافت و رشد آن طبیعی است؛ زیرا رشد باطل فرصتی است برای پیشرفت حق، باطل به میدان می‌آید تا حق با آن درگیر

۱. پورسیدآقایی، مسعود؛ جباری، محمدرضا؛ عاشوری، حسن؛ حکیم، سید منذر؛ درسنامه تاریخ عصر غیبت، صص ۲۵۲ تا ۲۵۴.



شود و حقانیتش به کرسی نشیند.

۳. دوره ظهور

در آستانه ظهور، اوضاع عمومی جهان مساعد و افکار مردم برای پذیرش حق و عدالت آماده است. جامعه بشری با تمام وجود، حکومت توحیدی را خواهان است. مردم از بی‌عدالتی خسته و آماده حقیقت‌اند. در این شرایط، می‌توان فطرت الهی مردم را به آیین حق سوق داد. در این دوران، جوامعی ظهور یافته‌اند که آمادگی و قابلیت جسمی و روحی برای پذیرش و همراهی حضرت را دارند. جهان در این دوران با پیشرفت دینی در بین امت اسلامی، هرچند در طبقه‌ای خاص روبرو خواهد بود.

با وجود همه این نکات مثبت، باید اذعان داشت که در این دوره، در میان برخی، از اسلام جز نامی باقی نمی‌ماند. اصول و ارزش‌های اسلامی مورد بی‌اعتنایی واقع می‌شود و بدعت‌های فراوان در دین به وجود خواهد آمد. جوامع در ابعاد عقیدتی و فکری به ویژه در اصل توحید با ضعف و سردرگمی روبرو خواهند شد. باطل به صورت حق و حق به شکل باطل جلوه می‌کند. فسق، فجور و بی‌تقوایی حتی در بین روحانیون و قاریان قرآن رواج می‌یابد و علنی می‌شود. ظلم و بی‌عدالتی حکومت‌های مستبد، کشتار و قتل بی‌حساب، ناامنی و نابسامانی حتی در حریم خانواده‌ها، اوج امتیازهای طبقاتی و تبعیض‌های نژادی از دیگر ویژگی‌های این دوران است.

منجی بشر در مکه ظهور خواهند کرد؛ به کعبه تکیه زده و خطبه جهانی‌شان را خواهند خواند. اولین سخنشان **﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾** است. مردم را به بیعت با خود و اهداف بلند انسانی و آسمانی‌شان فرا می‌خوانند. با شنیدن ندای روحانی ایشان،



۳۱۳ دل‌باخته حقیقت از اطراف و اکناف جهان به او روی می‌آورند.^۱

او می‌آید تا برنامه اصلاحی و همه‌جانبه خود را به اذن الهی به اجرا رساند. قیام ایشان با نام جدشان رسول الله صلی الله علیه و آله آغاز و مکه قلمرو دولت کریمه شان خواهد بود. این مرحله از حرکت آن حضرت، با مخالفت‌های سفیانی‌ها و دجال‌ها و درگیری با آنها همراه خواهد بود. ایشان مسجدالحرام را به حدود اصلی‌اش که بسیار بزرگتر از حد کنونی است و مقام ابراهیم علیه السلام را به جایگاه نخستین‌اش باز می‌گردانند. پس از تدبیر امور مکه و رسیدن تعداد یارانشان به ده‌هزار نفر، به مدینه و پس از تدبیر امور مدینه به سوی کوفه حرکت خواهند کرد. با مخالفان مبارزه کرده و کوفه را مرکز حکومتشان قرار می‌دهند.

از دیگر اقدام‌های آن بزرگوار، حرکت به سوی قدس است. در این مرحله، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و با ایشان بیعت می‌کند و پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند. امام علیه السلام اهل کتاب را به اسلام فرا می‌خوانند و به آنها فرصت تصمیم‌گیری خواهند داد. ایشان با متعصبان در انکار حق مبارزه خواهند کرد.

۱،۳. احیا و زنده کردن توحید

جهان در این دوران تحت حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام در خواهد آمد. ایشان منتقم خون امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا می‌باشند. با اقدام‌های آن حضرت، نفوذ مسیحیت و یهودیت در جهان به پایان خواهد رسید. ظهور آن حضرت، مستلزم عمومیت پیدا کردن توحید و عدالت در سراسر جهان است. امام علیه السلام با ارائه اسلام واقعی و بر طرف کردن بدعت‌ها و شبهات و دعوت همگان به اسلام، توحید را زنده و دین اسلام را جهانی

۱. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی علیه السلام موجود موعود، صص ۲۳۶ تا ۲۴۱.



خواهند کرد.^۱ قرآن و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم احیا می‌شود و جامعه اسلامی و قرآنی، پی‌ریزی و دین و احکام اسلام به‌طور کامل اجرا خواهد شد.^۲

۲،۳. رشد جامعه بشری

از آنجا که ایمان باید عقلانی باشد تا مؤمن همچون جان خود از آن دفاع کند و بر سر آرمان‌ها بماند، امام علیه‌السلام به تأیید الهی بُعد عقلانی جامعه را رشد خواهند داد.^۳ حیات فکری و معنوی انسان‌ها زنده و فطرت، استعدادها و قابلیت‌های افراد بیدار خواهد شد. توحید با شکوفایی عقل رشد می‌یابد و با نموّ ایمان عقلانی، امنیت دینی حاصل خواهد شد.

شکوفایی علم،^۴ اخلاق و عرفان از دیگر ویژگی‌های دوران ظهور است. تمام علوم و اسرار کائنات به‌دست حضرت ولی عصر علیه‌السلام کشف می‌شود و علوم عادلانه به مردم آموزش داده خواهد شد.^۵ به عبارت دیگر، انسان‌ها از نظر روحی به بلوغ خواهند رسید. در این شرایط طلایی، آن حضرت قرآن را طبق آنچه خداوند نازل و حضرت علی علیه‌السلام

۱. آیت الله جوادی آملی احیای صراط نعمت داده‌شدگان را از آثار عام ظهور بر می‌شمرند. برای

اطلاع بیشتر ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، ص ۲۲۸.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، صص ۲۳۳-۲۳۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ص ۱۵۲ و ص ۱۷۲ و ص ۱۸۰؛ مندر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۴، ص ۲۹۲.

۳. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، ص ۲۶۱ تا ۲۶۳.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ترجمه: مصطفوی، ص ۲۹.

۵. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی علیه‌السلام موجود موعود، صص ۲۶۱ تا ۲۶۳.



گردآوری کرده است به مردم تعلیم می دهند.



۳.۳. توسعه همه‌جانبه عدالت در دوران ظهور

برقراری عدالت به نحوی که به احدی ظلم نشود، از دیگر ویژگی‌های این دوران است.^۱ عدالت در ابعاد مختلف فراگیر خواهد شد، به شرح ذیل:

۱.۳.۳. عدالت اجتماعی

در این دوران، صلح و صفا و محبت و تعاون در بین تمام جانداران برقرار و نارسایی‌ها از جهان برطرف خواهد شد. رفاه، آسایش، رفع امتیازهای طبقاتی، نژادی و حذف تجمل‌گرایی، از ارمغان‌های شیرین این دوران خواهد بود.^۲

۲.۳.۳. عدالت اقتصادی

امام علیه‌السلام در این دوران، دل‌های مردم را از غنای نفس پر خواهند کرد. با اصول منظم، منسجم و هماهنگ و برنامه‌ریزی همه‌جانبه، مشکلات اقتصادی را حل و فقر را حذف خواهند کرد. بخشش کریمانه و بی‌منت به مردم، عمران و آبادی زمین و نبودن خرابی در زمین از شاخصه‌های جامعه آن روز خواهد بود.^۳

۱. همان. صص ۲۶۴ تا ۲۶۶.

۲. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۳۳، جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انصاریان، ۱۳۷۹ ص ۶.

۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۴؛ محمدی اشتهاردی، محمد، نگاه به زندگی حضرت مهدی علیه‌السلام، صص ۱۳۴-۱۳۵. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، صص ۳۳-



۳.۳.۳. عدالت قضایی و حقوقی

کارگزاران ناهل در این دوران برکنار می‌شوند و قوانین عادلانه وضع می‌شود و در نهایت دقت اجرا می‌گردد. قضاوت آن حضرت به شیوه حضرت داود علیه السلام و بدون نیاز به بینه نیز خواهد بود.^۱ ایشان حق مظلومان را استرداد خواهند کرد.^۲

۳.۳.۴. عدالت سیاسی

در این دوران، حق بر باطل و مستضعف بر مستکبر غلبه و حکومت حقه اسلامی حاکم و پرچم اسلام در سراسر گیتی برافراشته خواهد شد.^۳

۴. شاخصه‌های سیره حضرت مهدی علیه السلام

تحقق مدینه فاضله‌ای که اهداف پیامبران و امامان علیهم السلام بوده، در زمان امام عصر علیه السلام تحقق می‌یابد:

- مدینه عدل
- مدینه علم

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۲، عطاردی، عزیزالله، مسند الامام حسن العسکری علیه السلام، ص ۹۲.

۲. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۳۵؛ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ترجمه: رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۳۵۹.

۳. منذر حکیم، پیشوایان هدایت، ج ۱۴، صص ۲۹۹-۳۰۱.



- مدینه رفاه و آسایش
- مدینه امن
- مدینه تربیت و فضایل اخلاقی



نقش حضرت ولی عصر: جهانی سازی اسلام ناب

